

این راه بی بازگشت است

گفت و گوی اختصاصی هفته

با یک قاچاقچی انسان

هفته

سال سیزدهم - پنجشنبه / ۲۰ آذر ۱۳۹۹ / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰

۶۱۲

بها: ۲,۵ دلار / در مونتreal و اتاوا رایگان

www.hafteh.ca



مهاجرت به کانادا

نگاهی به تاریخچه مهاجرت به کانادا
از آغاز تا کنون

یا می رسی، یا می میری

داستان مهاجرت یک ایرانی به استرالیا

MARCHÉ ARIYA®

فروشگاه آریا



نانوایی پخت روزانه، خشکبار و تره بار، رستوران
و کباب روی ذغال، سرویس قصابی گوشت حلال
پایین ترین قیمت، بالاترین کیفیت



**رضایت شما
اولویت ماست**

**از ۹ صبح تا ۹ شب
۷ روز هفته**

**عرضه کننده بهترین مواد غذایی
شرقی و غربی بایک دهه تجربه در
خدمت شما مشتریان عزیز می باشد**

Tel: (450)812-7369
www.marcheariya.com
Facebook: MarcheAriya
3207 Boul. Taschereau
GreenfieldPark, QC J4V2H4

دکتر شریف


دکتر البذال
دکتر مهرنوش

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Mehrnoosh


تخفیف ویژه برای


دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪


Montreal

 (514) 731 1443

 5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

 Clinique.Dentaire.Soleil


 www.cliniquedentairesoleil.com

 info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

 (450) 926 2622

 7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

 info@cliniquedentaire

soleil-brossard.com

مهاجرین عزیز

✓ آیامی دانید که خریداران نیازی

به پرداخت پورسانت ندارند؟

هدیه مابه خریداران:

✓ ۱۱۰۰۰ دلار هزینه محضر

✓ اجاره آپارتمان دو خوابه شیک (۲۰۱۴)

✓ پارکینگ انباری در LAVAL

✓ فروش خانه ویلایی سه خوابه در WEST ISLAND

✓ فروش خانه دو خوابه در بروسارد

✓ مشاوره رایگان هر روز هفته

• پیش فروش آپارتمان

در بهترین نقطه Downtown

• خانه های اجاره ای در West Island



فکین خاکسار - نادر خاکسار



514 969 2492 هفت روز هفته مشاوره رایگان تلفنی

مشاور املاک





سماغر تدین

مشاور املاک مسکونی در مونترال بزرگ

Saghar.tadayon@remax-quebec.com
5143788620

RE/MAX Alliances
rue Beaubien Est 3299
Montréal, Québec, H1X 1G4
Ofc. : 514-374-4000
Fax : 514 374-6692

رویاها تحقق پذیرند...

مشاوره و کسب اطلاعات رایگان املاک مسکونی با قویترین بانک اطلاعاتی
فروش املاک مسکونی در کمترین زمان مناسب با بهره گیری از بازاریابی صحیح
ارزیابی، انالیز مناطق جهت خرید و پیش خرید
مشاوره و راهنمایی برای سرمایه گذاری املاک در مونترال بزرگ
ارائه بیمه های انحصاری شرکت ریمکس RE/MAX
Programme Tranquilli.T, Intégri.T
Sécuri.T

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

کارشناسی ارشد مهندسی عمران

از دانشگاه کنکوردیا

- خرید و فروش تخصصی ملک، دسترسی ویژه به پیش خرید در سراسر مونترال
- دسترسی تضمینی به بهترین مبلغ وام با کمترین سود بانکی
- پرداخت هزینه محضر

Mahdi Ansari

Residential Real Estate Broker

CANADA AWARDED

BROKER

2019 - 2020

514-588-0609

www.mahdiansari.com

medi.ans.mtlbroker



Agence immobilière
GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC



آرزو گتمیری مشاور املاک



- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010

Cell: (514) 561-3-561

Arezou Gatmiri
Courtier Immobilier Résidentiel
agatmiri@sutton.com



مشاور املاک

Courtier immobilier agréé / Certified Real State Broker

- مشاور ارشد املاک در مونترال و حومه
- خرید و فروش املاک مسکونی، تجاری - صنعتی و کشاورزی
- تهیه انواع وام های مسکونی و تجاری
- تهیه وام برای تازه واردین به کانادا
- مشاوره در امور سرمایه گذاری در املاک در آمد زا
- خرید و فروش انواع بیژینس



با ۳۵ سال سابقه کسب و کار در کانادا و ۱۵ سال تخصص در مشاوره املاک
مونترال مسکونی - تجاری

ارزیابی رایگان - تهیه وام مسکن

فیروز همتیان

Cell: (514) 827-6364

Bur: (514) 364-3315

9515 Lasalle Boul. Lasalle, QC H8R2M9

fhematiyan@sutton.com

۱۷ پرونده هفته



خسرو شمیرانی

فرنگیس شکیبا یا می رسی، یا می میری
داستان مهاجرت یک ایرانی به استرالیا

نویده احمدی راه بی بازگشت
گفت و گوی اختصاصی هفته با یک قاچاقچی
انسان

گروه ترجمه هفته مهاجرت به کانادا؛
نگاهی به تاریخچه مهاجرت به کانادا از آغاز تا
کنون

۲۴ مهاجرت



معصومه علی محمدی ارزیابی عملکرد وزیر
مهاجرت کانادا توسط کمیسیون پارلمانی

ابراهیم احمدی در طالبان، گروه ما ۸۰ نفر بود با
تعداد زیادی کودک

گروه ترجمه هفته پناهجویان بی پناه در کانادا؛
نگاهی به وضعیت دگرباشان پناهجو

۳۰ ادبیات، فرهنگ و هنر



مهران راد یک دستور غذا از قرن ششم

بهروز مایل زاده جمعه سیزدهم، داستان یک
تقارن بدیمن
فرشید سادات شریفی شعر جهان: ژان-پیر سیمئون و
نزار قبانی

یاسمن حسنی بزرگ شدن در ترکیه و رمان
LA NAGE DU PAPILLON
خالد بایزیدی بر گردان «فقر» از پابلو نرودا و «حس»
از عمران صلاحی به کردی

سینما

مصطفی عزیزی قطره‌های پاک در گنداب ضد هنر؛
نگاهی به حضور امنیتی‌ها در سینمای ایران

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN1918-4379HafteH

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۰ میلادی:
پنجشنبه ۲ ژانویه، پنجشنبه ۲۶ مارچ
پنجشنبه ۹ جولای، پنجشنبه ۱۵ اکتبر

- هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
- برداشت مطلب با ذکر سرماخذ آزاد است.
- لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
- هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
- نوشته‌های فرستاده شده پس فرستاده نمی‌شوند.
- استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
- درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

حق اشتراک سالانه: ۱۲۰ دلار دانشجویی: ۶۰ دلار

هفته - سال سیزدهم - شماره ۶۱۲

پنجشنبه ۲۰ آذر ۱۳۹۹ / ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰

بها: ۲/۵ دلار / درمونتال رایگان

ناشر: مجله‌ی هفته

صورت آواز مرغ است آن کلام
غافل است از حال مرغان مرو خام



حبیب عثمان به یاد مولانا در محفل خزانی نوای نیستان
عبداللهادی **تپاند** در اراپو افغانستان کابل دی- (پشتو)

خسرو شمیرانی رعایت اخلاق و شش سوال
«هفته» از دو گروه رقیب در انتخابات کنگره
ایرانیان کانادا

پاشا جوادی هیس! بابا خواب است
گفت و گوی پاشا جوادی با خاطره خدایی

نویده احمدی پاندمی کرونا و شرایط اقتصادی
مهاجران در ایران
زندگی مهاجران افغان در ایران با توجه به
گسترش پاندمی

پاسخ‌های آرزو خدیر از «پویش همبستگی و صلح»
به شش سوال هفته

پاسخ‌های سه کاندیدای «کارزار تغییر و بازسازی»
به شش سوال هفته امیر خدیر، مهر دخت هادی و
تینا فرشاد گهر

۵۶ جامعه و حقوق

مریم ایرانی توییت کوچکی که یک کارزار بزرگ به
پا کرد؛ خشونت علیه زنان و پایان سکوت یک روزنامه
نگار زن

خوانندگان
هومن شیرازی مشاهدات یک عضو سابق هیئت مدیره
کنگره ایرانیان کانادا درباره دعوی حقوق

مریم ایرانی خشونت دیگر کافی است، همه ما باید در مقابل
آن بایستیم

نیوشا ریاحی اولین گام بعد از دریافت شکایت شخصی
چیست؟

ادبیات: فرشید سادات شریفی
پزشکی: دکتر فائقه ابراهیمی
حقوق: نیوشا ریاحی
فرهنگ و جامعه: فرنگیس شکبیا
اقتصاد: بهراد رنجبری

سردبیر: خسرو شمیرانی
ویراستار: تیم ویراستاری هفته
صفحه آرایی: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

پردیس گروه دانشجویی هفته: محمد کرم‌زاده، امیر
مولایی، عباس محرابیان و شهرزاد طباطبایی
گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرورنده، نفیسه
پرورنده و اشکان امیری
وب سایت: بهمن عسگری‌پور

اخبار کانادا: گروه خبر هفته
اخبار یاهمستان: گروه خبرهای محلی
آریانا (دَری): نرگس هاشمی و حبیب عثمان
مهاجرت: معصومه علی محمدی و نویده احمدی

۷۰ خانواده و سرگرمی

مهسا عباس پور آشپزی این هفته: نرگسی کدو
خاطره تحویل‌داری یکتا سخن ستارگان، برای تفنن
گروه طنز هفته سرگرمی حکایت و لطیفه

با سپاس ویژه از همکاران این شماره: یاسمن حسنی، کریم زبانی، جمیله هاشمی

سرديبر

آن دل پردرد ديگر نمي تپد

علی جان امروز تو تازه چشمانات را بسته بودی که یکی از رفیقان، کیوان صمیمی را، شاید او را نیز به خاطر صمیمیت و انسانیتش، بردند، به اوین بردند. یاد زمستان ۱۳۸۱ افتادم. با تو مصاحبه کرده بودم، یک گفت‌وگوی تلفنی. شجاعانه از اتاق بحران زاهدنمایان از خدایی خبر گفتم و پیش از آنکه گفت‌وگو منتشر شود از محل کارت در «نشر دانشگاهی» ربودند و تا هفته‌ها هیچ کس نمی‌دانست در کجایی. بعدها دانستیم که چهل روز قلب رنجورت در چنگال فشار همان از خدایی خبران بود که هزار فشار جسمی و روحی را به تو روا داشتند، چراکه دلسوزانه در اندیشه سرنوشت این ملت بلا دیده بودی.

علی‌رضا جباری مهربان امروز، ۷ دسامبر ۲۰۲۰، کرونا تو را از ما، از پروانه، مهرآهنگ، آذرننگ و از بقیه خانواده و دوستان و رفقای گرفت. اما تو پروازی بودی و دست کم بعد از فروغ دیگر می‌دانیم که پرواز را پایانی نیست. علی عزیزم از مقالات و آثار ترجمه‌ی تو بسیار آموخته و می‌آموزیم اما برای خودم آرزو می‌کنم مهر بزرگ و صداقتِ کودکوار تو برایم درس زندگی شرافتمندانه‌ای باشد که در شعرهایت ترانه‌گردی.

به قول آن شاعر عزیز، سیاوش کسرای:

بسیار گل که از کف من برده است باد

اما من غمین

گل‌های «باد» کس را پرپر نمی‌کنم

من مرگ هیچ عزیزی را

باور نمی‌کنم

دوستات دارم برادر، دوستات دارم رفیق!

باور نمی‌کنم که او رفته است؛ دیگر نیست. آن خنده‌های صادقانه را دیگر نمی‌شنوم. باور نمی‌کنم آن دل پردرد دیگر نمی‌تپد.

علی عزیزم باور نمی‌کنم که رفته‌ای. مگر می‌شود آن همه خوبی، صافی و صداقت مدفون شود به خاک؟ مگر می‌شود یک عمر تلاش انسانی تو برای زندگی بهتر مردمان آن سرزمین بلازده را در زمین کرد و مشتت خاک بر آن پاشید؟ مگر می‌شود عشق بی‌غل و غش تو را نهان کرد به گور «بی آنکه سر کشد گل عصیان‌اش ز خاک؟»

علی مهربان‌ام از روزی که به خانواده گام گذاشتی تا روزی که دیدمت سالها زمان برد اما با صافی دل‌ت خیلی زود پیوند خوردم و هر بار دوباره غافلگیرم کردی. بارها از خود پرسیدم مگر می‌شود در این زمانه که سقوط و تباهی افسار گسیخته است انسان بتواند چنین زلال بر بام صداقت بنشیند؟ معصومانه دست در دست پروانه خانم به هر کس که در نیاز بود، از زندان آمده یا در راه زندان بود، سر می‌زدی و جویای حال‌اش می‌شدی، بی‌آنکه برایت مهم باشد از کدام دارو دسته و فکر و ایده و ایسم است؛ به حرمت انسان بودن و به خاطر ظلمی که بر او رفته بود.

مگر می‌شود آدم به گناه انسان‌دوستی زندانی و شکنجه‌شده، بیرون بیاید و درباره قاضی از عدل‌گريزان و شکنجه‌گر صحبت کند بی‌آنکه ذره‌ای خشم و نفرت در صدا و بیان و احساس‌اش باشد؟

کانادا
کبک
انتاریو
بریتیش کلمبیا
باهمستان افغان و ایرانی

اخبار و
گزارش ها



DAVID BERGER

Avocat - Attorney
Immigration-Refugees-Citizenship

دیوید برگر

پنج دوره نماینده مجلس فدرال و سفیر سابق کانادا
عضو کانون وکلای کبک، مهاجرت - پناهندگی - شهروندی

- تقاضای اقامت موقت و دائم، شامل ویزای دانشجویی، ملاقات، نیروی کار ماهر
- تقاضای مهاجرت از طریق برنامه های تجاری و انسان دوستانه
- تقاضای پناهندگی، فرجام درخواست های پناهندگی
- بررسی حقوقی تقاضاهای ارائه شده به دادگاه فدرال کانادا و دادگاه عالی کبک
- توجه خاص به نیازهای حقوقی مراجعه کننده

Tel: 514-284-1157

www.cilaw.ca

david.berger@cilaw.ca

1980 Sherbrooke Street West, Suite 900-25, Montreal, Quebec H3H 1E8

منطقه‌ی جادویی در کانادا: رستوران‌ها باز و کرونا کم‌یاب

miscamungue نیست که این روزها این منطقه را از دیگر نقاط کبک متمایز می‌کند. این منطقه نه تنها از موج دوم کرونا در امان مانده بلکه از پیامدهای اقتصادی این بحران نیز مصون مانده است. در این منطقه از رکود اقتصادی خبری نیست، کسب و کارها از جمله معادن البتة با ظرفیت محدودتر نسبت به پیش از پاندمی همه فعال هستند. با توجه به افزایش قیمت طلا در دوره پاندمی حتی می‌توان گفت که Abitibi-Témiscamingue با داشتن معادن طلا، ثروتمندتر هم شده است. بیکاری در این منطقه تنها ۴.۵ درصد است و حتی برخی بخش‌ها با کمبود نیروی کار روبرو هستند.

رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی وجود دارد. رستوران‌ها، بارها و سالن‌های ورزشی مثل ایام عادی سال باز هستند هر چند باید برخی تدابیر پیشگیرانه را رعایت کنند. به گزارش هفته، به‌نقل از لاپرس، با توجه به زرد بودن وضعیت این منطقه در سامانه هشدار کووید ۱۹، مقررات سختگیرانه قرنطینه که باید در اکثر مناطق کبک رعایت شود در این منطقه اجرا نخواهد شد و درست به همین علت Abitibi-Témiscamingue قطعاً تنها منطقه کبک است که تحت تاثیر تغییر عقیده فرانسوا لوگو درباره جشن‌های پایان سال و لغو «قرارداد اخلاقی» قرار نگرفت. اما فقط امکان برگزاری دوره‌های نوئل در Abitibi-Té-



آبیتیبی-تمیسکامینگ -تمیسکامینگ منطقه‌ای که شاید این روزها آرزوی خیلی‌ها باشد منطقه Abitibi-Témiscamingue تا اندازه زیادی از موج دوم کووید ۱۹ و پیامدهای اقتصادی آن در امان مانده است. در بحبوحه بحران کرونا در کانادا، زندگی مردم این منطقه روال عادی خود را طی می‌کند. امکان برگزاری جشن‌های نوئل البته در چارچوبی محدودتر از سال‌های قبل و با

افزایش بی‌سروصدای خشونت‌های زناشویی در دوران کرونا

بتوانند تقاضای کمک کنند. در شرایطی که پوشش دوازده روز اقدام جمعی برای مقابله با خشونت علیه زنان در کبک ادامه دارد، لوسار تصریح کرد شرایط پاندمی و قرنطینه، میدان عمل بیشتری به عاملان خشونت داد تا کنترل بیشتری بر روی قربانیان خود اعمال کنند. طبق گزارش HFC، به محض این که محدودیت‌های قرنطینه در ماه‌های ژوئن و اکتبر کاهش یافت تماس‌ها با ۶۱ درصد از خانه‌های امن زنان و درخواست کمک از این مراکز به طرز قابل توجهی افزایش یافت و بیش از نیمی از این مراکز از افزایش شدت خشونت‌هایی که زنان در دوره قرنطینه متحمل شده بودند، خبر دادند.

به گزارش هفته، به‌نقل از ژورنال دو مونترال، سازمان HFC که در زمینه حمایت از زنان فعالیت می‌کند، در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرد ۵۹ درصد از مجموع ۵۵۰ خانه امن زنان که این سازمان تحت پوشش خود دارد، از کاهش تماس‌ها و درخواست‌های کمک در سه ماه اول پاندمی خبر دادند. این آمار شاید در نگاه اول دلگرم‌کننده باشد اما کارشناسانی مثل ژونویشو لوسار Geneviève Lessard می‌گویند این مسئله را باید از زاویه دیگری مورد بررسی قرار داد. لوسار که استاد جرم‌شناسی دانشگاه لاول است، می‌گوید علت کاهش درخواست کمک از طرف زنان در ماه‌های اول پاندمی کرونا صرفاً این بود که با توجه به قرنطینه، زنان قربانی خشونت زمان کمتری تنها شدند تا



خشونت‌های زناشویی در دوره کرونا دور از انتظار و بی‌سروصدای افزایش یافته است کارشناسان، انجمن‌های حامی حقوق زنان و سازمان‌های اجتماعی از افزایش خشونت بر ضد زنان که در دوره پاندمی بیش از همیشه در انزوا قرار گرفته‌اند، ابراز تاسف می‌کنند.

حمایت یک میلیارد دلاری از حمل‌ونقل بریتیش کلمبیا

را به شرکت‌های حمل‌ونقل عمومی استان خواهد داد که خدمات خود را حفظ کنند و قیمت‌های خود را بالا نبرند. به موجب توافق‌های صورت گرفته، سه شرکت حمل‌ونقل عمومی بریتیش کلمبیا باید افزایش تعرفه‌های خود را هر سال تا سال ۲۰۲۴ زیر متوسط ۲.۳ درصد نگه دارند. ترانسلینک که خدمات حمل‌ونقل عمومی در گراند ونکوور را تضمین می‌کند، ۶۴۴ میلیون دلار از این کمک‌ها را دریافت می‌کند. سهم شرکت BC Ferries از این کمک‌ها ۳۰۸ میلیون دلار و سهم شرکت BC Transi که حمل‌ونقل عمومی خارج از گراند ونکوور را بر عهده دارد، ۸۶ میلیون دلار خواهد بود.

مقابله با پیامدهای پاندمی کرونا در صنعت حمل‌ونقل اختصاص یافته است، بین شرکت‌های BC TransLink، BC Ferries و BC Transit توزیع خواهد شد. به گزارش هفته، به‌نقل از رادیو کانادا، راب فلمینگ Rob Fleming وزیر حمل‌ونقل و زیرساخت‌های بریتیش کلمبیا در کنفرانسی مطبوعاتی اعلام کرد: «حمل‌ونقل عمومی در استان به‌شدت تحت تاثیر همه‌گیری کرونا قرار گرفته و بخش عمده‌ای از درآمدهای خود را از دست داده است. این شرایط، سال مالی دشواری را برای شرکت‌های حمل‌ونقل عمومی ایجاد کرده است.» کمک اختصاص یافته به صنعت حمل‌ونقل عمومی بریتیش کلمبیا که به طور مساوی توسط دولت فدرال و دولت استانی تامین خواهد شد، این امکان



ترانسلینک TransLink به تنهایی ۶۴۴ میلیون دلار از این کمک‌ها را دریافت خواهد کرد

بیش از یک میلیارد دلار کمک به صنعت حمل‌ونقل عمومی بریتیش کلمبیا مقامات اتاوا و ویکتوریا اعلام کردند بیش از یک میلیارد دلار کمک در اختیار شرکت‌های حمل‌ونقل عمومی بریتیش کلمبیا قرار می‌گیرد. این کمک‌ها که به منظور

رشد حداقل حقوق در سال آینده

داده‌اند، دولت کبک بالاخره اهداف مد نظر خود را در این زمینه آشکار ساخت اما بر خلاف انتظار اتحادیه‌ها و حزب همبستگی کبک که افزایش حداقل حقوق از ۱۳.۱۰ دلار در ساعت به ۱۵ دلار در ساعت را خواستار شده‌اند، دولت لوگو افزایش حداقل حقوق تا ۱۳.۵۰ دلار در ساعت را برای سال آینده مد نظر قرار داده است.

به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، این مطلبی است که روز جمعه ۴ دسامبر اریک ژیرار Eric Girard وزیر دارایی کبک به طور سرپسته در مجلس عوام اعلام کرد.

وزیر دارایی کبک تصریح کرد کارهای مقدماتی برای تعیین حداقل حقوق در سال آینده در جریان است. هر سال معمولاً اول ماه می حداقل حقوق تعیین می‌شود.

وزیر دارایی این مطلب را در پاسخ به سوال الکساندر لودوک



طبق اعلام وزارت دارایی کبک، حداقل حقوق در سال آینده احتمالاً از ۱۳.۱۰ به ۱۳.۵۰ دلار افزایش خواهد یافت.

در سال ۲۰۲۱ حداقل حقوق در کبک احتمالاً به ۱۳.۵۰ دلار خواهد رسید

در حالی که اتحادیه‌های صنفی و برخی احزاب به ویژه حزب همبستگی کبک از هفته‌ها پیش دولت فرانسوا لوگو را برای افزایش حداقل حقوق در سال ۲۰۲۱ تحت فشار قرار

تغییر عقیده فرانسوا لوگو درباره تجمعات نوئل

را بوجود آورد. از طرف دیگر مسئولان و کارکنان بخش بهداشت و درمان کبک تغییر عقیده لوگو را «تصمیمی عاقلانه» توصیف و از آن استقبال کرده‌اند.

۱۹ نوامبر فرانسوا لوگو به کبکی‌ها اجازه داد در ایام تعطیلات نوئل چهار دورهمی حداکثر ده نفره داشته باشند و در ادامه نیز دو تجمع را برای آنها مجاز دانست. با این حال از شهروندان خواست برای رعایت محدودیت‌ها و تدابیر پیشگیرانه بر مبنای یک «قرارداد اخلاقی» عمل کنند اما به نظر می‌رسد این قرارداد زودتر از آن چه انتظار می‌رفت، لغو شده است.

شارل-لوموین ملیسا رانژه پزشک اورژانس در مصاحبه با



فرانسوا لوگو وزیر اول کبک روز پنجشنبه سوم دسامبر در رابطه با اجازه برگزاری تجمعات در مناطق قرمز در تعطیلات نوئل تغییر عقیده داد.

به گزارش هفته به نقل از رادیو کانادا، وزیر اول کبک با لغو مجوز تجمعات برای عده‌ای از شهروندان یاس و سرخوردگی و برای برخی دیگر تسکین و اطمینان خاطر

آماده‌باش ارتش کانادا برای واکسیناسیون کووید ۱۹

حزب محافظه‌کار از هفته‌ها پیش دولت را برای ارائه یک طرح دقیق و منسجم برای توزیع واکسن تحت فشار قرار داده است.

نیروهای مسلح کانادا علاوه بر این که مأموریت دارند انتقال محموله‌های واکسن از آمریکا، اروپا (مثل اسپانیا و آلمان) یا دیگر نقاط جهان را به مراکز توزیع واکسن در داخل کشور تضمین کنند، باید در عملیات انتقال و توزیع واکسن در نقاط دورافتاده شمالی و ساحلی کشور نیز شرکت کنند.

گفته می‌شود وزارت بهداشت کانادا در آخرین مراحل بررسی واکسن تولیدی شرکت‌های فایزر و مدرنا است و انتظار می‌رود تا پایان این ماه تصمیم مقتضی در این باره اتخاذ شود.

توزیع واکسن کووید ۱۹ برنامه ریزی کنند. به گزارش هفته، به نقل از لاپرس، این فرمان در دستورالعملی گنجانده شده بود که هفته گذشته رئیس ستاد مشترک دفاعی کانادا صادر کرد. این سند برای اولین بار نحوه اجرای توزیع واکسن کووید ۱۹ در کشور توسط نیروهای مسلح را تشریح کرده است.

در این سند با اشاره به این که احتمالاً نیروهای مسلح به زودی محموله‌های واکسن کووید ۱۹ را از آمریکا یا اروپا دریافت خواهند کرد، از این مسئله ابراز نگرانی شده که ممکن است همزمان با اجرای عملیات توزیع واکسن، ارتش برای مقابله با حوادث احتمالی مثل سیل یا مدیریت دیگر شرایط غیرمترقبه فراخوان شود.



با این که طرح واکسیناسیون کووید ۱۹ توسط آژانس بهداشت عمومی کانادا اجرا خواهد شد، به موجب حکمی دولتی که ۲۷ نوامبر صادر شد، نیروهای مسلح کانادا نقش مهمی در «عملیات وکتور» ایفا خواهند کرد.

هر چند ژنرال جاناتان ونس رئیس ستاد مشترک دفاعی کانادا تأکید کرده که ارتش کارهای مقدماتی برای اجرای عملیات توزیع واکسن کووید ۱۹ را از مدت‌ها پیش آغاز کرده است اما دولت کانادا هفته گذشته رسماً به نیروهای مسلح دستور داد برای

کارگاه مهارت‌های فرزندپروری مثبت کودکان بزودی

دکتر الهام گرامی گذراندن این دوره را به دو گروه پیشنهاد می‌کند: والدینی که مشکلات بزرگی با کودک خود ندارند و تنها در جهت پیشگیری از وقوع مشکلات در آینده و آموزش جهت برقراری ارتباط بهتر و موفق‌تر با کودکشان در کلاس‌ها شرکت می‌کنند. دسته دوم والدینی که از مشکلات رفتاری و عاداتی کودک خود به ستوه آمده و خواستار راهکارهای کارآمد در ارتباط با کودکشان هستند. در ادامه این اطلاعیه آمده است که این کارگاه با مشارکت فعال شرکت‌کنندگان با طرح پرسش و پاسخ، کیس ریپورت و دادن تمریناتی به والدین اجرا خواهد شد. کارگاه مدیریت رفتاری والدین مناسب برای کودکان ۳ تا ۶ سال و و سنین دبستان تا ۱۰ سال است. هزینه هر دوره ۱۰۰ دلار است. برای دریافت اطلاعات بیشتر و ثبت نام با شماره ۴۱۶۸۳۴۶۴۶۹ تماس بگیرید.

ابعاد مختلف شکل دهی به یک فرزندپروری مثبت که بتواند به ارتقاء رشد و سلامت روان کودک منجر می‌شود، موضوع بحث مشروح این جلسه خواهد بود. اولین جلسه این سری کارگاه‌های روانشناسی جمعه ۱۸ دسامبر، ساعت ۱۹ تا ۲۰:۳۰ به وقت شرق کانادا از طریق زوم برگزار می‌شود. موضوع جلسه اول: چرا آموزش فرزندپروری مهم است؟ و این جلسه رایگان برگزار خواهد شد. سایر جلسات از هفته دوم ژانویه برگزار خواهد شد. در اطلاعیه این کارگاه آمده است: «فرزندپروری مثبت رویکردی در زمینه تربیت کودک است که در آن ارتقا رشد صحیح کودک مدیریت رفتاری مناسب در محیطی امن، با روشی سازنده و غیرآسیب‌زننده و بر اساس ارتباط خوب، صورت می‌پذیرد. دانش فرزندپروری عبارت است از مجموعه اصول روش‌ها و آموزه‌هایی که مبتنی بر یک سبک مشخص و کارآمد است که والدین را در اجرای یک تعلیم و تربیت مناسب یاری می‌دهد.»



«شبکه آموزشی کاریز» سری کارگاه‌های روانشناسی با محوریت مهارت‌های فرزندپروری را برگزار می‌کند. به گزارش هفته، به نقل از اینستاگرام گروه «کاریز»، در این دوره آموزشی، خانم دکتر الهام گرامی، روانشناس و رواندرمانگر در حوزه کودک-نوجوان و خانواده به موضوع «مدیریت رفتاری والدین» می‌پردازد.

چگونه برند خود را روی آمازون بسازیم

ارسال کالا
• لیست کردن بهینه
• آغاز فروش محصول
• درجه بندی
این برنامه روی زوم برگزار می‌شود. از طریق لینک زیر می‌توانید در این برنامه شرکت کنید.
<https://cccio.ca/the-blueprint-for-building-a-brand-on-amazon>

و فروشنده آمازون است. این برنامه روز ۱۹ دسامبر بین ساعت ۱۳ تا ۱۵ به زبان فارسی برگزار خواهد شد. در این برنامه درباره موضوعات زیر صحبت خواهد شد:
• آمازون به عنوان یک فرصت
• انتخاب یک محصول موفق برای فروش در آمازون
• برچسب‌گذاری خصوصی و مارک تجاری
• یافتن تامین‌کننده مناسب، آماده‌سازی و



اتفاق بازرگانی ایرانیان کبک CCCIQ یک برنامه درباره چگونگی ساخت برند روی آمازون تدارک دیده است. سخنران این برنامه آقای منصور نوروزی، مشاور «آمازون بازار»، کارشناس PPC آمازون

امروز پنج‌شنبه: مجمع عمومی انجمن دفاع از حقوق بشر

۲) ارائه گزارش سالانه شورای هماهنگی
۳) انتخاب شورای هماهنگی جدید
مجمع عمومی سالانه انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران مونترال روز ۱۰ دسامبر مصادف با روز جهانی حقوق بشر برگزار می‌شود. این برنامه از ساعت ۱۹ تا ۲۱ به صورت مجازی روی زوم برگزار خواهد شد. علاقه‌مندان از طریق لینک زیر می‌توانند در این برنامه شرکت کنند. برای دریافت لینک برنامه لطفاً به کانال تلگرامی هفته haftehMontreal@ مراجعه کنید.

انجمن دفاع از حقوق بشر در ایران-مونترال مجمع عمومی سالانه خود را برگزار می‌کند این انجمن طی اطلاعیه‌ای از اعضا و علاقه‌مندان دعوت کرد تا در جلسه مجمع عمومی سالانه شرکت کنند. دستور جلسه مطرح شده در این اطلاعیه به شرح زیر است:
۱) سخنرانی خانم کتابیون شادپور درباره خدمات پزشکی و درمانی مجازی در کبک و پرسش و پاسخ در این زمینه.



ده تصمیم برای کسب و کارتان، وینار رایگان

این وینار روز چهارشنبه نهم دسامبر بین ساعت ۱۸ تا ۱۹ روی فضای زوم برگزار شد و هورخش یوسفزاده در آن سخنرانی کرد.

علاقه‌مندان می‌توانند از طریق ایمیل info@iwontario.com با برگزارکنندگان در تماس باشند.

کمیته کارآفرینی سازمان زنان ایرانی انتاریو، یک وینار رایگان در مورد تصمیم‌های اصلی که در مورد بیزنس باید گرفته شود، برگزار کرد. به گزارش هفته، به نقل از کانال تلگرامی سازمان زنان ایرانی انتاریو، این سازمان اعلام کرد در این وینار در مورد ده تصمیم اصلی که باید در مورد بیزنس خود بگیرید صحبت شد.



بورسیه میسا به یاد قربانیان پرواز PS752

و ۱۷۶ نفر مسافر و خدمه پرواز جان خود را از دست دادند. بیشتر مسافران این پرواز ایرانی کانادایی بودند.

انجمن میسا اعلام کرد علاقه‌مندان جهت مشارکت و کمک در تامین مالی این بورسیه می‌توانند به لینک زیر مراجعه کنند.

<http://gofund.me/d6128c4d>

یکی از راه‌های ارتباطی با میسا گروه تلگرامی است. <https://t.me/joinchat/CeePSIQLDg82X3lgD2SwwA>

انجمن دانشجویان ایرانی دانشگاه مک‌گیل (میسسا) تصمیم دارد برای گرامی‌داشت خاطره قربانیان پرواز PS752 یک بورسیه تحصیلی بنا کند.

به گزارش هفته، به نقل از گروه تلگرامی میسا، این انجمن اعلام کرد که با اختصاص این بورسیه به دانشجویان نیازمند، می‌خواهد یاد و خاطره قربانیان را زنده نگاه دارد. هشتم ژانویه ۲۰۲۰ پرواز ps752 خط هوایی اوکرایین در آسمان تهران توسط پدافند دفاع هوایی سپاه پاسداران مورد هدف قرار گرفت



بغضی در گلو و دردی در سینه؛ نوشته‌ای از حامد اسماعیلیون

حکم مرگ‌شان را بی آخرین دفاع صادر کردید؟ آخرین دفاع‌شان مگر چه بود؟ بابا دوست دارم. عروسکم را بیاورید. مامان بزرگ دوست دارم. عاشق سفر کردنم. مامان دوست دارم...

بیبھی نوشتم و مادر حسنگ زنی بود سخت جگرآور، چنان شندم که دو سه ماه از او این حدیث نمان داشتند. چون بشنید، جزعی نکرد. جگر آور نبودم. نیستم. اشکی دو ماهه بر سینهام سنگینی می‌کند. با خود می‌گویم چه دیگر می‌شد کرد که نکردیم؟ یک سال، دارد یک سال می‌شود. به همین راحتی.

آن شب از تخت افتادم. آدمی که در خوابگاه دانشجویی در تخت بالایی می‌خوابید و در خوابگاه دوران سربازی چنان گوش به‌زنگ بود که وقت تحویل پست با پوتین از آن بالا پایین می‌جست حالا مثل نوزادی بی‌دفاع خودش را روی زمین پیدا می‌کند. نمی‌ترسم از گفتن این چیزها. ترسی ندارم از این خانه‌ی شیشه‌ای. سنگ پرتاب می‌کنند. بکنند. بگذار سنگ جنایتکاران را بر سینم بزنند. روزی فرزندشان از آن‌ها خواهد پرسید شما چه کردید. و باید گفت تا بدانید جنایت با آدم‌ها چه می‌کند.

اکتبر، نوامبر و دسامبر. نزدیک می‌شود. مثل آهوپی که در دام چراغ‌های یک کامیون گیر افتاده حس می‌کنم نزدیک می‌شود. شاید سنگ مزارشان تنها چیزی باشد که در این سال نفرینی به جایی خواهد رسید. شاید سنگ مزار و آن لالایی بی‌پایان که نواخته خواهد شد تنها دستاورد این سال تهی باشد...

نیستم. جواب نمی‌دهم، جمع‌شان را بی‌خداحافظی ترک می‌کنم، راه می‌روم، غذا می‌خورم، این نفس که بیهوده می‌آید و می‌رود. چرا دیگر لباس‌ها عطری ندارند؟ چرا بوی موهای پیچیده در شانه رفته است؟ چرا عروسکش را نمی‌آورم بغل کنم؟

در ماشین که نشسته‌ام با این یا آن مقام مسوول و واقع با خودم حرف می‌زنم. بگویند دیوانه است. چه اهمیتی دارد؟ یکی در اوکراین کارهای ست، دیگری در کانادا، آن یکی در سازمان ملل. با مقامات خیالی بحث می‌کنم استدلال می‌آورم توجه‌شان را به نکته‌ای فراموش شده جلب می‌کنم. «گوش کنید! فریاد این دادخواهی را بشنوید.» گاهی دلم می‌خواهد تلفن را بردارم و...

مگر من چه کرده‌ام؟ مگر ما چه کرده‌ایم؟ با خود می‌گویم. برای سفری دوازده روزه بدرقه‌شان کردم و بی‌صبرانه منتظرشان شدم که زنگ زدند و گفتند بیا تحویل بگیر. بیا آنجایی دفن‌شان کن که ما می‌خواهیم. حتا فرصت نشد ببرسم از چه حرف می‌زنید. دو جعبه‌ی سبک چوبی را که پرچم جمهوری اسلامی بر آن بود نشانم دادند و گفتند آن زنت و آن دخترت. اما من که منتظرشان بودم. چه کردید با آن‌ها؟ اگر پیش‌ترها در دادگاه سه‌دقیقه‌ای حکم اعدام می‌دادید آیا نمی‌شد آخرین حرف‌های بچه‌های نه ساله و ده ساله و پانزده ساله را هم در سه دقیقه می‌شنیدید؟ چطور سه دقیقه دادگاه را به سه دقیقه تعلیق در آسمان تبدیل کردید؟ دستاورد و پیشرفت چهل‌ساله‌ی شما در این تبدیل مرگ‌آور بود؟ دادگاهی که نبود پس چطور



متن زیر نوشته‌ای از حامد اسماعیلیون است که در تاریخ اول دسامبر ۲۰۲۰ در صفحه فیسبوکی‌اش به اشتراک گذاشته است.

«می‌نویسم که بدانید جنایت با آدم‌ها چه می‌کند. نوشتن به قدر کفایت نوشتن اما انگار کافی نیست.

با پدر و مادر و برادر خودم، و با دیگران بی‌مهتری می‌کنم. یک‌وقتی دلم نمی‌خواست آب در دل کسی تکان بخورد. با بیماری پدر پرپرسا به عصر نرسیده راه افتاده بودیم، با سکنه‌ی پدرم خود را ۲۴ ساعته بالای سرش رسانده بودم اما حالا، کافی‌ست دو کلام حرف بزنی که ببینم آن‌ها نیستند و ما با هم حرف می‌زنیم. مگر می‌شود؟ بغض راه گلویم را می‌بندد و دردی عمیق در سینه. پس جواب کسی را نمی‌دهم. به کسی زنگ نمی‌زنم. با دوستانم مهربان

ضرورت و محدودیت یادگیری زبان فارسی برای کودکان مهاجر

مهران راد به برخی سوال‌های والدین در مورد آموزش زبان فارسی پرداخت از جمله سوالات زیر:

- آیا لازم است فرزندان ما زبان فارسی بیاموزند؟
- چه مشکلاتی در راه یادگیری زبان فارسی وجود دارد؟
- چگونه می‌توانیم فرزندانمان را به زبان فارسی علاقه‌مند کنیم؟
- در اطلاعیه این کارگاه آمده: مخاطبان این کارگاه پدر و مادر، مربیان و مراکز فارسی‌زبانی که با کودکان ارتباط دارند هستند.

«شبکه آموزشی کاریز» یک کارگاه برای پاسخ به سوالات والدین در رابطه با آموزش زبان فارس برگزار کرد.

در این کارگاه آقای مهران راد نویسنده، شاعر، مدرس زبان و ادبیات فارسی به ضرورت و محدودیتهای یادگیری زبان فارسی پرداخت. همچنین در مورد چگونگی پیوند کودکان و نوجوانان با زبان فارسی صحبت کرد. مهران راد در این کارگاه چند بازی آموزشی برای یادگیری بهتر زبان فارسی معرفی کرد. این کارگاه آموزشی رایگان چهارشنبه نهم دسامبر ساعت ۱۹ به وقت شرق کانادا روی زوم برگزار شد.



فیزیک کوانتوم در نشستی دیگر با پروفیسور ابراهیم کریمی

به فیزیک و ریاضی علاقه‌مند شد. نتیجه این علاقه به اینجا ختم شد که پروفیسور کریمی و همکارانش نظریه نسبیت انیشتین را به چالش کشیدند. فیلم نشست اول را در آدرس زیر می‌توانید مشاهده کنید.

<https://youtu.be/tv3unoDaz6o>

علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت راه‌های ورود به برنامه به کانال تلگرامی هفته HafteHMontreal@ مراجعه کنند. این امکان هست که با بقیه شرکت‌کننده‌ها نیز گفت‌وگو کنند.

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) یک نشست با محوریت «فیزیک کوانتوم و کاربرد عملی آن» برگزار می‌کند. این نشست دومین جلسه سخنرانی پروفیسور ابراهیم کریمی در رابطه با فیزیک کوانتوم است.

نشست کوانتومی پنج شنبه ۱۰ دسامبر ۲۰۲۰ بین ساعت ۱۹ تا ۲۱ به وقت اتاوا در فضای مجازی برگزار می‌شود. مجری این برنامه همایون راستان است. پروفیسور ابراهیم کریمی در سال ۱۳۵۷ در شهر سقز به دنیا آمد و در دوران دبیرستان



بررسی دیدگاه‌های متفاوت اقتصادی

این برنامه روز پنج‌شنبه ۱۷ دسامبر ۲۰۲۰ بین ساعت ۱۹ تا ۲۱ برگزار خواهد شد. مجری این برنامه همایون راستان است. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت راه‌های ورود به این برنامه به کانال تلگرامی هفته HafteHMontreal@ مراجعه کنند. این امکان هست که با سایر شرکت‌کننده‌ها تبادل نظر کنند.

انجمن فرهنگی هنری ایرانیان اتاوا (پاکسو) یک نشست برای بررسی سه دیدگاه اقتصادی برگزار می‌کند. به گزارش هفته، به نقل از کانال تلگرامی پاکسو، سخنران این نشست شاپور نینوائی در مورد سه دیدگاه اقتصادی آدام اسمیت، کارل مارکس و جان مینارد کینز صحبت خواهد کرد.



Ali Samadian

Real Estate Broker



☎ 438.504.5922

مشاور املاک مسکونی و تجاری در مونترال بزرگ



- متخصص در خرید و فروش واحد های آپارتمانی و منازل ویلایی
- برای مشورت با من تماس بگیرید، بدون تعهدی از سوی شما در خدمت تان هستیم

علی صمدیان
مشاور املاک

لیسانس رشته شهرسازی



هایک هارتونیان

Hayk Hartounian MBA
Residential Real Estate Broker

مشاور و متخصص املاک مسکونی در مونترال بزرگ



- ارزیابی و مشاوره رایگان
- تهیه وام مسکن با بهترین امکانات
- هدیه ما به شما: هزینه محضر

فروش خرید اجاره

(514) 574 6162

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5



داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

برای رفاه و سلامت شما در شرایط کرونا

www.riahipharma.com

Tel: 514-519-3060



- ارسال رایگان دارو در مونترال
- دریافت نسخه از طریق وبسایت و تلفن
- انتقال سوابق و پرونده دارویی از دیگر داروخانهها
- ویزیت بیماران بدون بیمه توسط پزشک در اسرع وقت
- دسترسی دائم به پرونده دارویی و درخواست آنلاین تجدید دارو
- نوشتن نسخه توسط دکتر داروساز و ارجاع به پزشک در صورت لزوم
- انجام تستهای پزشکی و ملاقات حضوری در داروخانه (با تعیین وقت قبلی)

☎ 438 800 3695 ✉ info@riahipharma.com 📍 1111 Blvd. Dr. Frederik-Philips, suite 600, St-Laurent, H4M 2X6

★ Terms and Conditions May Apply

Design By Samma, Steves

یا می رسی، یا می میری

داستان مهاجرت یک ایرانی به استرالیا

راه بی بازگشت

گفت‌وگوی اختصاصی هفته با یک قاچاقچی انسان

مهاجرت به کانادا

نگاهی به تاریخچه مهاجرت به کانادا از آغاز تا کنون

پرونده

فرنگیس شکیبا
نویده احمدی
خسرو شمیرانی



عکس روی جلد:
هادی محسنی

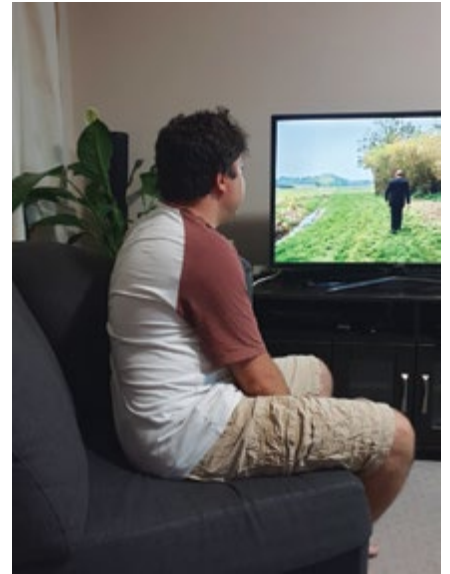
بحرانی به پهنای تاریخ

میلیون‌ها انسان در سراسر جهان، در مقطعی از زندگی خود دست به انتخابی مهم می‌زنند. انتخابی که نسل‌های بعدی آنان را هم متأثر می‌کند: مهاجرت. برخی که شرایط بهتری دارند راه قانونی را طی می‌کنند و معمولاً به مقصد می‌رسند. اما آنان که شرایط سخت‌تری دارند جان بر کف دست می‌گذارند، مرزها را پنهانی طی می‌کنند تا از جنگ، سرکوب یا فقر اقتصادی گریخته و به سرزمین موعود برسند؛ جایی که امید دارند شرایطشان از آنچه در سرزمین مادری بوده بهتر بشود. در پرونده این هفته به بهانه «روز جهانی مهاجرت» که هجدهم دسامبر است به موضوع مهاجرت پرداخته‌ایم. در سال ۱۹۹۰ یونسکو این مناسبت را در تقویم جهانی کرد.

یا می‌رسی، یا می‌میری

داستان مهاجرت یک ایرانی به استرالیا

می‌گویند به هر کجا که روی، آسمان همین رنگ است اما برای همه این‌طور نیست. گاهی آدمی به جایی می‌رسد که ترجیح می‌دهد تمام امید و آرزوی خود را در چمدان یا یک کوله‌پشتی جا دهد، ریشه‌هایش را ببرد و به هوای آسمانی آبی‌تر راهی کشور دیگری شود. انگیزه‌ها برای دل‌کندن از همه چیز فرق دارند اما همه بر سر یک موضوع اتفاق نظر دارند: مهاجرت تصمیم دشواری است و مهاجرت غیرقانونی به مراتب دشوارتر. گاه این دشواری به حدی می‌رسد که افراد جان بر سر این سودا می‌گذارند. آقای نوید ۴۰ ساله است. او ده سال قبل، پس از پیمودن راه دهشتناک اقیانوس با قایقی که هر لحظه می‌توانست غرق شود به استرالیا رسید. او به سختی پذیرفت که مخاطرات این هجرت را بازگو کند. جاهایی را نگفت و اجازه انتشار برخی وقایع دردناک را نداد... و من به خوبی می‌دانم که هنوز ناگفته‌های زیادی در سینه دارد.



چه سالی از ایران به مقصد استرالیا خارج شدید؟
سال ۲۰۱۰.

یعنی در بحبوحه وقایع سال ۱۳۸۸؟
بله تقریباً. البته خروج من از ایران ارتباطی به وقایع انتخابات نداشت. در آن سال برایم فرصتی پیش آمد و من هم فکر کردم که شاید بتوانم به صورت غیرقانونی مهاجرت کنم و تصمیم به این کار گرفتم.

چرا از راه‌های قانونی برای مهاجرت اقدام نکردید؟
مهاجرت از طریق مجاری قانونی مشکلات بسیار زیادی دارد. سیستم امتیازدهی کشورهای مهاجرپذیر، طولانی بودن انجام مراحل قانونی و هزینه‌های فراوان از این دست مشکلات است.

علاوه بر این، در مهاجرت قانونی توافقی‌هایی بین کشورهای مختلف وجود دارد؛ مانند توافق جذب نیروی کار، جذب دانشجوی برای تحصیل در دانشگاه و مطابق این توافقی‌ها مهاجرت چنین افرادی هم از طرف دولت کشور مبدا و هم از سوی دولت کشور مقصد تسهیل می‌شود.

به نظر شما چرا میل به مهاجرت در بین ایرانیان زیاد است؟

از نظر من بیشتر افرادی که از ایران اقدام مهاجرت می‌کنند به دلایل اقتصادی دست به چنین کاری می‌زنند؛ در صورتی که اگر شرایط اقتصادی و شغلی در کشور ما شبیه کشورهای پیشرفته باشد و یا حتی اگر نیمی از آن رفاه و حق و فرصت انتخاب نوع شغل و سایر مسائل اساسی در کشور ما وجود داشته باشد، بسیاری از افرادی که تصمیم به مهاجرت می‌گیرند، اقدام به این کار نمی‌کنند و فکر مهاجرت بسیار کم‌رنگ می‌شود.

این بازگشت معمولاً به ملیت افراد و کشوری که از آن آمده‌اند ارتباط زیادی دارد.

زمان رسیدن شما از اندونزی به وسیله قایق تا جزیره «کریسمس آیلند» چه قدر بود؟

در مورد من کل این مسیر از زمان ترک ایران، پنج یا شش روز طول کشید. در مورد مسیر با قایق باید بگویم مسائل زیادی وجود دارند که مخاطرات زیادی را برای مهاجرین ایجاد می‌کنند به طور مثال ممکن است قایق مسیر حرکت خود را در اقیانوس گم کند یا طوفان و امواج بزرگ دریایی، قایق را دچار آسیب کند و بسیاری اتفاقات غیرقابل‌پیش‌بینی دیگر.

به طور مثال بسیاری از مهاجرین در دریا با غرق شدن قایق جان خود را از دست می‌دهند و یا با گم کردن راه، مدت زمان زیادی در دریا سرگردان می‌شوند تا گشت دریایی به‌صورت اتفاقی آنها را پیدا کند و ممکن است حتی از جای دیگری سر در بیاورند که با مقصد آنها فاصله بسیار زیادی داشته باشد. این مخاطرات همواره وجود دارد و مصادیق آن را هر از گاهی در اخبار و رسانه‌ها می‌بینیم و می‌شنویم.

برای قایق شما اتفاقی رخ نداد؟

خیر اما شرایط آن خیلی بد بود. قایق ما یک قایق ماهیگیری بود و ما در آن طوری جای گرفتیم که حتی جای دراز کردن پا هم وجود نداشت. در مورد دیگری قایق حامل مهاجرین در میانه راه دچار حادثه و از بین رفتن موتور قایق شد و قاچاقچی همراه مهاجرین ناچار شد که برای حفظ جان خود هم که شده با دوستانش تماس بگیرد و درخواست کند تا قایق دیگری را برای انتقال مسافران بفرستند. تصور کنید که انتقال انسان‌هایی با شرایط و توانایی‌های

شما در سال ۲۰۱۰ از ایران خارج شدید. چگونه اقدام به مهاجرت کردید؟

من در سال ۲۰۱۰ به کشور اندونزی سفر کردم و پس از مدتی اقامت در کشور اندونزی، با قاچاقچیان انسان ارتباط گرفتم. پس از پرداخت مبلغ موردنظر آنها انتقال از دریا به وسیله قایق را مطرح کردند. به همراه تعداد زیادی از افراد دیگری که قصد مهاجرت به استرالیا را داشتند، از اندونزی به جزیره ای به نام «کریسمس آیلند» (که جزو خاک استرالیاست) سفر کردم. پس از ورود به جزیره، پلیس مهاجرت استرالیا مهاجرین را بازداشت و به کمپ مخصوصی که به این منظور در نظر گرفته بودند، منتقل کرد.

چه مدت در کمپ پناهجویان اقامت داشتید؟

برای من مدت زیادی طول نکشید و فقط ۳۷ روز بود. به طور کلی، مدت اقامت در کمپ، بسته به شرایط کشور و سیاست‌های مهاجرتی آن متفاوت است. پس از ورود به کمپ و گذشت زمان، فرم‌های مخصوصی به افراد داده شد تا دلیل مهاجرت خود و انتخاب کشور استرالیا را به عنوان محل زندگی مناسب خود ذکر کنند. پس از تکمیل فرم‌ها، این اطلاعات به وسیله مأموران اداره مهاجرت کشور استرالیا بررسی شده و بر اساس نتیجه‌گیری از اطلاعات، به افراد ویزا داده می‌شود. البته نوع ویزا بسته به شرایط فرد و تحلیل صورت گرفته از اطلاعات ارائه شده متفاوت است و در این مرحله، به نظر من شانس و بسیاری مسائل دیگر در گرفتن نوع ویزا دخیل است. به طور مثال به برخی افراد ویزای موقت و به برخی دیگر اقامت موقت داده می‌شود. پس از صدور ویزا، مطابق نوع ویزای صادر شده فرد اجازه خروج از کمپ را پیدا می‌کند، اما تعدادی از افراد هم ویزا دریافت نکرده و به کشور مبدا بازگردانده می‌شوند.

مختلف در میان اقیانوس از یک قایق به قایق دیگر چقدر می‌تواند وحشتناک و سخت باشد. حتی در برخی موارد، قایق‌هایی که غرق می‌شوند دیگر نه اثری از قایق باقی می‌ماند و نه اثری از مسافران.

چند نفر در آن قایق سوار شدند؟

حدود ۵۰ نفر بودیم اما قایق‌هایی که پس از ما از راه دریا به سمت استرالیا آمدند قایق‌هایی با جمعیت بسیار زیادتر بودند و حوادثی نیز به همین دلیل در آن برهه زمانی اتفاق افتاد که دولت استرالیا به دلیل افزایش مهاجرین غیرقانونی، تصمیم به تغییر سیاست‌های مهاجرتی خود گرفت. از آن پس، هیچ مهاجر دیگری را که از راه دریا به سمت استرالیا می‌آمد به خاک استرالیا راه نداد و آنان را به کمپ‌هایی در جزایری که تحت حاکمیت دولت استرالیا است، (مانند کمپ جزیره مانوس) منتقل کرد و تاکنون نیز این سیاست را تغییر نداده است.

برای رسیدن به استرالیا چقدر به قاچاقچیان پرداخت کردید؟

در آن زمان به دلیل باز بودن راه دریایی به سمت استرالیا، افرادی که اقدام به قاچاق انسان از کشورهای شرق آسیا به استرالیا می‌کردند زیاد بودند و به طور متوسط چیزی حدود ۵ تا ۱۰ هزار دلار آمریکا دریافت می‌کردند. البته این مبلغ صرفاً هزینه شخص قاچاق‌بر بود و هزینه‌های دیگر از جمله خوراک و دیگر هزینه‌های شخصی از این مبلغ جدا بود. به دلیل زیاد بودن قاچاقچی‌های انسان این مبالغ مختلف بود و هر قاچاقچی نرخ خاصی برای خود داشت.

مشکلات دیگری هم در این مسیر وجود داشت؟

یک مساله مهم این است که ممکن است فرد در طی این مسیر نقدینگی اش تمام شود و در این صورت، باید به ناچار در کشور واسط مدتی را به کار کردن و پس‌انداز پول بگذرانند و یا ناچار به بازگشت شود. در طی این مسیر هیچ تضمینی برای رسیدن وجود ندارد و حتی ممکن است قاچاقچی هزینه را از شما گرفته و شما را بابت‌کلیف رها کند و شما هرگز نمی‌توانید مبلغ پرداخت شده را از او پس بگیرید. من شخصاً در ذهنم این تصور را داشتم که یا به مقصد می‌روم و یا جانم را در این راه از دست خواهم داد و هیچ تصور دیگری به جز این در ذهن نداشتم و این جمله را دائماً با خود تکرار می‌کردم که یا به مقصد می‌رسی و یا می‌میری. در ابتدا من هیچ شناختی از نوع و شرایط مسیر نداشتم و بسیاری از مسائل را در حین سفر متوجه شدم که چقدر این سفر می‌تواند خطرناک باشد و هیچ چیز آن قابل برنامه‌ریزی از پیش نیست.

اگر خطرات این سفر را از پیش می‌دانستید آیا ممکن بود که از تصمیم خود برای مهاجرت به صورت غیرقانونی منصرف شوید؟
فکر نمی‌کنم. به این دلیل که من تصمیم خود را گرفته بودم و برای خود انتخاب کرده بودم: مرگ و یا زندگی بهتر. اما ممکن است در مورد برخی افراد دانستن خطرات و سختی‌های این چینی بر تصمیم‌شان موثر باشد.

اکنون یک دهه از مهاجرت شما به استرالیا می‌گذرد و تقریباً شرایط پایداری در آن کشور دارید. آیا از تصمیمی که گرفتید رضایت دارید؟

بله با قاطعیت می‌گویم که از تصمیمی که گرفتم صددرصد رضایت دارم. البته من جزو افراد خوش‌شانس در این سفر بودم؛ به این معنی که در طول این سفر مخاطرات زیادی برایم به وجود نیامد و دچار مشکل مالی در حین سفر نشدم و در کوتاه‌ترین مدت به مقصد رسیدم، اما امکان داشت مشکلاتی پیش می‌آمد که امروز فکر می‌کردم این سفر ارزش آن مخاطرات و مشکلات را نداشت.

چرا اقدام به مهاجرت کردید؟

دو مساله بسیار مهم که به شدت در ایران مرا آزار می‌داد. شغل سالم و یک درآمد مکفی پایدار که هرچه تلاش کردم نتوانستم آن را به دست بیاورم. در اینجا هم منظورم این نیست که یک درآمد افسانه‌ای و یک زندگی اشرافی به دست آورده‌ام یا قصد به دست آوردن آن را دارم. منظورم این است که در اینجا امنیت شغلی و حداقل‌های لازم برای یک زندگی معمولی برای همه فراهم است و نگرانی از بابت امنیت شغلی از دست دادن ناگهانی درآمد و حداقل‌های زندگی وجود ندارد.

شما در ایران از قشر تحصیل کرده بودید و می‌توانستید به راحتی شغل داشته باشید؛ آیا شغل برای شما وجود نداشت و یا شغل متناسب با روحیه شما نبود؟

شغل متناسب که وجود نداشت و حتی شغل غیرمتناسب هم با درآمد کافی و امنیت شغلی وجود نداشت. من با آن که تحصیلات دانشگاهی داشتم، نمی‌توانستم شغل متناسب با تحصیلاتم داشته باشم. البته نه این که وجود نداشت بلکه برای کسانی که دارای روابط خاص در سیستم اداری ایران بودند شغل وجود داشت؛ حتی اگر شغل متناسب با تحصیلات آنها نبود و یا حتی اگر دارای تحصیلات دانشگاهی هم نبودند.

در استرالیا در رشته تحصیلی خود فعالیت شغلی دارید؟

من در استرالیا رشته شغلی دیگری را انتخاب کردم ولی به دلیل این که در استرالیا زمینه انتخاب شغل با توجه به توانایی‌ها علائق و انگیزه‌های فرد وجود دارد، می‌توان به راحتی در زمینه مورد علاقه شغلی با امنیت تضمین شده انتخاب کرد و در اغلب موارد، فرد شغل مورد علاقه خود را به دست می‌آورد و یا شغلی شبیه به آنچه که به آن علاقه دارد قابل دستیابی است.

چرا رشته تحصیلی خود را در استرالیا ادامه ندادید؟

دلیل این که من در استرالیا در رشته تحصیلی و دانشگاهی‌ام فعالیت نمی‌کنم این است که مدارک تحصیلی ما در اینجا ارزشیابی کامل نمی‌شوند و فرد باید با مجدداً دوره‌هایی را مربوط به تحصیلاتش بگذراند و یا در جایگاه پایین‌تری از مدرک تحصیلی‌اش فعالیت حرفه‌ای کند.

شما تمام این مراحل را طی کردید؟

خیر، به دلیل این که نخواستم در رشته تحصیلی خودم فعالیت کنم نیازی به طی کردن این دوره‌ها نداشتم. البته اینجا به دلیل باز بودن شرایط اقتصادی ممکن بود من اگر قصد فعالیت شغلی در زمینه تحصیلات دانشگاهی داشتم، می‌توانستم شرکتی را پیدا کنم که مدرک تحصیلی مرا بدون برگزاری هیچ دوره خاصی می‌پذیرفت و مرا در آن رشته به کار می‌گرفت.

برای کسانی که قصد مهاجرت به استرالیا را دارند چه پیشنهادی دارید؟

یک مطلب مهم در مورد مهاجرت به استرالیا وجود دارد که برخی افراد از روی بی‌اطلاعی تصور می‌کنند در استرالیا می‌توانند چندین هزار دلار در ماه درآمد داشته باشند و یک زندگی مرفه و بدون مشکلی را از لحاظ مالی برای خود فراهم کند و با این تصور اشتباه اقدام به مهاجرت به استرالیا و پذیرش تمامی خطرات این سفر می‌کنند؛ در حالی که وقتی وارد این کشور می‌شوند با تصورات به‌هم‌ریخته، دچار بحران می‌شوند و خود را کاملاً بازنده احساس می‌کنند.

من خودم اگر مجبور نبودم از اتاق خوابم هم بیرون نمی‌آمدم چه برسد به مهاجرت به یک قاره دیگر. به تمام کسانی که قصد دارند پای در این راه دشوار بگذارند می‌گویم مهاجرت یک انتخاب است و مثل هر انتخاب دیگری شما باید آماده باشید تا برای به دست آوردن یک چیز، چیز دیگری را از دست بدهید. اگر برای این شرایط آماده‌اید، قدم در این راه بگذارید.

آقای نوید از شما سپاسگزاریم.

راه بی بازگشت

گفت‌وگویی اختصاصی هفته با یک قاچاقچی انسان

با توجه به مبلغی که از مسافران دریافت می‌کنید اغلب مسافران از وضعیت خوابگاهی که در آنجا به صورت موقت می‌خوابند، شکایت دارند.

خوابگاه بیشتر اوقات نامناسب است و وضعیت بهداشتی مناسبی ندارد. به هر حال راه قاچاق سختی‌های خاص خود را دارد. در برخی موارد افراد محلی هستند که خیمه می‌زنند و آن را به عنوان خوابگاه به مسافران اجاره می‌دهند. اگر راننده‌ای خوابگاه داشته باشد، از او می‌خواهم که مسافران را به خوابگاه ببرد و به او هزینه خوابگاه را جدا از هزینه کرایه مسافران پرداخت می‌کنم. افرادی که چندین سال است که در این کار هستند در آمده‌های مختلفی از مسافران دارند. مثلاً بیشتر راننده‌ها مسافران را به خانه‌هایشان می‌برند و از آنها پول می‌گیرند.

شما به عنوان یک قاچاقچی چه مشکلاتی دارید؟

مشکلات در این راه زیاد است و هر لحظه ممکن است که برای مسافر مشکلی پیش بیاید. امکان دارد مسافر توسط دزدها ربوده شود و یا در مسیری مسافری از کوه پایین بیفتد و من نمی‌توانم کاری انجام دهم، چون مدرک قانونی ندارم که به آنجا بروم و به مسافر کمک کنم. همه قاچاق‌چرها به مسافران می‌گویند که در قبال آنها هیچ‌گونه مسئولیتی ندارند.

طی این چند سال کار پرخطر، مسافران شما دچار چه مشکلاتی شدند؟

یک بار کودکی در راه پایش شکست و من چند میلیون هزینه دادم تا او را به بیمارستان بردند. بار دیگر یکی از مسافرهایم توسط دزدها ربوده شد و من با تماس گرفتند و من با دزد تماس گرفتم و آنها پول زیادی از من درخواست کردند و در آخر، مسافر ربوده‌شده از راه پنجره به بیرون فرار کرده بود و من تلاش کردم تا به ایران رسید.

تا به حال از سوی پلیس دستگیر شده‌اید؟

خیر. کار قاچاق بسیار دست به دست است و هیچ نوع سندی مبنی بر انجام کار قاچاق وجود ندارد. اگر پلیس مرا دستگیر کند، در دادگاه هیچ سندی وجود ندارد که بخواهد کار مرا ثابت کند. در قاچاق‌بری تعداد زیادی از افراد مشغول هستند. البته ممکن است که یک قاچاق‌چی بر هر لحظه توسط افراد به پلیس معرفی شود اما راه اثبات آن وجود ندارد.

درآمد حاصل از کار قاچاق چگونه است؟

قاچاق آن‌گونه که دیگران تصور می‌کنند، کار پردرآمدی

چگونه آغاز کردید؟

اوایل کارم فقط کسانی را که می‌شناختم از افغانستان به ایران می‌آوردم. شهر ما فاریاب است و یکی از شهرهایی است که جوانان زیادی به ایران مهاجرت می‌کنند. چند نفر از اقوام‌مان را به ایران آوردم اما بعد از مدتی تعداد مسافرهایم زیاد شدند.

شما دقیقاً چه کاری انجام می‌دهید؟

بیش‌ترین کارم هماهنگی است که با تماس گرفتن انجام می‌شود. وقتی مسافری می‌خواهد به ایران بیاید ابتدا خود را به نیمروز می‌رساند و از آنجا با من تماس می‌گیرد. سپس من با راننده‌ای که از قبل با او آشنایی دارم، تماس می‌گیرم و او به دنبال مسافر می‌رود. من با بلوچ‌هایی که در پاکستان هستند هم تماس می‌گیرم و آنها مسافران را از مرز پاکستان رد می‌کنند. آنها مسافران را به بلوچ‌های ایرانی تحویل می‌دهند و در کل مسافرها بارها دست به دست می‌شوند تا به شهر مورد نظر خود در ایران برسند.

با توجه به شغل تان، فکر می‌کنید روزانه چه تعداد مسافر به صورت غیرقانونی وارد ایران می‌شوند؟

تعداد مسافران در هر روز متفاوت است و بستگی به شرایط راه دارد اما به نظرم من روزانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر غیرقانونی وارد خاک ایران می‌شوند.

باتوجه به این که راه قاچاق مسیری کوهستانی و بیابانی است، مسافران مواد غذایی خود را چگونه تامین می‌کنند؟

همیشه به مسافران می‌گویم که آب و مواد غذایی برای چند روز را همراه بیاورند اما باتوجه به این که بار آنها سنگین می‌شود، مسافران آب و مواد خوراکی را در راه خریداری می‌کنند. در هر شهر، افراد محلی محل رفت‌وآمد مسافران را می‌شناسند. موتورسوارانی هستند که با خود آب و مواد خوراکی را برای مسافران می‌برند و آن را به چندین برابر قیمت معمولی به مسافران می‌فروشند. گاهی هم رانندگان در کنار خود فردی آشنا از اقوام را دارند که مواد خوراکی و آب را به مسافران می‌فروشد.

کم نیستند آدم‌هایی که بر سر آینده زندگی‌شان قمار می‌کنند و جان را در کف دست می‌گیرند و برای مهاجرت، سخت‌ترین راه ممکن را انتخاب می‌کنند: راه قاچاق. افغانستان یکی از کشورهایی است که مهاجران بسیاری را به دیگر کشورها می‌فرستد و بیشتر از همه به ایران. جوانان مهاجری که با پرداخت یکی-دو میلیون تومان به امید زندگی بهتر به کشور همسایه می‌آیند. اما این سکه روی دیگری هم دارد. زنجیره شغلی که مهاجرت غیرقانونی برای افراد مختلف در کشور مبدا و مقصد ایجاد می‌کند. در این بخش، به گفت‌وگو با یک قاچاقچی یا قاچاق‌بر افغان که خودش از جرگه مهاجران است پرداخته‌ایم و او از جزئیات شغل خودش سخن گفته است. او کارش را کمک به هموطنان‌اش می‌داند و معتقد است که اگر از هر خانواده حداقل یک نفر بتواند کار مناسبی در ایران به دست آورد، برای او کافی است.

از آغاز مهاجرت مردم افغانستان به ایران ۴۰ سال می‌گذرد و در این سال‌ها قاچاق‌بران زیادی در میدان بوده‌اند تا فراریان از جنگ و نابودی بتوانند از مرزهای ایران عبور کنند. در راه قاچاق مردم بومی شهرهای مرزی ایران نیز نقش عمده‌ای در جابه‌جایی مسافران افغان برعهده دارند. بازار قاچاق بسیار پرسود است و هر دو طرف از آن سود می‌برند. شغل قاچاق غیرقانونی است اما گروهی از مردم افغانستان و نیز برخی از مهاجران در آن فعالیت دارند. رحمان امیری* مهاجر افغان، چندین سال است مسافران را از افغانستان به ایران منتقل می‌کند. او باور دارد که آینده جوانان افغان با سفر به ایران تغییر می‌کند و آنان در کارهای ساختمانی ایران نقش مهمی را برعهده دارند. رحمان معتقد است که تنها با کاهش هزینه‌های پاسپورت می‌شود از ورود مهاجران غیرقانونی در ایران جلوگیری کرد. در ادامه با او پیرامون فعالیت‌هایش در این زمینه به گفت‌وگو نشستیم.

چه شد که تصمیم گرفتید به عنوان قاچاق‌بر فعالیت کنید؟

زمانی که ۱۱ ساله بودم به ایران آمدم و در یک خیاطی مشغول به کار شدم. بعد از سال‌ها کار کردن به این فکر کردم که باید درآمد بیشتری داشته باشم و نمی‌خواستم که تا آخر عمر کارگر بمانم. برادر بزرگم ۲۰ ساله بود قاچاق‌بری انجام می‌داد. از او خواستم که مرا با کارش آشنا کند و از آنجا بود که کار خود را به صورت جدی شروع کردم.

در این مسیر بسیاری از قاچاق‌بران که آدم‌های نادرستی هستند زنان و مردان را جدا می‌کنند تا از آنها سوء استفاده کنند.

نیست؛ چرا که در این میان تعداد واسطه‌ها بسیار زیاد است. به طور مثال من از هر مسافری که بخواهد از افغانستان به ایران بیاید، یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان می‌گیرم. این پول بین تمام قاچاق‌برها تقسیم می‌شود و برای من سود ناچیزی می‌ماند. اگر تعداد مسافران زیاد باشد روزانه ۳۰۰ هزار تومان درآمد دارم و فکر می‌کنم به نسبت حقوق کارگری بهتر است.

به نظر می‌آید راه قاچاق برای زنان خطرناکتر است. آیا شما مسافر خانم دارید؟

به همه کسانی که می‌خواهند به ایران بیایند می‌گویم که خانم همراهشان نباشد. اگر خانواده‌ای می‌خواهد همراه با خانم بیاید، خانم‌ها نباید به هیچ عنوان از آقایان جدا شوند. در این مسیر بسیاری از قاچاق‌بران، زنان و مردان را جدا می‌کنند تا از آنها سوء استفاده کنند.

مسافران شما در چه گروه سنی قرار دارند؟

من مسافر ۸ تا ۷۰ ساله دارم. کودکان همراه یکی از اقوام خود مثل عمو و برادر خود هستند که آنها را در راه قاچاق کمک می‌کنند. اگر کودک بی‌طاقتی کند راه بازگشتی به افغانستان وجود ندارد.

رانندگان شما چگونه متوجه می‌شوند که می‌توانند از راه‌های مرزی عبور کنند؟

در کنار راننده، «راه‌پاک‌کن» وجود دارد. راه‌پاک‌کن در یک ماشین خالی از مسافر و جلوتر از ماشین مسافران حرکت کرده و وضعیت جاده را بررسی می‌کند تا در صورت وجود خطرناک‌تر است.

صورت وجود خطر به راننده اطلاع دهد و هر لحظه با راننده هماهنگ است.

در این روزها مجلس ایران طرح تیراندازی به سوی ماشین‌های مسافران غیرقانونی را ارائه کرده است. به نظر شما اگر این طرح اجرا شود چه تاثیری در میران ورود مسافر می‌گذارد؟

من چندین بار از راه قاچاق به ایران آمدم و در بین راه مامورها به سوی ما تیراندازی هوایی کردند اما شلیک مستقیم صورت نگرفت. اگر این طرح صورت بگیرد و مستقیم شلیک شود، به نظر من می‌تواند در کاهش تعداد مسافران تاثیر بگذارد اما راه قاچاقی راهی نیست که بشود به زودی آن را بست. به نظرم کاهش هزینه پاسپورت قانونی باعث می‌شود که مسافران به راه قاچاق تن ندهند.

شما که تجربه چندین سفر در راه قاچاق را دارید، چه خطراتی را از نزدیک مشاهده کردید؟

یک بار که به سوی ایران می‌آمدم - در راه بندرعباس - دزدها من و دیگر مسافران را گرفتند. ۲۵ نفر بودیم. ما را در جنگل انداختند و یکی از آنها به ما گفت: «هر زمان که به شما پرتقال گفتم همه شما سوار نیسان شوید.» بعد از مدتی او با نام پرتقال ما را صدا زد و همه سوار نیسان شدیم. آنها گوشی‌های ما را گرفتند و ما را به خانه‌ای بردند و در اتاقی حبس کردند. همگی تصمیم گرفتیم که وقتی در را باز کردند، به آنها حمله کنیم. سرانجام همگی فرار کردیم و هر کسی به سمتی فرار می‌کرد. من در خیابان زن و مردی را دیدم و از آنها خواستم که مرا سوار بر ماشین

خود کنند و به ترمینال ببرند. آنها اصرار می‌کردند که در بندرعباس بمانم و برای آنها کارگری کنم اما من پیشنهاد آنها را قبول نکردم. بالاخره مرا به ترمینال آوردند و برایم بلیت تهیه کردند. زمانی که سوار اتوبوس شدم به راننده گفتم که من مدرک ندارم و می‌خواهم که در قبال پول مرا در صندوق عقب اتوبوس جاسازی کند و او قبول کرد اما در مسیر، مامورها مرا گرفتند و من رد مرز شدم.

بسیاری از مسافرها از رفتارهای بد قاچاق‌بران شکایت دارند. نظر شما در این مورد چیست؟

ماشین‌هایی که برخی قاچاقچی‌های بلوچ مسافران را سوار می‌کنند تنها گنجایش ۱۰ نفر را دارد اما تعداد مسافران گاهی به ۴۰ نفر هم می‌رسد. این مساله باعث می‌شود که در ماشین نزاع پیش بیاید و قاچاق‌برها برای این که از بحث و دعوا جلوگیری کنند به خود اجازه می‌دهند که رفتار نامناسبی با مسافران داشته باشند.

آینده راه قاچاق را برای مسافران افغان چگونه می‌بینید؟

راه قاچاق از نیم قرن پیش بوده است و تا الان ادامه دارد. این راه توانسته است که جان بسیاری از مردم افغانستان را نجات دهد و آینده بسیاری از آنها را تغییر دهد. به نظرم من تازمانی که در افغانستان جنگ و ناامنی ختم نشود و جوانان بیکار باشند، این راه تنها مسیر نجات بسیاری از مردم افغانستان است که مجبورند آن را برای زندگی بهتر انتخاب کنند.

**رحمان امیری نام مستعار فرد مصاحبه شونده است.*



مهاجران هلندی وارد کبک می‌شوند (اداره ملی فیلم، کتابخانه و بایگانی‌های کانادا)

مهاجرت به کانادا

نگاهی به تاریخچه مهاجرت به کانادا از آغاز تا کنون

کانادا روندی نزولی را طی کرده، مهاجرت اصلی‌ترین نقش را در رشد جمعیت کانادا ایفا می‌کند. از شش میلیون نفری که در فاصله سالهای ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۶ به جمعیت کانادا اضافه شدند، دو سوم آنها را که بالغ بر چهار میلیون نفر می‌شدند، مهاجران تشکیل می‌دادند. در سال ۲۰۱۶ نزدیک به ۳۰۰ هزار مهاجر در کانادا پذیرش شدند و سال بعد نیز تقریباً همین تعداد مهاجر وارد کشور شدند.

سرزمین‌های غیرمسکونی کانادا، در سال‌های بعد برای دولتمردان کنفدراسیون کانادا مهاجرت به راهکاری مهم و حیاتی برای افزایش جمعیت کشور و تقویت اقتصاد آن تبدیل شد.

طی ۱۵۰ سال بعدی، جمعیت کانادا ده برابر شد و در سال ۲۰۱۶ به بیش از ۳۵ میلیون نفر رسید. علت اصلی افزایش جمعیت کانادا در این سال‌ها مهاجرت بود. در دهه‌های اخیر، در شرایطی که نرخ زاد و ولد در

مهاجرت و افزایش جمعیت

در سال ۱۸۷۰ در پی تشکیل فدراسیون کانادا، جمعیت کل کشور به ۳ میلیون نفر می‌رسید. افزون بر اقوام اولیه که در سال ۱۸۷۰ جمعیتشان حدود ۱۰۲ هزار نفر بود، دو گروه جمعیتی مهم در کانادا مستقر بودند: فرانسوی‌ها با یک میلیون نفر و انگلیسی‌ها با دو میلیون نفر جمعیت. با توجه به این جمعیت بسیار کم و گستردگی جغرافیایی زیاد

مسئولیت مهاجرت

از جنگ جهانی دوم سه وزارتخانه یا سازمان مختلف وابسته به دولت فدرال مسئولیت تدوین، تصویب و اجرای سیاست‌های مهاجرت را بر عهده گرفتند. در ابتدا وزارت معادن و منابع طبیعی، بعد وزارت شهروندی و مهاجرت که از ۱۹۵۰ تا ۱۹۶۶ این وظیفه را به عهده داشت. از سال ۱۹۶۶ تا ۱۹۷۷ وزارت نیروی کار و مهاجرت مسئول امور مهاجران بود. اما از سال ۱۹۷۷ به بعد دوباره وزارت شهروندی و مهاجرت این کار را به عهده گرفت که تا امروز ادامه دارد.

به موجب قانون اساسی مصوب سال ۱۸۶۷ که بعدها به قانون آمریکای شمالی بریتانیا AANB تغییر نام پیدا کرد، مسئولیت قانونی مهاجرت بین دولت‌های استانی و دولت فدرال تقسیم شد. در تاریخ کانادا عمدتاً این اتاوا بوده که مسئولیت این بخش سیاسی را عهده‌دار بوده این در حالی است که انتاریو (از جنگ جهانی دوم)، کبک (از اواسط سالهای ۱۹۶۰) و بریتیش کلمبیا (از سال ۲۰۱۰) به طور ویژه به سیاست‌ها و مسایل مرتبط با مهاجرت پرداخته و نقش‌آفرینی خود را در این عرصه افزایش داده‌اند. قانون آمریکای شمالی بریتانیا AANB در واقع قانونی بود که در بیست و نهم مارس سال ۱۸۶۷ توسط پارلمان انگلیس به منظور ایجاد Dominion du Canada یا همان دومینیون آمریکای شمالی بریتانیا تصویب شد.

کبک در سال ۱۹۶۸ وزارت مهاجرت استانی خود را تاسیس کرد. دغدغه و مأموریت اصلی این وزارتخانه جذب و استخدام هر چه بیشتر مهاجران فرانسوی زبان در استان و استقرار مهاجران در جوامع فرانسوی زبان استان بود. کبک اولین استان کانادا بود که یک تفاهمت‌نامه مهاجرتی ویژه با دولت فدرال امضا کرد. دولت فدرال در همین تفاهمت‌نامه تعهد کرد که به تلاش‌ها برای افزایش شمار مهاجران فرانسوی زبان در کانادا کمک کند.

در سال ۲۰۱۷ کلیه استان‌ها و سرزمین‌های کانادا با دولت مرکزی تفاهمت‌نامه‌هایی امضا کردند که به آنها اجازه می‌دهد با توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی خود و کمبودهایی که به ویژه در زمینه نیروی کار دارند، مهاجر جذب کنند.

تاریخچه مهاجرت به کانادا؛ قرن نوزدهم؛ بازشدن درها

در قرن نوزدهم محدودیت‌چندانی برای



پرسنل مهاجرت در استان کبک (اداره ملی فیلم، کتابخانه و بایگانی‌های کانادا)

به اقتضای شرایط و با توجه به مشکلات و نیازهای داخلی کشور، یک سیاست مهاجرتی محدودتر و هدفمندتر به اجرا گذارد.

به موجب اصلاحیه قانونی مهاجرت که در سال ۱۹۱۹ تصویب شد، دولت فدرال ورود برخی گروه‌ها از جمله کمونیست‌ها، منونیت‌ها (گروهی از مسیحیانی هستند که از کلیسای فرقه آناپتیسست پیروی می‌کنند)، دوخوورها (که در زبان روسی به معنی کشتی‌گیران با روح است، فرقه‌ای مسیحی بود که در قرن هجدهم در روسیه شکل گرفت و در سال ۱۸۹۸ سرکوب شد) و همچنین برخی گروه‌هایی را که آئین‌ها و مراسم مذهبی خاصی داشتند، محدود کرد. همین محدودیت‌ها در رابطه با مهاجرت اتباع کشورهای مثل اتریش، مجارستان و ترکیه که در جنگ جهانی دوم در جبهه مقابل کانادا قرار داشتند، به اجرا گذاشته شد. در سال ۱۹۱۱ دولت فدرال کانادا حتی تصمیم گرفت ورود مهاجران سیاه‌پوست به کشور را ممنوع کند اما این تصمیم اجرایی نشد. این سیاست‌ها و رویه‌های محدودکننده مهاجرتی تا اواسط قرن بیستم ادامه داشت.

دوره پس از جنگ؛ اولین نشان‌های تغییر

با پایان یافتن جنگ جهانی دوم روند سیاست‌های مهاجرتی محدودکننده کانادا به علل مختلف به ویژه نیازهای فزاینده اقتصاد رو به رشد کشور، نیازهای روزافزون کشور به نیروی کار و همچنین تغییر و تحولاتی که در رویکردهای اجتماعی حاصل شده بود، به تدریج گسترش پیدا کرد.

در سال ۱۹۴۶ ممنوعیت رسمی مهاجرت اتباع چینی به کانادا لغو شد. شش سال

ورود افراد و گروه‌ها به کانادا اعمال نمی‌شد و مطابق با اولین قانون مهاجرتی کانادا که در سال ۱۸۶۹ به تصویب رسید، فقط افراد بیمار، معلول و فقیر به عنوان گروه‌های هدف از این امر مستثنی بودند و محدودیت‌هایی برای ورود آنها به خاک کانادا اعمال می‌شد.

استثنای دیگری در این زمینه در سالهای ۱۸۸۰ وضع شد که به مهاجران چینی مربوط می‌شد. در سال ۱۸۸۵ تحت تأثیر فشارهای دولت بریتیش کلمبیا، یک قانون فدرال تصویب شد که با وضع یک مالیات (مالیاتی که تا سال ۱۹۲۳ نیز برقرار بود)، ورود مهاجران چینی به کانادا را محدود کرد. این اولین مورد از یک رشته تدابیر گسترده‌ای بود که مشخصاً در رابطه با مهاجرت اتباع چینی به کانادا اتخاذ شد. این تدابیر نیز تا اواخر سالهای ۱۹۴۰ به اجرا گذاشته شد.

اما دیگر بخش‌های سیاست مهاجرتی کانادا عمدتاً به تنظیم مقررات و تعیین چارچوب مسئولیت شرکت‌های حمل و نقل در قبال افرادی که به کانادا وارد می‌شدند، جلوگیری از ورود افراد دارای سابقه جنایی، بیماران و فقیران مربوط می‌شد.

اوایل قرن بیستم؛ محدودیت‌های نژادی و ملی

در پی شکل‌گیری موج‌های گسترده مهاجران در فاصله سالهای ۱۹۰۳ تا ۱۹۱۳ از مناطق مختلف جهان به ویژه اروپا به طرف کانادا و همچنین رشته شورش‌های سیاسی و مشکلات اقتصادی که کانادا پس از جنگ جهانی اول با آنها مواجه شد، دولت فدرال به این نتیجه رسید که باید



▲ استقبال از شماری از پناهجویان جنوب شرقی آسیا در پایگاه نظامی Griesbach در اوت سال ۱۹۷۹

پس از این تاریخ، قانون جدیدی با موضوع مهاجرت، اجرای سیاست‌های تبعیض‌آمیز کانادایی را در قبال مهاجران غیراروپایی و غیرآمریکایی دنبال کرد. اما در سال ۱۹۶۲ دولت فدرال سیاست‌های تبعیض نژادی را از سیستم مهاجرتی کانادا حذف کرد. در سال ۱۹۶۷ یک سامانه امتیازی ایجاد شد که بر اساس آن متقاضیان مهاجرت و مهاجران بالقوه بر حسب شرایطی که برای پذیرفته شدن در کانادا داشتند، رده بندی می‌شدند. در این سیستم امتیازی نژاد، رنگ پوست یا ملیت افراد ملاک قرار نمی‌گرفت بلکه گزینش مهاجران اساساً با توجه به صلاحیت‌ها و مهارت‌های حرفه‌ای، سطح سواد و آموزش، توانایی‌های زبانی (تسلط بر زبان فرانسوی یا انگلیسی) و همچنین پیوندهای خانوادگی آنها صورت می‌گرفت. در سال ۱۹۶۹ کانادا کنوانسیون وضعیت پناهجویان سازمان ملل متحد را که هجده سال از تصویب اولیه آن در سازمان ملل متحد می‌گذشت، امضا کرد. به موجب این کنوانسیون کانادا پناهجویان را در یک مقوله بشردوستانه خاص مهاجرت قرار داد اما برای بررسی درخواست‌های پناهندگی هیچ تدبیر رسمی خاصی را اتخاذ نکرد.

قانون مهاجرت مصوب سال ۱۹۷۶

در سال ۱۹۷۶ دولت کانادا به اصلاحات مهمی در سیاست‌های مهاجرتی و جمعیتی خود مبادرت ورزید و در همین راستا یک «کتاب سبز» درباره مهاجرت منتشر کرد. این کتاب در واقع سندی جامع شامل پیشنهادها و توصیه‌هایی در زمینه مهاجرت و جمعیت کانادا بود.

همزمان با انتشار این سند، یک کمیته مشترک مرکب از اعضای سنا و مجلس عوام نیز با توجه به نتایج نشست‌ها و گفت‌وگوهایی که در سرتاسر کانادا صورت گرفته بود، یک گزارش ویژه درباره مهاجرت ارائه کرد. تقریباً همه راهکارها و توصیه‌هایی که این کمیته ویژه به اتاوا پیشنهاد کرده بود، توسط دولت لیبرال وقت به نخست وزیر پییر ترودو به تصویب رسید و در قانون جدید مهاجرتی کشور مصوب سال ۱۹۷۶ گنجانده شد.

این قانون که در سال ۱۹۷۸ به اجرا گذاشته شد، در واقع گسستی آشکار با سیاست‌های

پناهجویانی که برای ورود به کانادا و استقرار در کشور از حمایت‌های دولت برخوردار شدند، بسیار محدود بود. به رغم این که برنامه اسپانسرشیپی پناهجویان با موفقیت زیادی همراه شد، این تدبیر در سال‌های اخیر به علت اسناد و مدارک متعدد مورد نیاز و تاخیرهایی که در اجرای آن وجود دارد و همچنین محدودیت‌هایی که در نوع اسپانسرشیپی مورد قبول دولت اعمال شده، با انتقادهایی مواجه شده است. قانون ۱۹۷۶ به دولت‌های استانی، گروه‌های نژادی و سازمانهای بشردوستانه این فرصت را داد که از طریق رایزنی با دولت فدرال، دیدگاه‌ها و نظرات خود را در زمینه مهاجرت به دولت فدرال اعلام کنند.

علاوه بر این، با توجه به واقعیات و مقتضیات جدید، قانون روش نوینی را در تعیین وضعیت پناهجویان در عرصه امنیت ملی تعیین کرد. این قانون همچنین تصریح کرد که کمیسیون مهاجرت (یک نهاد شبه قضایی که در سال ۱۹۶۷ تشکیل شد) باید یک ارگان کاملاً مستقیم تشکیل دهد که دولت اجازه نداشته باشد تصمیمات آن را در رابطه با درخواست‌های مهاجرت رد کند یا زیر سوال ببرد مگر در شرایطی که موضوع به امنیت ملی کانادا ربط پیدا می‌کند. در سال ۱۹۸۰ مهاجرانی که وارد کانادا می‌شدند، در پنج دسته قرار می‌گرفتند: «مهاجران مستقل (افرادی که به نام خود تقاضای مهاجرت می‌کردند)، مهاجران بشردوستانه (آوارگان و دیگر افرادی که در کشورهای خود مورد آزار و اذیت قرار داشتند)، مهاجران خانوادگی (افرادی که اعضای درجه اول خانواده‌های آنها در کانادا زندگی می‌کردند)، والدین تحت حمایت (اعضای خانواده دورافتاده که از حمایت یک عضو خانواده مستقر در کانادا برخوردار می‌شدند) و مهاجران سرمایه‌گذار (افرادی که صلاحیت‌های حرفه‌ای مدنظر دولت کانادا را دارا بودند یا آنهایی که از بنیه مالی لازم برای ایجاد یک کسب و کار یا سرمایه‌گذاری قابل توجه در یکی از بخش‌های اقتصاد کانادا برخوردار بودند). / ادامه دارد. بخش دوم و پایانی این مطلب را در شماره بعدی هفته بخوانید

منبع: دانشنامه کانادا

مهاجرتی گذشته کانادا است. این قانون برای اولین بار اصلی‌ترین اهداف مد نظر دولت فدرال کانادا را در زمینه مهاجرت و جمعیت به صراحت تشریح و بر ضرورت تحقق آنها تاکید کرد. این اهداف عمدتاً شامل ارتقای وضعیت جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کانادا می‌شد و برخی مسایل مثل وحدت خانواده‌ها، تنوع فرهنگی و عدم تبعیض را به عنوان اولویت‌های کانادا در عرصه مهاجرت برجسته کرد.

این قانون همچنین شرایط را برای همکاری بیشتر میان ارکان مختلف دولت و سازمان‌ها و گروه‌های داوطلب به منظور کمک به تسهیل استقرار و ادغام مهاجران جدید در جامعه کانادا فراهم کرد. همچنین این قانون برای اولین بار پناهجویان را به عنوان گروهی که از منظر قانونی کانادا از دیگر گروه‌های مهاجر منفک و متمایز بودند، در نظر گرفت و همین موضوع دولت را ملزم کرد مطابق با کنوانسیون‌های بین‌المللی که امضا کرده است، به تعهدات و وظایف خود در قبال پناهجویان عمل کند.

در سال ۱۹۷۹ دولت کانادا برنامه ویژه‌ای به اجرا گذاشت که به گروه‌های غیردولتی (غالباً کلیساها، سازمان‌های اجتماعی و قومی) این اجازه را می‌داد که از افراد یا خانواده‌های پناهجو برای آمدن به کانادا و مستقر شدن در کشور به عنوان مقیم دایم حمایت کنند. در سال ۲۰۱۷ شمار افرادی که توانستند از کمک‌ها و حمایت‌های برنامه اسپانسرشیپی شخصی پناهجویان برای استقرار در کانادا استفاده کنند به بیش از ۲۷۵ هزار نفر رسید اما در عوض شمار

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش ملک
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه گذاری املاک درآمدزا



Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Tel: 514.625.2525


L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency

 **MATIN TIREHDAST**
Financial Advisor at Industrial Alliance

مشاور امور مالی
فارغ التحصیل دانشگاه
صنعتی شریف و ETS

- بیمه عمر
- بیمه مسافرتی
- بیمه وام مسکن
- بیمه از کار افتادگی
- برنامه‌های باز نشستی
- حساب سرمایه‌گذاری کودکان
- حساب‌های پس‌انداز و سرمایه‌گذاری



متین تیره‌دست
514-690-6181

خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری

کاظم پرتو تهرانی
مشاور رسمی املاک در کبک
Kazem Partow Tehrani Real Estate Broker




پیش فروش املاک در نقاط مختلف مونترال
تهیه وام مسکن با بهترین نرخ بانکی
مشاوره برای املاک در آمدزا
ارزیابی رایگان منزل شما
پرداخت هزینه محضر به عنوان کادو به خریداران ملک
با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک

به همراه یک تیم حرفه‌ای
514 - 971-7407

ارزیابی عملکرد وزیر مهاجرت کانادا توسط کمیسیون پارلمانی

پناهجویان بی پناه در کانادا
نگاهی به وضعیت دگرباشان پناهجو

در طالبان گروه ما ۸۰ نفر بود با تعداد زیادی کودک

مهاجرت

Montreal Office:
Tel: 514-289 9044 (office) / 514- 778 9011 (Mobile)
Toll free from Iran: 021-85312878
Address: 1117 Sainte Catherine West, suite #511,
Montreal, Quebec, H3B 1H0
Email: info@icpimmigration.com
Tehran Office:
Tel: 021-2289 4567 / Mobile: 0937 489 6676

📍 @ICPimmigrationToCanada

📞 @icpimmigrationc 🌐 icpimmigrationtocanada



معصومه علیمحمدی

با گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات در زمینه اخذ مجوز اقامت دائم و یا موقت برنامه‌های مهاجرتی فدرال و استانی از طریق سرمایه گذاری، تخصصی، کارآفرینی، خویشاوندی، دانشجویی و... و همچنین تهیه دعوتنامه، سوگند نامه و تایید رسمی مدارک در کانادا می‌باشد.
جهت مشاوره و تعیین وقت قبلی با دفاتر ما در مونترال و تهران تماس حاصل فرمایید.



 ICP IMMIGRATION INC.

www.icpimmigration.com

ارزیابی عملکرد وزیر مهاجرت کانادا توسط کمیسیون پارلمانی



که این پیشنهاد را مورد بررسی قرار خواهد داد. از دیگر مسائل مطرح شده توسط کمیسیون بررسی عملکرد اداره مهاجرت و شهروندی در زمینه وضعیت افرادی بود که گواهی قبولی اقامت دائم را دریافت کرده‌اند ولی به علت محدودیتهای سفر به کانادا در دوران پاندمیک در طی زمان تعیین شده قبل از انقضای مهلت مجوز ورود، قادر به سفر به کانادا نبوده‌اند. این متقاضیان ماه‌هاست که در صف انتظار دریافت تمدید تاریخ اعتبار مدارک خود هستند. بسیاری از این افراد تنها مهلت یک ماهه برای ورود به کانادا داشته‌اند و با منقضی شدن مدارکشان با مشکلات متعددی مواجه هستند. توصیه کمیته این است که اداره مهاجرت به جای صدور نامه تجدید اعتبار برای تک تک این متقاضیان همه تاریخ‌های منقضی شده در مدارک صادره برای ورود به کانادا را یکجا به صورت اتوماتیک برای ۶ ماه و یا بیشتر تمدید کند.

در پاسخ به این پیشنهاد، وزیر گفت به منظور تسهیل سازی انجام امور دفتری و کنترل دقیق تر در مرزهای ورودی کانادا برای افسران مرزی، ترجیح می‌دهد که تمدید مجوز ورود برای هر مهاجر تازه وارد مختص به او صادر گردد. سخنگوی اداره مهاجرت در ادامه سخنان وزیر، اضافه کرد که هم اکنون تنها ۷۰۰۰ متقاضی دیگر باقی مانده‌اند که در انتظار دریافت مدارک تمدید ورودشان به کانادا هستند.

وزیر مهاجرت همچنین اعلام کرد که به دنبال تسهیلات بوجود آمده و سیاستهای اعمال شده در دوران پاندمیک هیچ متقاضی درخواست اجازه کار پس از فارغ‌التحصیلی با بالاترین سطح طی دوران بررسی درخواست مواجه نیست. این متقاضیان در طول دوره بررسی می‌توانند به کار تمام وقت مشغول شوند.

او افزود از دیگر سیاستهای جدید دولت برای جذب تجربه‌داران کانادا این است که اداره مهاجرت به زودی نسبت به اعلام برنامه جدید مهاجرتی برای متخصصین خارجی نیمه‌ماهر و یا بدون مهارت که هم اکنون با ویزای کار در کانادا مشغول به کار و ارائه سرویسهای خدماتی در سطوح شغلی پایین هستند، اقدام خواهد نمود تا این کارگران نیز به واسطه تجربه کار در کانادا بتوانند درخواست اقامت دائم نمایند.

نتیجه بررسی‌های انجام شده کمیته بررسی و تحقیق عملکرد وزارت مهاجرت پس از تکمیل به مجلس ارائه خواهد شد. دولت نیز ۱۲۰ روز مهلت خواهد داشت تا در زمینه رفع نواقص راه‌کارهای خود را به مجلس ارائه کند.

این صفحه توسط موسسه مهاجرتی آی.سی.پی. ICP Immigration حمایت شده است.
تماس با نویسنده:
معصومه علی محمدی، مشاور رسمی مهاجرت، با اومی‌توانید
از طریق ایمیل info@icpimmigration.com و وبسایت
www.icpimmigration.com در تماس باشید.

گفت اداره مهاجرت تسریع در پذیرش این متخصصین در دوران پاندمیک را در الویت بررسی قرار داده و ورود هر چه سریع‌تر آنان را در دستور کار خود منظور کرده است.

در زمینه امکان انجام مراحل بایومتریک در مرزهای ورودی کانادا، اعضای کمیسیون بررسی مجلس وزیر را مورد سوال قرار دادند که در پاسخ عنوان شد اداره مهاجرت با اضافه نمودن مراکز ویزا در برخی از کشورها تلاش دارد تا دوره انتظار انجام انگشت‌نگاری را کاهش دهد. او اضافه نمود که مراحل انجام انگشت‌نگاری باید حتماً قبل از ورود خارجیان به مرزهای کانادا به دلایل امنیتی انجام گردد. وزیر مهاجرت همچنین بر این اصل تاکید نمود که انجام انگشت‌نگاری در مرزهای ورودی نمی‌تواند امنیت شهروندان کانادا را تضمین کند. او افزود سوابق مسافرتی و مهاجرتی تازه‌وارد، می‌بایست قبل از ورود آنان به کانادا مورد بررسی قرار گیرد.

وزیر مهاجرت این قول را به کمیسیون بررسی داد که اداره مهاجرت و شهروندی کانادا تا پایان سال ۲۰۲۰ بررسی و نهایی نمودن فایلهای تعداد ۴۹۰۰۰ درخواست کفالت افراد خانواده را انجام خواهد داد.

یکی از اعضای کمیته بررسی با ارائه لیست نام ۱۰۰ شهروند کانادا، که درخواست صدور مجوز ورود برای افراد خانواده درجه یک آنان، مشمول دوره بررسی طولانی شده و هنوز بدون پاسخ مانده‌اند، جویای علت تأخیر شد. وزیر مهاجرت در پاسخ قول داد که نسبت به بررسی لیست و علت تأخیر سریعاً اقدام خواهد نمود. معاون وزیر نیز همچنین در زمینه علت تأخیر در پاسخ‌گویی به درخواست‌ها اعلام کرد که تنها بالغ بر ۵۰۰۰۰ درخواست برای صدور مجوز ورود خانواده‌های درجه یک دریافت شده که هیچ یک جز لیست افرادی که شامل استثنای اعلام شده می‌شوند نیستند، ولی هنوز باید به تک تک رسیدگی کرد تا مورد پاسخ‌گویی قرار گیرند. بدیهی است این موجب کندی دوره بررسی و تأخیر در پاسخ‌گویی به افراد واجد شرایط خواهد شد.

نکته قابل توجه دیگری که توسط یکی از اعضای کمیته بررسی مطرح شد، در زمینه مشکلات ناشی از رد درخواست ویزای ویزیت همسران و فرزندان وابسته شهروندانی است که فایل درخواست کفالت و اقامت دائم در پروسه بررسی دارند.

این افراد به واسطه قوانین Dual Intent قانوناً مجاز به درخواست دریافت ویزای موقت برای دیدار در طول دوره بررسی فایل اقامت دائم هستند ولی متأسفانه این قانون برای این متقاضیان کار نمی‌کند و تقاضای اکثریت آنان برای اخذ ویزای دیدار همسران و یا فرزندان در کانادا توسط افسران مهاجرت رد می‌شود.

این عضو کمیته افزود دلیل اصلی درصد بالای رد تقاضا برای این متقاضیان این است که تصمیم‌گیری انحصاراً وابسته به تشخیص افسران مهاجرت است و دستورالعمل ویژه برای بررسی این فایلهای وجود ندارد. او پیشنهاد نمود تا ویزای ویژه‌ای برای این متقاضیان در نظر گرفته شود تا بتوانند در طی زمان بررسی درخواست اقامتشان به کانادا برای دیدار سفر کنند. وزیر مهاجرت در پاسخ اعلام کرد

کمیسیون بررسی مجلس، عملکرد وزارت مهاجرت و شهروندی در دوران پاندمیک را در زمینه تعدادی از برنامه‌های مهاجرتی که دارای تأخیر قابل توجهی در بررسی درخواست‌های دریافت شده هستند را مورد بررسی و بازبینی دقیق قرار داده است. این کمیته قبل از ارائه گزارش نتیجه بررسی به مجلس، از وزیر مهاجرت خواست تا برای پاسخ‌گویی حاضر شود.

- موارد بررسی شده به شرح زیر هستند:
- نحوه عملکرد اداره مهاجرت در دوران مبارزه با کووید ۱۹
- برنامه کفالت افراد خانواده
- منقضی شدن مهلت مدارک ورود مهاجرین تازه در دوران پاندمیک
- ویزای کار پس از فارغ‌التحصیلی دانش‌جویان خارجی
- روش درخواست ویزای دیدار برای متقاضیانی که دارای فایل اقامت دائم در پروسه بررسی دارند

وزیر مهاجرت ابتدا گزارش سیاستهای اتخاذ شده در دوران پاندمیک را که به منظور ایجاد تسهیلات برای بررسی درخواست‌های متقاضیان اتخاذ شده بود را به کمیته بررسی ارائه نمود و سپس طرح جدید اولین ورود مهاجرین تازه‌وارد، به صورت آنلاین را ارائه کرد که باعث می‌شود دوره انتظار طولانی برای دریافت مجوز ورود را برای آنان به میزان قابل توجهی کاهش دهد.

وزیر مهاجرت همچنین به آمار پاسخ‌گویی به درخواست‌های دریافتی در دوران پاندمیک تا ۱۴ نوامبر اشاره نمود، که در مقایسه با دوره مشابه در سال قبل، به میزان ۸۰ درصد بررسی‌های انجام شده به روی درخواست‌های دریافت شده در سال ۲۰۱۹ بوده است. در واقع بر اساس آمار ارائه شده توسط وزیر، اداره مهاجرت در دوران پاندمیک تنها با ۲۰ درصد کاهش در بررسی درخواست‌های متقاضیان نسبت به سال قبل مواجه بوده است. وی علاوه بر این اضافه نمود که برخی از برنامه‌های مهاجرتی همانند برنامه‌های استانی نه تنها کاهش در سرعت بررسی نداشته‌اند بلکه با افزایش ۲۳۲ درصدی در دوران پاندمیک مواجه بوده‌اند. این افزایش شامل گزینش برنامه‌های پناهندگی نیز به میزان قابل توجهی شده است. او افزود از آغاز ژانویه ۲۰۲۱، متقاضیان شهروندی که در حوزه سنی ۵۰ تا ۵۴ هستند نیز قادر خواهند بود درخواست خود را به صورت آنلاین ارسال نمایند. وزیر مهاجرت این اقدام را گامی بزرگ به سمت تسریع در بررسی درخواست‌های شهروندی نامید.

منچینو گفت که دولت بدون وقفه برای ارائه سیاستهای جدید به منظور ساده‌سازی برنامه‌های مهاجرتی و درخواست‌های متقاضیان تلاش می‌کند. از جمله ساده‌سازی‌های در دست اقدام می‌توان به برنامه ساده‌سازی شرایط درخواست اقامت دائم از طریق برنامه پرستاران خانگی برای متقاضیان واجد شرایط این برنامه نام برد. او به جزئیات تغییرات ساده‌سازی این برنامه اشاره نکرد.

معاون وزیر نیز در پاسخ به اعضا کمیسیون در مقابل این سوال که چه اقداماتی برای تسریع بخشیدن به صدور مجوز کار برای متخصصین خارجی در زمینه‌های بهداشت و سلامت انجام شده؟

نوران الجندی و مرال مختار دو پناهجوی دگرباش مصری هستند. آنها ژوئن سال ۲۰۱۸ وارد خاک کانادا شدند اما به علت مشکلاتی که با آن روبرو بوده‌اند، هنوز نتوانسته‌اند یک شغل دائم و یک محل اقامت ثابت پیدا کنند.



پناهجویان بی‌پناه در کانادا نگاهی به وضعیت دگرباشان پناهجو

شنودی محدود می‌شود که طی آن «هر دگرباش داستان زندگی خود را تعریف می‌کند»، کاری که دردی از دردهای دگرباشان دوا و مشکلی از مشکلات آنها حل نمی‌کند. گرفتن خدمات مشاوره فردی از یک روانشناس شخصی نیز پرهزینه تر از آن است که پناهجویانی مثل نوران و مرال بتوانند از آن استفاده کنند.

نوران و مرال بیم آن دارند که مبدا آنها نیز دچار سرنوشت دردناکی شوند که برای سارا حجازی در خاک غربت رقم خورد. این زن فعال مصری نیز که برای فرار از آزار و اذیتها در کشورش به کانادا پناه آورده بود، ژوئن گذشته در حالی در آپارتمانش در تورنتو پیدا شد که از ساعت‌ها پیش جان در بدن نداشت. طبق گزارش‌هایی که درباره سارا منتشر شد، این زن دگرباش مصری که از دوستان مرال مختار بود، از انزوا و افسردگی شدید و حملات پانیک یا همان وحشت‌زدگی رنج می‌برد.

نوران الجندی می‌گوید: «باید برای سارا کاری بکنیم چرا که وقتی به عنوان پناهنده به کانادا آمد شانس و فرصت صحبت کردن پیدا نکرد.»

نوران ادامه داد: «ما خواستار آن هستیم که وزیر مهاجرت، پناهندگی و شهروندی کانادا چشمانش را باز کند و وضعیت نابسامان و مشکلاتی را که پناهجویان دگرباش در خاک کانادا با آن روبرو هستند، بهتر ببیند. پناهجویان کمی هستند که درباره مشکلاتشان در این جا صحبت می‌کنند. من فکر می‌کنم آنها بیم آن دارند که اگر زبان به انتقاد باز کنند، دولت آنها را از وضعیت پناهندگی‌شان محروم کند.»

طبق نتایج مطالعه جدیدی که «جامعه‌روانشناسی کانادا» و «شورای انجمن‌های حرفه‌ای روانشناسی کانادا» انجام داده است، ۵۶ درصد شهروندان کانادایی معتقدند بحران کووید ۱۹ و مشکلاتی که این بحران بهداشتی برای بخش سلامت و درمان کانادا به وجود آورده، دسترسی افراد را به مراقبت‌های بهداشتی روان مختل یا محدود کرده است. این مشکلات و محدودیتها را رمی عیاری جوان همجنس‌گرای تونس‌ی تبار که در مونترال زندگی می‌کند، با پوست و گوشت خود لمس کرده است.

رمی عیاری می‌گوید: «من دچار افسردگی شدید و عمیق هستم با این حال برای ملاقات با یک روانشناس باید تا

نوران و مرال با استفاده از پرداخت‌های ماهانه ۷۳۷ دلاری «اونتاریو وورکس» Ontario Works زندگی می‌کنند این در حالی است که طبق آمار و اطلاعاتی که «هیئت املاک و مستغلات تورنتو» Toronto Real Estate Board منتشر کرده است، متوسط اجاره بهای یک آپارتمان یک اتاقه در تورنتو حدود ۲۰۱۲ دلار است.

این زوج همجنس‌گرای مصری با کمک‌ها و حمایت‌های Rainbow Railroad خود را به کانادا رساندند. این سازمان هر ساله به صدها زن و مرد دگرباش کمک می‌کند تا از نگاه‌های سنگین، ملامت، داغ ننگ، آزار و اذیتها و مشکلاتی که در کشورهای خودشان با آنها روبرو هستند، فرار کنند. اما به گفته کیماهلی پاول Kimahli Powell مدیر Rainbow Railroad با توجه به این که بیش از یک هزار نفر از کمک‌ها و حمایت‌های این سازمان بهره می‌برند، برای این سازمان عملاً غیرممکن است که به این افراد پس از استقرار در کانادا حمایتها و خدمات لازم را ارائه نماید.

مسئولان Rainbow Railroad این دو زن مصری را به برخی سازمان‌ها و گروه‌های حمایت‌کننده دیگر مثل The 519 و FrancoQueer معرفی کردند اما این دو پناهجوی مصری با توجه به مشکلاتی که دارند همچنان به کمک‌های بیشتری نیازمندند.

مشکل دسترسی دگرباشان به خدمات بهداشت روان زوج دگرباش مصری در کانادا از نبود حمایت‌های مناسب در زمینه بهداشت روان نیز ناراضی هستند. به گفته نوران و مرال خدمات روانشناسانه‌ای که چندین موسسه یا سازمان ارائه می‌کنند، فقط به محفل‌ها و جلسات گفت و

نوران الجندی و مرال مختار از دو سال پیش که وارد خاک کانادا شدند، تا کنون نوزده بار محل زندگی خود را تغییر داده‌اند.



پناهجویان دگرباش در خاک کانادا در زمینه‌های مختلف به ویژه اشتغال، مسکن و بهداشت روان با مشکلات و چالش‌های فراوانی روبرو هستند

پناهجویان جامعه دگرباشان LGBTQ+ در کانادا در برابر مشکلات و موانع متعددی که با آنها روبرو هستند، خود را تنها و بی‌حامی احساس می‌کنند این در حالی است که بحران پاندمی نیز مشکلات آنها را تشدید کرده است. یک زوج دگرباش مصری با ارائه یک دادخواست از کمبود حمایت‌هایی که جامعه پناهجویان دگرباش کانادا به ویژه اعضای جدید این جامعه در زمینه‌های مختلف به خصوص اشتغال، مسکن و خدمات سلامت روان با آنها روبرو هستند، ابراز نارضایتی کرده‌اند.

نوران الجندی و مرال مختار در سال ۲۰۱۸ از مصر فرار کرده و به کانادا پناهنده شدند. سابقه خانم مرال مختار به عنوان یک فعال و به ویژه رابطه او با خام نوران الجندی موجب نارضایتی و خشم خانواده‌های آنها شد و تهدیدهای متعددی را از جانب افراد مختلف بر ضد آنها برانگیخت. سخت شدن شرایط زندگی برای این دو زن جوان در کشورشان مصر آنها را بر آن داشت تا بر خلاف میل خود به ترک سرزمین مادری‌شان تن دهند. این زوج دگرباش ژوئن سال ۲۰۱۸ به کانادا پناهنده شدند اما در کانادا نیز یک زندگی آرام و بی‌دغدغه در انتظار آنها نبود. شرایط پیچیده و مشکلاتی که این دو زن در زمینه اشتغال و مسکن در کانادا با آن مواجه شده‌اند، آنها را وادار می‌کند که مرتب و تقریباً هر ماه یک بار نقل مکان کنند.

خانم مختار می‌گوید: «طی تقریباً دو سال و نیم حضورمان در کانادا تا کنون نوزده بار مجبور به نقل مکان شده ایم.» عدم ثبات اقامتی نوران الجندی و مرال مختار نتیجه یک دور باطل است. این دو زن می‌گویند با توجه به این که پناهنده هستند بسیاری از کارفرمایان از دادن کار به آنها خودداری می‌کنند. نداشتن کار، نداشتن سابقه اعتبار مالی یا پس انداز، پرداخت ودیعه برای اجاره ماه‌های اول و آخر را برای آنها دشوار کرده است.

خانم نوران الجندی می‌گوید با این وضعیت تنها گزینه‌ای که در زمینه اجاره آپارتمان برای ما می‌ماند، شرکت بازار آنلاین اجاره مسکن Airbnb است چرا که مسئولان این شرکت برای اجاره از ما اوراق و مدارک نمی‌خواهند.

دعوت به اینترسکشنالیتی

طبق نظریه «اینترسکشنالیتی» (درهم تنیدگی) که چارچوبی تحلیلی است، اشکال گوناگون لایه‌های اجتماعی مثل طبقه اجتماعی، گرایش‌های جنسی، سن و سال، دین، ایدئولوژی، ناتوانی و جنسیت افراد جامعه نه تنها منفک از یکدیگر نیستند بلکه در هم تنیده شده و به یکدیگر گره خورده‌اند. سیزده اکینگی - Sizew Ikin- تیغ مسئول برنامه «فضاهای مثبت» در OCASI (شورای آژانس‌های خدمات‌رسانی به مهاجران در انتاریو) به بیش از دویست آژانس استقرار مهاجران و پناهجویان در استان انتاریو کمک می‌کند تا خدمات جامع‌تری به مهاجران و پناهجویان دگرباش ارائه کنند.

خانم اکینگی به نبود تحلیلهای اینترسکشنالیتی در زمینه استقرار پناهجویان یا مهاجران دگرباش و همچنین در آژانس‌هایی که به جامعه دگرباشان خدمات ارائه می‌کنند، اذعان و تاکید کرد در این برنامه‌ریزی‌ها این واقعیت مد نظر قرار داده نمی‌شود که نقاط و درهم تنیدگی‌هایی میان هویت‌های مختلف یک فرد وجود دارد. خیلی کم اتفاق می‌افتد که درباره این واقعیت صحبت به میان آید و برنامه‌های کمی هم وجود دارد که از مواجهه شدن همزمان افراد با پدیده نژادپرستی، نگرانی‌ها و هراس‌های مرتبط به هویت جنسی یا هویت جنسیتی افراد صحبت کند.

اکینگی ابراز امیدواری کرد فضاها و محیط‌هایی ایجاد شود که افراد برای وارد شدن به آنها مجبور نشوند بخش یا بخش‌هایی از هویت خود را پشت در جا بگذارند و برای همیشه از آنها چشم‌پوشی کنند.

امتیاز پوپات Imtiaz Popat که روانشناس است و بیمارانش عمدتاً از مهاجران یا پناهجویان دگرباش هستند، می‌گوید تشدید حس انزوا و طردشدگی در میان بیمارانش کامل مشهود است. به گفته او همین احساس در میان افرادی که از خدمات موسسات و سازمان‌هایی مثل Rainbow Ref- ugee Committee و Belong Mosaic استفاده می‌کنند، رو به افزایش است.

پوپات در عین حال تصریح کرد تنها نکته مثبت این است که می‌توانیم خارج از منطقه گراند ونکوور با این افراد ملاقات کنیم. وقتی شرایط بهتر شود می‌توانیم در برنامه‌ها و پروژه‌های خود برای ملاقات با یکدیگر از ارتباطات تصویری «زوم» نیز استفاده کنیم.

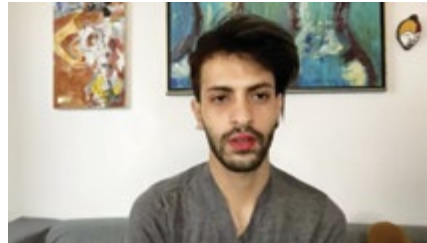
منبع: وب سایت شبکه خبری رادیو کانادا

سارا حجازی نیز که به علت موقعیت دگرباش خود در مصر مورد آزار و اذیت قرار داشت و مدتی هم زندانی شد، سرانجام برای فرار از این وضعیت و ساختن یک زندگی متفاوت، گزینه پناهنده‌شدن به کانادا را انتخاب کرد.



شرایط زندگی پناهجویان دگرباش تدابیر موثری اتخاذ کند. مسئولان وزارت مهاجرت کانادا از پاسخ دادن به درخواست مصاحبه رادیو کانادا در این زمینه خودداری کردند.

وزارت خدمات به کودکان و خدمات اجتماعی انتاریو اعلام کرد برای ارتقای خدمات به دگرباشان جدیدی که از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ وارد استان می‌شوند، ۷۵۰ هزار دلار در نظر گرفته است. دولت استانی انتاریو همچنین اعلام کرد ۴۵۰ هزار دلار دیگر نیز به اجرای برنامه‌ها و پروژه‌های حمایتی در قبال پناهجویان دگرباش اختصاص داده است.



رامی عیاری می‌گوید پناهجویان دگرباش غالب اوقات در کانادا با مشکلاتی مثل هوموفوبیا (همجنسگرا هراسی) یا نژادپرستی روبرو هستند.

دولت انتاریو از مشخص کردن تعداد پناهجویان یا متقاضیان پناهنده‌گی متعلق به جامعه دگرباشان در استان خودداری و اعلام کرد رادیو کانادا می‌تواند این اطلاعات را از دولت فدرال دریافت کند.

فوریه آینده صبر کنیم. با توجه به شرایطی که من در آن قرار دارم، تحمل این مدت طولانی انتظار برایم دشوار است.»

رامی که به اذعان خودش در مدت حضور در خاک کانادا با رفتارهای نژادپرستانه هم مواجه شده است، می‌گوید با توجه به این رفتارها، ترجیح داده است نام قانونی خود «محمد» را از رزومه‌اش یا درخواست‌هایش برای مسکن حذف کند. رامی که به عنوان باریستا در یک قهوه‌خانه در مونترال مشغول کار است، می‌گوید گاهی اتفاق افتاده که از او خواسته‌اند کشتی را که با آن موهایش را بسته بود، بردارد هر چند چنین چیزی برای او نشانه مذهبی و اعتقادی محسوب نمی‌شد.

رامی افزود: «هر گاه صحبت از چالش‌های فراروی جامعه دگرباشان می‌شود، همیشه واقعیتی که پناهجویان دگرباش در کانادا با آنها روبرو هستند، کتمان می‌شود و همین موضوع باعث می‌شود از کانادا به عنوان یک بهشت واقعی برای دگرباشان یاد شود در حالی که واقعیت امر چیز دیگری است.»

او ادامه داد: «درست است که کانادا سرزمین حقوق شهروندی است و در این جا برای افراد و حقوق آنها احترام زیادی قائلند با این حال کانادا در این زمینه هنوز هم برای ایده آل شدن باید راه درازی بپیماید.»

رامی ابراز امیدواری کرد که دولت کبک به افراد ترانجسیتی که شهروندی کانادا را ندارند، این اجازه را بدهد که به محض ورود به این استان نام خود را عوض کنند. طبق قانون ثبت احوال استان کبک، افرادی که کبک را برای زندگی انتخاب می‌کنند باید دست کم یک سال در این استان بمانند تا از چنین حقی برخوردار شوند.

اختصاص ۷۵۰ هزار دلار برای بهبود خدمات به اعضای تازه وارد جامعه دگرباشان

وزارت خدمات به کودکان و خدمات اجتماعی انتاریو برای بهبود خدمات ویژه به اعضای جدید جامعه دگرباشان در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۱ اعتباراتی بالغ بر ۷۵۰ هزار دلار تخصیص داده است.

نوران الجندی و مرال مختار با تهیه گزارش مستندی از مشکلات و چالش‌هایی که در دو سال زندگی خود در کانادا تجربه کرده‌اند، از دولت فدرال خواسته‌اند برای بهبود

امتیاز پوپات Imtiaz Popat یک روانشناس است و در جامعه پناهجویان دگرباش در شمال ونکوور کار می‌کند



برای من راه قاچاق سخت‌تر از شرکت در جنگ‌های طالبان بود و فکر نمی‌کردم که قاچاقی آمدن آنقدر سخت باشد



در طالبان گروه ما ۸۰ نفر بود با تعداد زیادی کودک

و جدید استفاده می‌کنند اما طالبان تجهیزات قدیمی دارند. وقتی طالبان در جنگی پیروز می‌شوند، سلاح‌های جنگی نیروهای دولتی را تصرف می‌کنند و در جنگ‌های دیگر از آن بهره می‌گیرند.

در افغانستان هر روز حمله انتحاری می‌شود و آن را به گردن طالبان می‌اندازند در حالی که انتحاری کار طالبان نیست و کار دولت است که می‌خواهد طالبان را در چشم مردم افغانستان و مردم جهان بد نشان دهد. طالبان می‌خواهند که حکومت در دست خارجی‌ها نباشد و این بزرگ‌ترین خواسته طالبان است. شش ماه است که گروه طالبان را ترک کردم و به ایران آمدم.

از راه قاچاق آمدم که سخت و دشوار است و توان مردم را می‌گیرد. برای من راه قاچاق سخت‌تر از شرکت در جنگ‌های طالبان بود و فکر نمی‌کردم که قاچاقی آمدن آنقدر سخت باشد. من ده روز در راه بودم. ساعت‌های زیادی را پیاده‌گردی کردم. آفتاب بسیار سوزان بود و هوای گرم پوستم را سوزاند. وقتی به ایران رسیدم نزد برادرم رفتم و در کارگاه خیاطی مشغول به کار شدم. به نظر من مردم ایران خیلی خون‌گرم و مهربان هستند. آنها نسبت به مهاجران دلسوز هستند و هر کمکی که بتوانند به مهاجران می‌کنند. من افغانستان را بسیار دوست دارم و آرزو دارم که روزی وطن صلح شود و آرامی برقرار باشد. با این که هفده سال سن دارم اما آرزویی ندارم. تنها دل‌خوشی من زمانی بود که در گروه طالبان بودم و برای جهاد مبارزه می‌کردم. مدام به این فکر می‌کنم که چرا در کنار دوستان طلبم مبارزه نمی‌کنم و آنها را تنها گذاشتم. آرزو دارم روزی در راه حق شهید شوم. وقتی کسی شهید شود با آرامش دنیا را ترک می‌کند و به بهشت می‌رود.

کودکان خردسال زیادی در گروه طالبان هستند. بیشتر آنها بالای هشت سال سن دارند. آنها از سوی والدین خود عاق شدند و دیگر به خانه باز نگشتند. آنها در گروه طالبان تعلیم می‌بینند و اهداف طالبان در خلق و خوی‌شان می‌نشیند. غذای طالبان را مردم محلی فراهم می‌کنند. طالبان برای زندگی جای مشخصی ندارند و بیشتر در مسجد و در میان مردم زندگی می‌کنند. گروه ما به دسته‌های پنج نفری تقسیم شده بود و چون تعداد ما کم بود شب‌ها به راحتی می‌توانستیم در خانه‌های مردم پناه ببریم. طالبان می‌خواهند که روزی در افغانستان صلح برقرار باشد و حق و ناحق از یک دیگر جدا باشد. من یک سال در گروه طالبان بودم و با آنها زندگی کردم. در این یک سال در جنگ‌های مختلف مبارزه کردم. به خاطر دارم که اولین روزی که به جنگ رفتم، بسیار ترسیده بودم و باور نمی‌کردم که روزی جنگ را از نزدیک ببینم. نیروهای دولتی در برابر طالبان مبارزه می‌کردند و یک دیگر را مورد هدف قرار می‌دادند. جنگ یک روز طول کشید و نیروهای دولتی شکست خوردند. جنگ‌ها زمان مختلفی دارد. بعضی جنگ‌ها چندین ساعت وقت می‌گیرد. جنگ‌های دیگری وجود دارد که چندین روز و چند هفته زمان می‌برد. طالبان در ولایت‌های مختلف افغانستان می‌جنگند. نیروهای دولتی هوایی حمله می‌کنند و از سلاح‌های پیشرفته

از کودکی علاقه داشتم که درس بخوانم و روزی به دانشگاه بروم. پدرم اصرار کرد که برای آموزش قرآن به مسجد بروم و برای همین هیچ‌گاه به مدرسه نرفتم. من چندین سال در مسجد درس قرآن خواندم و پنج کتاب مثل خواجه حافظ را از بر کردم. کودکان در مسجد می‌آموختند که بهشت جایگاه انسان است و انسانی که در راه حق برود روزی بهشت خانه‌اش می‌شود. برای همین همه دوست داشتیم که به گروه طالبان برویم و جهاد کنیم تا در آخرت قدم در بهشت بگذاریم. شهر فاریاب جایگاه زندگی طالبان است که مردم را برای جهاد دعوت می‌کنند. یکی از دوستانم در گروه طالبان رفت و آمد داشت. روزی از او خواستم که مرا به گروه طالبان معرفی کند. بعد از مدتی عضو طالبان شدم و خانه را ترک کردم.

دوستان زیادی در گروه طالبان پیدا کردم. همه تصور می‌کنند که هرکسی که وارد طالبان می‌شود حقوق می‌گیرد اما این موضوع واقعیت ندارد. افرادی که عضو طالبان می‌شوند به خاطر اعتقاد خود مبارزه می‌کنند. خانواده‌ها همیشه مخالف هستند که فرزندانشان به گروه طالبان بروند. طالبان به پدر و مادرها حق داده است که اختیار فرزندان خود را داشته باشند و اگر دوست نداشته باشند می‌توانند مانع از پیوستن فرزندان خود به گروه طالبان شوند. گروهی که من عضو آن شده بودم ۸۰ نفر بودند.

کودکان در مسجد می‌آموختند که بهشت جایگاه انسان است و انسانی که در راه حق برود روزی بهشت خانه‌اش می‌شود. برای همین همه دوست داشتیم که به گروه طالبان برویم و جهاد کنیم تا در آخرت قدم در بهشت بگذاریم



مینو اسلامی

مشاور املاک در مونترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام



Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com

514 967 5743



مشاور وام مسکن

شیرین تیموری

با سالها تجربه در زمینه
بانکی و وام مسکن در کانادا

- خرید مسکن
- تمدید وام مسکن
- افزایش وام مسکن (Refinance)
- تازه واردین به کانادا
- شغل آزاد (Self-employed)



ملاقات در نزدیکترین محل و مناسبترین زمان برای شما

tel **514 979-9809**

shirin.teimoori@bmo.com

@shirinteimooribmo



خروش اعظمی

مشاور املاک مسکونی در مونترال

- با کمک تیم ما با کمترین نرخ بهره وام مسکن بگیرید
- خدمات ویژه ما برای تازه واردان و زوج های جوان
- تمامی خدمات ما برای خریداران رایگان است
- هزینه محضر هدیه ما به شما خریداران است

- COURTIER IMMOBILIER RESIDENTIEL
- RE/MAX ROYAL (JORDAN) INC.
- 315 BOUL. BRUNSWICK # 333, POINTE-CLAIRE (QC) H9R5M7
- KHORUSH.AZAMEE@REMAX-QUEBEC.COM
- 514-630-7324 EXT: 4344

KHORUSH AZAMEE
Cell: **514-865-7860**

- ارزیابی ملک و مشاوره رایگان
- خدمات رایگان برای خریداران و مستأجران
- مشاوره تخصصی به سرمایه گذاران در املاک در آمدزا
- همراهی در تهیه وام با بهترین شرایط
- هزینه محضر هدیه ما به خریداران گرامی

شهره شهریان

مشاور رسمی املاک مسکونی

طراح و ناظر پایه یک شهرداری در ایران
با بیش از ۱۵ سال سابقه



514 290 2210

ShahrianRealtor@gmail.com

ادبیات، مقاله: یک دستور غذا از قرن ششم

ادبیات، خوانندگان: جمعه سیزدهم، داستان یک تقارن بدیمن!

ادبیات، شعر جهان: شعر جهان: ژان-پیر سیمئون و نزار قبانی

تازه‌های کتاب ایران و کانادا:

بزرگ شدن در ترکیه

رمان NOLLIPAP UD EGAN AL

شعر دو زبانه فارسی و کوردی: «فقر» از پابلو نرودا

و «حس» از عمران صلاحی

سینما: قطره‌های پاک در گنداب ضدهنر

نگاهی به حضور امنیتی‌ها در سینمای ایران

ادبیات فرهنگ و هنر



یک دستور غذا از قرن ششم

راوندی در کتاب معروف خود «ارحاً الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق» در سبب تألیف کتاب (ص ۵۷ چاپ امیرکبیر ۱۳۶۴) که درست در آستانه ورود به قرن هفتم هجری نوشته شده است (۵۹۹ - ۶۰۳ ه ق) می‌گوید:

«امیر الشعرا و سفیر الکبریا شمس‌الدین احمد بن منوچهر شصت کله که قصیده تتماج گفته است، حکایت کرد که سید اشرف به همدان رسید و در مکتب‌ها می‌گردید و می‌دید تا که را طبع شعر است. مصراعی به من (شصت کله) داد تا بر آن وزن دو سه بیت گفتم، به سمیع رضا اصفا فرمود...»

از این گفتار فهمیده می‌شود که کسی به نام «شمس‌الدین احمد شصت کله» قصیده‌ای تأثیرگذار دارد در توصیف نوعی غذا به نام «تتماج» طوری که راوندی او را به اعتبار همین قصیده به مخاطبانش معرفی می‌کند. و باز از همین عبارات معلوم می‌شود که «شمس‌الدین احمد شصت کله» پیش از مرگ سید اشرف حسن بن ناصر علوی غزنوی (۵۶۵ ه ق) شاعری شناخته شده بوده است.

راوندی همچنین از ممارست او بر شاهنامه یاد می‌کند و سه بیت از اشعارش را برای نمونه می‌آورد. باین حال از کتاب راوندی طرز درست تلفظ «شصت کله» فهمیده نمی‌شود، دهخدا در لغت‌نامه با اعراب «شصت کله» ثبت کرده است و در توضیحاتی که دارد - برای خواننده کنجکاو - بعضی از خوانش‌های دیگر را هم مشخص می‌کند. از تردید در طرز تلفظ و ناشناخته‌بودن شاعر توجیه ما به نام قصیده جلب می‌شود که مشهور به «قصیده تتماجیه» است و این نام نیز به قدر نام شاعر و حتا بیش از آن نامعلوم است. تتماجیه یعنی قصیده‌ای در توصیف تتماج و تتماج غذایی است که در این نوشته تا حد ممکن به آن خواهیم پرداخت. قصیده با تعداد متفاوتی بیت در نسخه‌های خطی قدیمی - در بیشترین حالت ۵۷ بیت - دیده شده است. (۱)

تتماج

تتماج نام غذایی است که بعضی آن را مرکب از «تتم» ترکی به معنی سماق و «آج» فارسی در مجموع به معنای «آش سماق» پنداشته‌اند (۲). در حالی که به نظر می‌رسد قسمت دوم تتماج «وماج» یا «ماج» یا چنانکه کرمانی‌ها تلفظ می‌کنند «ماچو» است و آن به معنای گلوله‌های خمیر است و تتماج باید ترکیبی باشد از همین خمیرها و لبنیات و سبزی که اصالتاً یک غذای ترکی محسوب می‌شده است. شاهدهی که شکل این غذا را نشان می‌دهد

و مثل کشک و بادمجان یا خُمص یا بابانوج و امثال این غذاها به خوبی تغییر ذائقه ایجاد می‌کرده است.

رو گاو سپهر زود در بند

وز سنبله جمله دانه بستان

مواد لازم: گندم

(کارهایت را تعطیل کن و قدری گندم بردار)

باید که چو خرد کرد خواهی

گردون بود آسیای گردان

(گندم‌ها را آرد کن.)

هر چند در آسیای گردون

مه حمال است و مهر طخان

(اگر چه خورشید و ماه در آسیای فلک حکم حمال و آسیابان را دارند....)

آن به که به اختیار باشد

برسخته زحل به برج میزان

(بهتر است که تو چانه‌هایی کوچکتر مثل زحل را در ترازو بگذاری)

وز بهر سرشتنش بیاور

از چشمه کوثر آب حیوان

(آرد را با آب خمیر کن و چانه‌هایی مساوی به کمک ترازو بسنج و آماده نما.)

یک دشنه ز ذوالفقار حیدر

یک چوبه ز تیر پور دستان

وسایل مورد نیاز: یک کارد تیز آشپزخانه و یک تیر چوبی برای پهن کردن خمیر

تا همچو سپر کنی بدان تیر

بر پشت طبق بسی بگردان

با کمک تیر چانه را پهن کرده چندین بار روی صفحه‌یی که داری ورز بده

پس هر سپری به دشنه می‌رُ

ماننده شکل‌های پیکان

با کارد خمیر پهن شده را به شکل مثلث/لوزی‌های کوچک بُر

یک سفزه ز سُنْدَس و ستبرق (سندس و ستبرق هر دو اشاره به ابریشم دارند)

نحوه خوردن آن با ابزاری به‌نام «سیخ» است که آن را از آش بودن می‌اندازد و غلظت آن را شبیه به «فندو» غذای معروف سوپسی می‌کند که عیناً با سیخ‌های مخصوصی خورده می‌شود. در قصیده تتماجیه هم به سیخ اشاره شده است:

سیخش همه لعل و چمچه: یاقوت (سیخش از لعل و ملاقه‌اش از یاقوت)

کفگیر: «شبه»، عقیق: «غزقان» (کفگیر از سنگ شَبّه و دیگش از عقیق)

نظامی در جایی اشاره‌ای دارد که شکل این سیخ فهمیده می‌شود:

خار کز نخل دور شد تاجش

به که سازند سیخ تتماجش (برگ درخت خرما را به جای سیخ تتماج به کار می‌برده‌اند)

همچنین در ابیات اشارات مکرری هست به «آب تتماج» که نشان می‌دهد دوغ مشکي مورد استفاده را کیسه می‌کردند تا آب آن بچکد و غلیظ شود. این آب را ترکمانان برای تهیه خوراک سگ استفاده می‌کرده‌اند. مولوی در مثنوی مکرر به این معنی اشاره دارد:

آب تتماج است آب روی عام

که سگ شیطان ازو یابد طعام

ز آب تتماجی که دادش ترکمان

آن چنان وافی شدست و پاسبان

قصیده تتماجیه:

گفتم که: ز خوردنی چه سازم؟

اندر خور خورد چون تو مهمان

در پای تو سر کشم به تحفه

در پای تو جان کنم به قربان

گفتا که: «تکلفی نخواهم»

هرچ آن به خمار در خوردن آن

از «تکلفی نخواهم» معلوم می‌شود که تتماج یک غذای تشریفاتی تلقی نمی‌شده بلکه برعکس ساده و فرودست بوده است. از «هرچ آن به خمار در خوردن آن» نیز می‌فهمیم که جنبه «مزه» در مجلس می‌خورگی داشته

در خواه به عاریت ز رضوان
از زنگ عبیر پاک بستر
وز گرد بهشت نیک بفشان
خمیر باید بماند لذا باید آن را در یک پارچه کاملاً تمیز
بپیچ

ثور آر چه نر است، ماده گردد
تا شیر دهد ترا ز پستان
مواد لازم: شیر

ز آن شیر بگیر دوغ و روغن
شاید نگرقت خوار و آسان
(شیر را در مشک بزن تا روغنش از دوغش جدا شود.)

آب از سر چاه زمزم آور
آتش ز کلیسیای رهبان
هیزم همه شاخه‌های طوبی
با عود و عبیر و مشک، سوزان

آبش خوش و روغنش مُرُوق (مروق = صاف)
سیر اندک و ترلقش فراوان (ترلق = ترلق = سبزی)
مواد لازم: آب، کره صاف شده، سیر به مقدار کم،
سبزیجات به مقدار زیاد
اگر باده خورم بگو فلک را
تا جدی و حَمَل کند به بریان
آباید که چو کافران ببینند
آرند به معجزاتش ایمان

این دو بیت که در کروش آمده احتمالاً از یافته‌های علامه
قزوینی در مونس الاحرارند ۳ و البته ابیاتی مجهول که
فرض اضافه کردن گوشت گوسفند یا بز را به غذا در ذهن
خواننده ایجاد می‌کند. حَمَل و جدی که نام دو صورت
فلکی هستند همچنین به معنی بره و بزغاله اشاره دارند.
شاعر در این دو بیت خشم و غیرت آسمان را از باده‌نوشی
میهمان و میزبان با قربانی کردن دو صورت فلکی حمل
و جدی نمایش داده تا همگان و به ویژه کافران بدانند
و درس بگیرند. آیا این ابیات به ما می‌گویند که افزودن
گوشت گوسفند به این ترکیب آن را مطلوب‌تر و به ویژه
مناسب‌تر برای مزه باده‌نوشی می‌کند؟ چیزی که بیشتر
با بعضی شواهد همخوانی دارد این که «تتماج با شراب
تباين دارد!» مولوی می‌گوید:

رزق ما از کاس زرین شد عقار (شراب)

وان سگان را آب تتماج از تغار

این تباين بیش از این که ناشی از ماهیت غذا باشد
به تباين تجمل مجلس باده در مقابل ایللیاتی بودن و
حاضری و سردستی بودن تتماج مربوط می‌شود. این
مطلب از تعارف ابتدای قصیده هم معلوم است؛ میزبان
می‌پرسد چه برایت درست کنم؟ و مهمان پاسخ می‌دهد؛
«یک چیز ساده که با شراب بخوریم». در دو بیت اخیر
در واقع شاعر می‌گوید اگر بخواهیم که مجلسی شاهانه و
متناسب با باده‌نوشی‌های درخور بزرگان داشته‌باشیم بد

نیست که کبابی هم بریان کرد و با تتماج خورد.
سیرش همه چون عبیر خوشبوی
آبش همه با گلاب یکسان
روغن بگداز و دوغ در کن
تا ساختنش رسد به پایان

در اینجا دستور غذا دیگر تمام می‌شود و از این پس
قدری به ریشه غذا و وسایل لازم برای خوردن آن خواهد
پرداخت. این ابیات ناروشن قدیمی‌ترین دستوری‌ست
که از آشپزی در زبان فارسی داریم. با این که در بامداد
شکل‌گیری شعر فارسی قصیده‌ای بلند و درخشان از
رودکی موجود است که در آن طرز درست کردن شراب
را با دقتی بسیار خوب توضیح داده است اما می‌توان
گفت که تتماجیه یک استثنا در میان قاعده نامبارک
چشم‌پوشی بر فرهنگ غذا خوردن در همه گستره
ادبیات کهن ماست.

آن چه از همین دستور ناقص دریافت می‌شود غذایی‌ست
که شباهت چندانی به آش ندارد و در دستور آن هم
هیچ صحبتی از سماق در میان نیست. تتماج بیشتر
به نظر می‌رسد شبیه به دیماج است. دیماج که هم
اکنون در قزوین پخته و بیشتر بعنوان عصرانه خورده
می‌شود تقریباً همین ترکیب را دارد غیر از این که
در آن از پیاز و زردچوبه بجای سیر استفاده شده و
بجای دوغ کیسه‌ای، پنیر را جایگزین نموده است. این
البته خود رفتاری غیر فرهنگی‌ست که ما غذاها را به
هم شبیه کنیم و اصرار بورزیم که این همان است با
فلان تغییر اما می‌توان دوغ را در ذیل این یا آن نام
دسته‌بندی کرد و احیاناً در یک گروه قرار داد. تشابه
چشمگیر در نام‌های تتماج و دیماج فرد را وسوسه
می‌کند که ایشان را خویشاوند نزدیک یکدیگر بیندازد.
در زیر دستورالعملی مفروض و مبتنی بر حدسیاتی
برگرفته از متن تتماجیه را ببینید:

آرد گندم را با آب خمیر می‌کنیم به چنین خمیری که
مخمر ندارد پتیر می‌گویند. پهن کردن پتیر بسیار سخت
است با کمک آرد و تیر و طاس پتیرها را پهن کرده به
شکل لوزی‌های کوچک ریز ریز می‌کنیم. پتیرها را در
پارچه‌ای می‌پیچیم تا قدری بیات شوند. در این فاصله
سبزی‌های خورده‌شده را با کمی سیر در کره برگرفته از
دوغ به آرامی تفت می‌دهیم و کنار می‌گذاریم. پتیرها
را در کره سرخ می‌کنیم تا شکننده شوند. دوغ را در
کیسه می‌کنیم تا چکیده شود. دوغ چکیده، سبزی جات
سرخ شده و پتیرها را مخلوط می‌کنیم و می‌گذاریم تا
جا بیفتد.

از هیکل ماهتاب کن سخن (سحن = بشقاب)

وز قرصه آفتاب نه خوان

سیخش همه لعل و چمچه یاقوت

کفگیر شَبه، عقیق غزقان

آرایش میز غذا البته باید با وسایلی که در بالا آمده همراه
باشد. وجود سحن هم به جای کاسه، آش و آبکی نبودن
تتماج را تأیید می‌کند.

هست این خورشی که کرده بودند
تر تیبش از ابتدا به توران (منشأ این غذا ترکی‌ست)
آسیمه در آرزوی او شد
رستم پی رخس تا سمنگان
چون خورد، به زال زر فرستاد
تحفه صفتش به زاولستان
(از زمان‌های بسیار کهن از سرزمین‌های تورانی به حوزه
ایران فرهنگی آمده است)
گر زخم خورد به گاه خوردن
لایق بود آر چه نیستش آن

طعمی که به تیغ و تیر سازند
(این مصرع نشان می‌دهد که مهمترین عنصر در این
غذا نان است)
الا که به نیزه خورد نتوان
(اشاره دوباره به خوردن با سیخ که پیش از این تصریح
داشت)

اُد لذت او هزار صحبت
در صحبت او هزار برهان
آباشند خورندگانش فارغ
از زحمت تره و نمکدان
(تتماج خود بخود پرمزه است و نیازی به چاشنی ندارد)

اَکس منکر لذتش نیابی
از حد عراق تا خراسان
(در روزگار شاعر همگان در همه حوزه‌های فرهنگ
ایرانی تتماج را می‌شناخته‌اند)

طبع آن طلبد و گرچه باشد
بر خوان خورش از هزار الوان
...

اچون برگ گل اندر آب کافور
(رنگ تتماج بر به سفیدی می‌زند و تکه‌های سرخ‌شده
خمیر در آن قرمزند)
هم نان خورش آمده است و هم نان
کاچی ش وزیر و رشته نایب
یخنی حاجب، هریسه دربان
(تتماج حداقل بر چهار غذای محبوب؛ کاچی، رشته،
یخنی و هریسه برتری دارد)

هشتم فوریه ۲۰۲۰

اتوا

پانوشتها

۱. برای دیدن جزئیات اسامی نسخ و تعداد ابیات نگاه
کنید به: <http://research.iaun.ac.ir/pd/chatraeioeld/>

۲. کتاب The Mongol Empire and Its Legacy نیز بر
همین پایه نام این غذا را Tutum-Ash ثبت کرده است.

بهر روز مایلز زاده
طنزپرداز ساکن مونتئرال



جمعه سیزدهم، داستان یک تقارن بدیمن!

گروه ادبیات هفته: جمعه سیزدهم نوامبر ۲۰۲۰، پاپ (رهبر کاتولیک‌های سرتاسر جهان) سوژه خبری شد که تبسم (اعم از نوش‌خند یا تلخند) بر لب بسیاری از خوانندگان خبر آورد: موضوع از این قرار بود که در پی «لایک» شدن تصویری نیمه عریان از یک مدل لباس توسط حساب رسمی پاپ فرانسیس در اینستاگرام، واتیکان اعلام کرد که این موضوع را بررسی می‌کند (او در اینستاگرام حدود ۷ میلیون و در توئیتر بیشتر از ۱۸ میلیون دنبال‌کننده دارد)!

البته این لایک جنجالی یک روز بعد برداشته شد و تا این لحظه مشخص نشده که گروه مسئول اداره‌کننده رسانه‌های پاپ فرانسیس در

آب هم از آب تکان که نخورد هیچ، تازه هم مسیح هم مریم مجدلیه از همیشه عزیزتر شدند.

حالا بیایید همین اتفاق را برای جناب پاپ فرانسیس تصور کنید! اصلاً تصور نیاز ندارد، همین اتفاق قدرتی خدا برای ایشان افتاد! این پاپ بدشانس با این همه دم‌دستگاه درست وسط پاندمی کرونا که حتی یک نفر را هم نتوانست خوب کند که هیچ، عدل هم روز جمعه سیزدهم نوامبر، همین پاپ گردن‌شکسته از همه‌جایی خبر توی خلوت خودش خواست یک تمدد اعصابی کند و خستگی در کند، رفت توی صفحه اینستاگرام و شروع کرد به چرخیدن بین مریم‌های مجدلیه برزیلی، حالا یکی‌شان هم خوشش آمد و پسند کرد، مگر این مردم و حواریون بی‌جنبه تکنولوژی زده امان دادند؟ به ثانیه کشید که اسکرین‌شات (عکس‌فیه) آن از شرق تا غرب دور را درنوردید و بوق‌ها و کرناها به صدا درآمد و فریاد و مذهبا، و مسیحا به راه افتاد و اشک‌ها ریخته شد و انگشت‌ها برای آنفالو و آنلایک به جنبش افتاد و جلسات تحقیق و تفحص به راه افتاد که کی بود کی بود من نبودم! که چی؟ که پاپ باسن یک خانم را پسندیده! خب پسندیده که پسندیده! مگر خود مسیح نپسندیده بود؟ چرا این همه شلوغ‌بازی درمیآورد؟

این جماعت عوام کاری می‌کنند که آدم به این صرافت بیفتد که تکنولوژی یک ابزار ساخت شیطان است برای بدنام کردن مردان خدا، وگرنه چه معنایی دارد آدم این قدر دنبال کون پاپ و دیگر مذهبیون راه بیفتد و چلیک چلیک از شیطنت‌هایشان عکس و مدرک جمع کند؟

آدم باید یک جو شانس داشته باشد، ولو در روز سیزدهم ماه که با جمعه مقارن می‌شود.

بگذاریم همین امروز یعنی نوامبر دوهزار و بیست، حالا یک مرور کلی بیندازیم به یکی از مهم‌ترین اتفاقات این زمان یعنی همان مبعث پیامبر، عیسی مسیح. همه متفق‌القولیم که در دین مسیحیت، از خود حضرت مسیح مهم‌تر شخصیتی نداریم. همین جناب مسیح، علی‌رغم تمام تبلیغاتی که توسط دستگاه پروپاگاندا مسیحیت علیه مسیح می‌شود که ایشان انسان بدشانسی بود! اگر کمی به زندگی‌شان دقت کنید می‌بینید اتفاقاً بسیار هم خوش‌شانس بودند. یعنی در مقایسه با همتای معاصرشان جناب پاپ فرانسیس که او هم در حال حاضر مهم‌ترین شخص دنیای مسیحیت هستند و دستگاه پروپاگاندا مسیحیت بسیار تلاش می‌کند از ایشان یک چهره خوش‌شانس بسازد، بسیار خوش‌شانس‌تر بودند. شما خودتان مقایسه کنید، مسیح لخت و برهنه بدون محافظ و ماشین شیشه‌ای ضدگلوله و بدون دفتر دستک و دم‌دستگاه عریض و طویل اداری و مالی و سیاسی با حواریونش پای پیاده این‌ور آن‌ور می‌رفتند آن زمان که تکنولوژی نبود اما در عوض تا دلتان بخواهد شانس بود، راه‌بهره جناحیان را خوب می‌کردند و مرده‌ها را زنده! همین جناب مسیح با یک خانم بدنام بنام مریم مجدلیه هم کلی سفر کردند، حالا البته در احادیث هست که ایشان قبلاً بدکاره بودند ولی بعدش خوب شدند ولی به‌ر حال در اولین برخورد که به‌عنوان روسپی شناخته شده بودند یا نه؟ خب چه شد؟ هیچ! آب هم از آب تکان نخورد و اتفاقاً اسم این بانوی مقدسه از تمام حواریون هم بیشتر در انجیل‌های چهارگانه آمد و هیچ‌کس هم بابت این ارتباط نزدیک نه عذرخواهی کرد نه جلسه تشکیل داد نه به بررسی و تحقیق و تفحص پرداخت و نه آبروریزی کرد!

آدم هیچ‌چیز هم که نداشته باشد باید یک جو شانس را داشته باشد، یعنی شما اگر تمام عالم و آدم را هم داشته باشی اما یک‌ذره شانس نداشته باشی انگار هیچ نداری! من که اصلاً دارم کم‌کم به این صرافت می‌افتم که بین تکنولوژی و شانس یک رابطه ظریفی هست، و آن اینکه شانس ضربدر تکنولوژی همواره عددی است ثابت! و انگار این نسبت از ازل تا ابد صادق بوده و از ابتدای تاریخ بشریت تا امروز همین بوده! مثلاً در زمان‌های خیلی قدیم که تکنولوژی نبود شانس بسیار زیاد بود و حالا که تکنولوژی زیاد شده، شانس کم؛ به‌نحوی که حاصل ضرب این دو همواره ثابت است.

حالا چطور به این نتیجه رسیدم؟ خیلی شانس! یعنی اولش شانس بود اما بعد تحقیق کردم و گرنه که فکر کرده‌اید بنده همین‌طور گترهای و از روی هوا حرفی می‌زنم؟

دقیقاً روز جمعه سیزدهم نوامبر! که از قضا در فرهنگ عامه غرب، مردم اعتقاد دارند اگر سیزدهم ماهی با روز جمعه مطابق شود آن روز بدیمن و نحسی است! حقیر متوجه شد که این نحوست دامن یکی از مردان خدا را گرفته، بعد که کمی مطالعه و تحقیق نمودم متوجه شدم که این داستان سر دراز دارد.

بگذارید به قول دانشمندان و اهل فن و این‌کارها لفاظی را کم کنیم و اجازه دهیم آمار و ارقام و فکت‌ها سخن بگویند.

برای اینکه این بحث چارچوب مشخصی داشته باشد و خیلی به جالبسا و جالبقا نرود بیایید یک بازه زمانی دوهزارساله را در نظر بگیریم. ابتدای این بازه زمانی را هم بگذاریم مقارن با مبعث مسیح علیه‌السلام و انتهای آن را هم

شعر جهان: ژان-پیر سیمئون و نزار قبانی



▲ مرتضا دهقانی

الف. ژان-پیر سیمئون
برگردان از مرتضا دهقانی نیل

مرتضی دهقانی نیل در کانادا به تدریس شعر انگلیسی و ادبیات خلاقه مشغول است. برگردان‌هایی که او با لطف خود برای انتشار در اختیار «هفته» قرار داده و در این شماره می‌خوانیم، قسمتی از کتاب کودک «این شعریست که ماهی‌ها را شفا



▲ نزار قبانی

ب. کوتاه‌سروده‌هایی از
نزار قبانی؛ برگردان فرشید
سادات شریفی

۱. آموزگار
(تقدیم به مادرم؛ آن
«جهان‌بانوی آموزگار»
آموزگار نیستم
تا عاشقی را به تو بیاموزم
وانگهی
ماهی‌ها که شناکردن را از معلم
نمی‌آموزند
و گنجشک‌ها
به معلمی حاجتشان نیست
که به آن‌ها پرواز بیاموزد
خودت تنهاوش شنا کن
خودت تنهاگون پر بکش
عاشقیست
کتاب و دفتر نمی‌خواهد
و عشاق بزرگ همه اعصار

می‌دهد» اثر ژان-پیر سیمئون با
تصویرسازی اولیویه تالک است
که به همت او به فارسی برگردانده
شده است.

- مادربزرگ! مادربزرگ! شعر
چیست؟
مادربزرگ سخت به فکر فرو می‌ره
(کاملاً از قیافه‌اش معلومه چون
هر موقع فکر می‌کنه از اون
لبخندهای ملیح می‌زنه.)

مادربزرگ در نهایت می‌گه: «آرتور
جان، وقتی که ژاکت قدیمت رو
عقب جلو یا برعکس می‌پوشی
می‌تونی بگی ژاکت دوباره نو
شده.
شعر هم کلمه‌ها رو برعکس و
وارونه می‌کنه،

و یکپویی دنیا جدید می‌شه.»
آرتور با تعجب می‌گه:
- ها...؟ باشه.

مادربزرگ بعد ادامه می‌ده: «اما از
پدربزرگت بپرس،
اون اغلب اوقات شعر می‌نویسه...
به جای تعمیر کردن لوله‌ها!»
پدربزرگ درحالی‌که سیلش رو
می‌چرخونه
و کمی نگران به نظر می‌رسه
سؤال می‌کنه: «شعر؟»
و بعد می‌گه: «خب! شعر
چیزیه که شاعرها می‌گن.»

و آرتور می‌گه:
- ها...؟ باشه.

برایم هفت ماه می‌آوردند و سبدی
غزل...
نورّه‌ان آن‌ها برای من، خورشید
است و تابستان و فوج پرستوها...
نوشته «(۱) بلد بودند...»

و اویی که می‌گوید: بهترین او
کسی نیست جز «من».
من که برابرم با هزار ستاره
منی که گنجم و از من زیباتر
ندیده‌اند در هر آنچه نگاره...
آنچه می‌گویدم،
از جنس شیدایی است؛
چنان شیداشدنی که
رقص‌گاه و رقص از یادم رود...
این «واژه» ها و «او» سرشت و
سرنوشت را دیگر می‌کنند
گونیا به چشم‌برهم‌زدنی
از خویشتن من
«زن»ی می‌سازد و
کاخ‌ی خیال‌نیا
که
جز به «آن» ی ساکنش نیستم...
دوباره برمی‌گردم پشت‌میز تحریرم،
اما «هیچ» با من نیست،

این واژه‌های بی‌همال و مانند.
همین واژه‌ها
زیر بازوانم را می‌گیرند و بالا
می‌برند تا برفراز تخت ابرها...
آنگاه ست که
رگبار می‌بارم از چشم‌هام؛
چه رگباری...!
باران سیاه...
با خود می‌برندم تا عصر ایوان‌های
گل‌آکند؛
و من در دستانشان، درست مثل
کودکی پُرگونم
که نسیم می‌بردم

و پدربزرگ اضافه می‌کنه:
- حتی آگه خود شاعرها هم
ندوندند.

آرتور که کمی مضطرب شده
می‌ره تا سَری به ماهی کوچولوش
بزنه.
لئون زیر یه سنگ بزرگ
که کمی با جلبک پوشیده شده،
برای خودش تخت خوابیده.

آرتور باهانش حرف می‌زنه و می‌گه:
- متأسفم لئون!
من شعری پیدا نکردم.
تنها چیزی که می‌دونم اینه که:

شعر
اون وقتی که طعم آسمون رو در
دهنت حس می‌کنی.

مگر آن «واژه» ها...
۳. طلب («جمهوری عاطفه»)
تقدیم به پیام‌آوران عشق و
دوستی)
عاشق شدن را طلب می‌کنم

تا جهان را
همچون «پرتقال» ی کنم و
خورشید را نیز فانوسی برنجین.

عاشق شدن را طلب می‌کنم
برای پایان!
پایان:
پلیس و
مرز و
پرچم و
جدال برای زبان و رنگ و نژاد!
جانان من!
می‌خواهم یک روز و نه حتی
بیش‌تر،
گرداندن این دنیا را به من بسپارند
تا
تا بنیان بگذارم

شعر
مثل نانِ داغ تازه‌ایه
که وقتی می‌خوریش
همیشه کمی ازش باقی می‌مونه.

شعر
اون وقتی که
ضربان قلب سنگ رو می‌شنوی،
اون موقع که کلمه‌ها بال‌هاشون رو
به هم می‌زنند.

شعر
آوازیه که در قفس خونده می‌شه.

شعر
کلمه‌هایی هستند که وارونه
می‌شن
و ناگهان
دنیا تازه می‌شه.

جمهوری عاطفه و احساس را...
پانوش: برگرفته از غزل حضرت حافظ
فراخوان آثار ادبی:

گروه ادبیات مجله هفته از
تمام صاحب‌قلم‌ان به‌ویژه
ساکنان کانادا دعوت می‌کند
تا علاوه بر ارسال آثار خلاقه
خویش (که همچون همیشه
با افتخار در صفحات «رسیده
از خوانندگان» کار می‌شوند)،
چنانچه دستی بر آتش ترجمه
دارند با ارسال برگردان‌های
خود به غنای صفحات ادبی ما
یاری رسانند. همچنین عزیزانی
که مایل به ترجمه ادبیات کانادا
(اعم از بومیان، یا مهاجران یا
جران غالب باشند)، می‌توانند
پیشنهادهای ما برای ترجمه
را دریافت فرمایند و پس از
بررسی، در صورت تمایل و
ترجمه، حاصل زحماتشان
زین بخش هفته خواهد بود.

بزرگ شدن در ترکیه



را دنبال کند و در دریاها و اقیانوس‌ها ماجراجویی کند؟ آیا می‌تواند وارد دنیای هنر شود؟ آیا می‌تواند هم رویاهای خودش را دنبال کند و هم

اطرافیان‌ش را راضی نگه دارد؟ «نشر اطراف» در کنار بحث‌های نظری روایت، به انتشار قصه‌ها و تجربه‌های زیسته می‌پردازد و می‌کوشد نشان دهد چرا و چگونه قصه‌ها و روایت‌ها در سرنوشت فردی و جمعی ما تأثیر می‌گذارند و به این ترتیب تعامل ما را با جهان اطراف آسان‌تر و مؤثرتر می‌کنند. کتاب «بزرگ شدن در ترکیه» با ترجمه‌ی حسنا مهرمحمدی و به مبلغ ۴۶۴۰۰ تومان توسط این ناشر وارد بازار کتاب ایران شده است.



این روابط را به تصویر می‌کشد. سارا در حرفه‌ی روزنامه‌نگاری مشغول به کار

می‌شود. بخش اصلی داستان شرح سفرها و جستجوی خستگی ناپذیر او را در برحی حساسی از زندگیش بیان می‌کند. اما چرا فرزندش او را با ناملایم‌ترین واژه‌ها از خود رانده؟ نویسنده در این رمان روایتگر دفتر خاطرات زنی در بحبوحه‌ی یک انقلاب درونی است. داستانی لطیف با مایه‌ی امید، شجاعت و جنون. Simone PIUZE مدرس نثار، روزنامه نگار، مجری و بازیگر رادیو و تلویزیون و نویسنده‌ی کبکی است. او متولد مونترال بوده و تحصیلاتش را در رشته‌ی آموزش و شاخه‌ی روانشناسی در دانشگاه مونترال به پایان رسانده. پیش از این او پنج رمان دیگر نوشته و برای اولین رمانش به نام Les Cercles concentriques در سال ۱۹۷۷ برنده‌ی جایزه‌ی le prix Esso du Cercle de livre de France شد. جان مایه‌ی غالب آثار او زنان، جستجوی پدر، عشق، و فرزندان در غرب است.



رمان جذاب LA NAGE DU PAPILLON در ۵۲۶ صفحه به مبلغ ۳۴.۹۵ دلار به فرمت کاغذی و الکترونیکی در دسترس علاقمندان است.

تازه‌های کتاب کانادا:

رمان NOLLIPAPUD EGAN AL

رمان LA NAGE DU PAPILLON نوشته‌ی Simone PIUZE به تازگی توسط نشر Marcel Broquet تجدید چاپ و روانه‌ی بازار کتاب شد. این رمان ماجرای زنی شصت ساله به نام سارا است که ده سال پیش از طرف تنها فرزندش طرد شده. پسرش در ایمیلی با این مضمون: «تو گند زدی به همه‌ی زندگی من!» او را به مرز ویرانی و جنون می‌کشاند و همین آغازگر روایت این زن از بخش مهمی از زندگیش در دهه‌ی ۱۹۷۰ می‌شود. این آشفته‌گی روحی او را به سمت و سوی خرد و عشق واقعی رهنمون می‌کند. کسی چه می‌داند شاید کریستف روزی بازگردد. اما این تنها زخمی نیست که سارا با خود به همراه دارد. دردهای او با پدر همیشه غایبش پیوند خورده. او که از کودکی از فراق پدر رنج برده، در آغاز جوانی و خامی در طی سفری عجولانه به اروپا باردار می‌شود و رمان ماجرای عاشقانه‌ی



«جرئت ناامید کردن دیگران رو داری؟» این سوالی است که از گه سامانچی، نویسنده و تصویرگر کتاب «بزرگ شدن در ترکیه» از خودش می‌پرسد. از گه سامانچی با تلفیق قصه، طنز، طراحی و کاربرد خاص رنگ در این کتاب همچون دخترکی بازیگوش به گوشه و کنار زندگی خود و هم‌نسالتش در ترکیه سرک می‌کشد و با لحنی سرخوشانه، تلخی و شیرینی سال‌های بزرگ‌شدنش را در قالب اتوبیوگرافی یا خودزندگینامه‌ی مصور تعریف می‌کند. این کتاب روایت واقعی چالش‌های دختری نوجوان برای رسیدن به رویاهایش در پرتلاطم‌ترین روزهای تاریخ معاصر ترکیه است ولی سامانچی نمی‌گذارد جزئیات و تصویرهای داستانی خانه و خانواده و اطرافیان‌ش در گزارش منازعات سیاسی و مناقشات اجتماعی گم شوند. او با سبک طراحی کودکانه‌نما موفق شده در قالبی تازه تأثیر مسائل سیاسی را شخصی و ملموس کند اما تمرکز اصلی این کتاب بر مسیر زندگی دختری است که در جهان پرهیاهوی اطراف و در میان چندقطبی‌های سیاسی و فرهنگی در پی شناخت خود و پیدا کردن جایگاه و صدای خودش در دنیاست.

سامانچی، طراح و استاد دانشگاه نورث‌وسترن آمریکا که در ترکیه متولد و بزرگ شده، در اتوبیوگرافی مصورش، همزمان با روایت سفر شخصی‌اش از کودکی و دوران مدرسه به دانشگاه و بزرگسالی، بخشی از تاریخ ترکیه، شرایط اجتماعی و تنش‌های فرهنگی این کشور در دوران معاصر را روایت می‌کند. بزرگ‌شدن در سواحل دریای اژه، از گه را هم عاشق دریا می‌کند و هم عاشق زندگی ماجراجویانه. ولی پدر و مادر و جامعه‌اش انتظار دارند او مسیر قابل‌پیش‌بینی‌تری را در زندگی دنبال کند و مثل خواهرش مهندس شود. از گه سامانچی جوان، در هیاهوی قدرتمند خانواده، مدرسه و کشمکش‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی ترکیه سعی می‌کند صدای درون خودش را بشنود. آیا می‌تواند در کنار مهندسی، غواصی



شعر دو زبانه فارسی و کوردی

«فقر» از پابلو نرودا و «حس» از عمران صلاحی

فقر

ترجمه به فارسی: «هو را از من بگیر خندهات را
نه!» از احمد پوری
ترجمه به کوردی: خالد بایزیدی (دلیر)

هه ژاری

شاعر: پابلونرودا
وه رگیر: خالد بایه زیدی (دلیر)

حس

شعری از: عمران صلاحی

هوا

چنان سرد است
که سرما را حس نمی‌کنم
و زخم
چنان گرم
که درد را
کنارت می‌نشینم
دستم را گرم می‌کنم
و خاکستر می‌ریزم
بر زخمم

«هه ژاری»

تونات وی
تو ترساوی
له هه ژاری!...
تو نات وی
هه نگاوینی ی شه شام به پیلای کون
وه برویته وه ماله وه
به هه مان کراس
خوشه ویسته که م
ئیمه به وشویه یه ی که ده وله مه ندکان ده لین
به دبه ختی وچاره ره شیمان خوش ناوی
ئیمه هه ژاریمان
وه ک ده دانیکی رزیوو
که تاکوو نه ورو برینی ئینسانی کولاندوته وه
ده ری ده هینین وفریی ده ده ین
به لام!

نامه ویت بترسیت

نه گه ره هوی منه وه هه ژاری بیته ماله که ت
نه گه رهه ژاری پیلای بلورینت له گه ل خوی ببا
بهیله هه مووشتیک له گه ل خوی ببا
به لام!

پیکه نینه کانت نا... که نانی ژپانه

نه گه رناتووانی کری ی مال بره ی

به دلیکی پرله غروره وه

به دوا ی ئیش بگه ری

ده له بیرت بی ...ئه وینی من

که من له گه ل تووم

ئیمه له گه ل یه ک گه وره ترین سه روه تین

که له سه ر زه وی کوومان کردوته وه

شعیر یکی عمران صلاحی

وه رگیر: خالد بایه زیدی (دلیر)

«هه ست»

که ش وهه وا
وه ها
ساردوسره
که هه ست به سه رماناکه م
وه برینم
هینده گه رمه
که به نازار...
له به رامبه رت دانه نیشم
وه ده سته کانم
گه رم نه که مه وه
ژپله مو نه ریژمه سه برینه کانم

اما نمی‌خواهم وحشت کنی.

اگر به خاطر من فقر به کلبه‌ی تو بیاید،

اگر فقر کفش بلورین تو را با خود ببرد،

بگذار همه چیزی را با خود ببرد،

اما خندهات را نه، که نان زندگانی است.

اگر نمی‌توانی اجاره را بپردازی

با قلبی پر غرور به دنبال کار برو،

و به یاد داشته باش، عشق من، که من با توام

ما با همدیگر بزرگ‌ترین ثروتی هستیم

که بر روی زمین انباشته است



قطره‌های پاک در گندابِ ضد هنر

نگاهی به حضور امنیتی‌ها در سینمای ایران

و در ازای مبلغی مبادرت به پخش برنامه‌ی تلویزیونی در این شبکه‌ها کنند که ظاهراً با فراز و نشیب تاکنون ادامه دارد. از سوی دیگر با گسترش اینترنت و فضای مجازی پس از چندی به مرور زمان VOD مخفف Video On Demand (برنامه ویدئویی درخواستی ضبط شده) شکل گرفت و سریال‌سازی و ساختن تله‌فیلم و پخش آن‌لاین رواج پیدا کرد. اکنون سانسور در کمترین سطح در شبکه خانگی و VOD و بالاترین آن در صدا و سیما رواج دارد. مسئولین صدا و سیما تلاش می‌کنند شبکه‌ی خانگی را هم زیر سلطه‌ی خود بکشند و دادن مجوز به فیلم‌ها و سریال‌هایی که در این شبکه پخش می‌شوند را هم به دست بگیرند. تاکنون مجموعه‌های توقیف شده مانند «سرزمین کهن (مادری)» (کمال تبریزی) با تمام اصلاحات و بازسازی‌هایش در این شبکه به نمایش در نیامده است.

ابعاد بسیار گسترده و فاجعه‌بار تثبیت شد. پس از پایان جنگ با گسترش تکنولوژی ماهواره‌ای و ورود برنامه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای سطح دیگری از سانسور شکل گرفت و با پارازیت از یک سو و ساختن یا کمک کردن به گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای غیرسیاسی که تنها ارزش سرگرمی داشتند، بدون ممیزی و سانسورهای رایج، راهی شد برای تبلیغات تجاری. شبکه‌های ماهواره‌ای و برنامه‌های سیاسی وابسته غلط‌انداز هم راه دیگری شد برای ایجاد آشفتگی در فضای سیاسی داخل و خارج از ایران. فوریه ۲۰۱۳ (میلادی) کنگره آمریکا، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران را به دلیل ارسال امواج پارازیت بر روی ماهواره، مشمول تحریم پخش برنامه‌های ماهواره‌ای اعلام کرد. صدا و سیما هم بی‌سر و صدا شرکتی تاسیس کرد برای این که با تمام شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای تماس بگیرند

سانسور و ممیزی در هنر و ادبیات با هم وارد ایران شدند و همیشه کم و بیش در کنار هم وجود داشته‌اند. نخست سانسور و ممیزی معیارهای سیاسی و اخلاقی کم و بیش مشخصی داشت و قابل چانه‌زنی بود هر چند همان هم خسارت‌های زیادی به هنر و ادبیات زد زیرا توانست به مرور زمان اصلاح شود و کاهش پیدا کند. در سال‌های دهه شصت که جمهوری اسلامی توانست بر مخالفان خود چیره شود، در شرایط جنگی و خفقان موجود ابعاد سانسور گسترده شد و با حذف صدا و تصویر زنان و تحمیل حجاب اجباری و حتی ممنوع شدن نمایش ادوات موسیقی ابعاد بزرگی تری پیدا کرد. با شکل‌گیری دوباره‌ی فضای نمایشی درجه سانسور نسبت به گسترش آن رسانه در بین مردم تغییر کرد بدین صورت که در تئاتر کم‌ترین، در سینما متوسط و در تلویزیون در



هر چند تفاوت ماهوی چندانی بین وزارت ارشاد جمهوری اسلامی و صدا و سیما نیست و همه‌ی این‌ها برای این است که با ایجاد تنوع کاذب اصل سانسور و ممیزی برقرار بماند.

سانسور به شیوه‌ی جدید از همان روزهای نخست سرکار آمدن «جمهوری اسلامی» در سال ۱۳۵۷ کم و بیش شروع شد و با جا افتادن جمهوری اسلامی در سال ۶۰، سانسور در ابعاد مختلف ادامه پیدا کرد و صدمات فراوانی به سینما و هنر ایران زد. متأسفانه درک این که سانسور چقدر می‌تواند خانمان برانداز باشد در بین فیلم‌سازان مستقل دیر اتفاق افتاد حتی شخصیت برجسته‌ای مانند عباس کیارستمی در ویدیوی کوتاهی بعد از دریافت جایزه نخل طلای کن ۱۹۹۷ برای «طعم گیلاس» از فضیلت‌های ناخواسته‌ی سانسور صحبت می‌کند که موجب خلاقیت می‌شود. اما کسانی مانند امیر نادری از همان آغاز با ترک جمهوری اسلامی و رفتن به امریکا و فیلم‌سازی در آن‌جا عطای خلاقیت تحت سانسور را به لقای سانسور بخشید و به فیلم‌سازی آزاد روی آورد. چندی پیش هم عبدالرضا کاهانی راه فیلم‌سازی برای رهایی از سانسور را در پیش گرفت و ضمن ساختن چند فیلم در کشورهای مختلف از جمله کانادا عملاً این راه را آزمود و در مجله هفتگی صحنه در رادیو فردا طی گفت‌وگویی با بابک غفوری‌آذر در ۲۱ آبان مطلب روشنی در این زمینه عرضه داشت و صریح و روشن مطالب جالبی گفت از جمله: «باید جلوی قوانین ظالمانه ایستادگی کرد... به هر قانونی نمی‌توان احترام گذاشت...»

اگر دوباره در ایران فیلم بسازم، با مجوز وزارت ارشاد و مطابق معیارهای سانسور حکومت نخواهد بود... سینمای ایران الان به افراد مبارز نیاز دارد... باید زودتر از ایران خارج می‌شدم.»

سانسور تا وقتی دست نیروهای حکومتی باشد کمترین صدمه را می‌زند اما وقتی پای نیروهای امنیتی به میان کشیده می‌شود ابعادهای آن دست‌خارج می‌شود. هر چند از همان روزهای نخست پیدایش سانسور جدید نیروهای امنیتی حضور داشتند اما حضور و تاثیر ویرانگرشان از جایی شروع شد که فقط نمی‌گفتند این صحنه را بردارید یا حجاب آن چنان باشد می‌گفتند اینگونه فیلم بسازید تا سیاست‌های نظام را تبلیغ کنید.

مانی جعفرزاده که در ۱ تیر ۱۳۵۷ در تهران متولد شد. او موسیقی‌دان، آهنگساز، نویسنده و منتقد ایرانی است و عضو هیئت داوران هجدهمین و نوزدهمین جشن سینمای ایران نیز بوده است. چندی پیش در مصاحبه‌ای تصویری با «سایت موزیک‌ما» توضیح می‌دهد که چگونه ورود نیروهای امنیتی در نیمه دوم دهه هفتاد موجب ویرانی سینمای ایران شده و سانسور دیگر فقط این را بردار یا آن را بگذار نیست، سانسور تبدیل شده است به ابزار حکومتی برای فیلم‌سازی حکومتی و جناحی و می‌گوید چون به عنوان داور تمام فیلم‌ها را دیده است تا در مورد موسیقی آن داوری کند مشکل از این و آن نیست کل سینمای ایران فروپاشیده است و هنرمند را تبدیل به تکنسین محض کرده است. او به روشنی نمی‌گوید اما به‌طور مشخص دارد با اشاره به «مسعود کیمیایی» و فیلم «سلطان» در مورد سعید امامی و مرتضی قبه (مرتضی اصفهانی) که سال‌هاست در پس بسیاری از فیلم‌ها حضور دارند صحبت می‌کند. البته این‌ها تنها نیروهای امنیتی نیستند و ده‌ها نیروی امنیتی دیگر و شرکت‌های تأسیس شده هستند که مشغول این کارند. مانند «سازمان هنری رسانه‌ای اوج» که خود را مؤسسه‌ای خصوصی می‌داند اما بنا به گفته «محمداحسان محمدحسینی» مدیرعامل آن، هزینه و اعتبارات تولیدات آن با حمایت سپاه پاسداران تأمین می‌شود. بسیاری از فیلم‌ها و سریال‌های امنیتی که به روشنی امنیتی بودن

خود را نشان می‌دهد صد در صد و فیلم‌های نامشخص از ده درصد به بالا از این موسسات پول و بودجه می‌گیرند و به شکل‌های مختلف سیاست‌های نظام را تبلیغ و ترویج می‌کنند. در مرداد ماه امسال، ۱۳۹۹، سازمان سینمایی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران «گواهی مالکیت» ۱۰۲۹ فیلم سینمایی بعد از انقلاب را منتشر کرد که بر مبنای آن مالکان و سهامداران این ۱۰۲۹ فیلم براساس اسناد ثبت شده در وزارت ارشاد معرفی شدند. پرده‌های بسیاری فرو افتاد که ممکن است به دلیل دعوای جناحی باشد اما به هر حال اطلاعات مستند و معتبری است.

برای نمونه و تنها یک نمونه می‌توان به فعالیت‌های مرتضی قبه اشاره کرد. از سال ۹۶ شرکتی به نام «قدرا سرزمین ایرانیان» تأسیس کرده است و حضور خود را گسترده‌تر ادامه داده است. او با نام مستعار مرتضی اصفهانی از همکاران سعید امامی معاون امنیت داخلی پیشین وزارت اطلاعات بود و در سال‌های اخیر به عنوان مشاور تولید و همکار فیلمنامه‌نویس در ساخت فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی بسیاری مشارکت و همکاری داشته است. در سریال‌های «تعبیر وارونه یک رویا» (فریدون جیرانی)، «خانه امن» (احمد معظمی)، «پازل» (ابراهیم شیبانی) و فیلم‌های سینمایی مانند «روبه» (بهرروز افخمی)، «امکان مینا» (کمال تبریزی)، «بادیگارد» (ابراهیم حاتمی‌کیا)، «سیانور» (بهرروز شعبی)، «ماجرای نیمروز ۱ و ۲» (محمدحسین مهدویان)، «شی که ماه کامل شد» (نرگس آبیاری) و «روز صفر» (سعید ملک‌ان) آثاری هستند که نام مرتضی اصفهانی در تیتراژ آن‌ها با سمت‌های مختلفی چون نویسنده یا مشاور و همکار فیلمنامه دیده می‌شود.

فساد و رانت‌خواری پیش از این طرح شده بود و در پرونده‌هایی مانند بابک زنجانی و محمد امامی که هنوز ادامه دارد به اندازه کافی در مورد آن صحبت شده بود اما در مورد حضور نیروهای امنیتی و تخریبی که به سینما وارد کردند کمتر صحبت شده بود و با افشاگری‌های اخیر در داخل ایران و گاه هنرمندانی که در خارج از ایران هستند ابعاد تخریبی این حضور بیش از پیش مشخص و گسترده می‌شود.

اکنون بسیاری از هنرمندان ایرانی به روشنی اعلام می‌کنند که سینمای ایران ویران شده است و چیز چندانی از آن نمانده است و البته این بدین معنا نیست که فیلم خوب یا متوسط ساخته نمی‌شود اما همیشه با قطره‌هایی زلال روبه‌رو هستیم در مردابی تیره و این مرداب تیره است که قطره‌های زلال را فرو می‌بلد.

عبداله
صفوی

Abdollah
SAFAVI

Financial Security Advisor
Investment Representative

مشاور امنیت مالی
نماینده سرمایه‌گذاری

مالیات کمتر
پس انداز بیشتر
سرمایه گذاری مناسب تر
همگی در یک ظرف

مشاوره رایگان

Mobile: 514-467-8491
Office: 514-931-4242 ext. 2567
abdollah.safavo@fl55.com
mqsf.ca

mqsf.ca

mqsf.ca



canada life

Freedom 55
Financial
A Division of Canada Life Insurance Company

QUADRUS
Quadrus Investment Services Ltd.

صرافی رویال

با مدیریت فرخ سرشت

ROYAL EXCHANGE
SERVICES

خرید و فروش ارز را با ما تجربه کنید

ارسال ارز به ایران و بالعکس

در سریع ترین زمان ممکن با بهترین نرخ

امکان استفاده از کارت های بانکی ایران
جهت فروش ارز

جنب فروشگاه اخوان

6162 SHERBROOKE W.
MONTREAL H4B 1L8

(514) 836-7090
(438) 686-4448





حامد ملکی

Hamed Maleki



مشاور رسمی مسکن در استان کبک



خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
تهیه و کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ
ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید

(514) 5571929

hamedmalekirealsate

Vendirect
REALTY INC.

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی



**CONSTRUCTION
AMAJ inc**

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01



- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل به همراه کلیه لوازم
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای یونیت شیشه‌ای حمام
- اجرای عایق بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعمیر، تعویض و اجرای پلی استر
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش با سیستم مدرن و کم مصرف



(514) 942-9969

www.amajco.ca

**طراحی، بازدید و
برآورد رایگان**

نیوشا ریاحی
Niousha Riahi

وکیل رسمی دادگستری کبک

Riahi Legal

- حقوق تجاری در کانادا
- حقوق خانواده در کبک
- طرح دعاوی و دفاع در دادگاههای کبک
- مهاجرت به کانادا

آدرس: در مرکز مونترال و نزدیک ایستگاه متروی مک گیل
2001 Blvd. Robert Bourassa Suite 1700
Montréal (Québec) H3A 2A6

☎ 514-953-3570

00982122019631 دفتر تهران
00989912535922 riahi@riahilegal.com riahilegal.com

امیر ندیمی

مشاور بیمه
Damage Insurance Broker

امیر ندیمی به عنوان مشاور مستقل در امور

- بیمه تجاری
- بیمه منزل
- بیمه اتومبیل

می تواند بهترین شرکت را از میان شرکت های متعدد برای مشتریان خود برگزیند



Commercial insurance
Dwelling insurance (Buildings, home, condo, apt)
Vehicle Insurance: Auto, Motorcycle etc



☎ 514 - 600 - 2338
www.AmirNadimi.com
@AssurancesNadimi
1955 Ch. de la Cote-de-Liesse, suite 201
Siant-Laurent, QC, H4N 3A8

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca

(514) 844 - 4492

مهرداد مرادخانی

مشاور وام مسکن



با بهترین نرخ بهره و در سریع ترین زمان و مکان مورد نظر شما

- کش یک تا سقف 3000 دلار برای خرید خانه یا انتقال وام مسکن فعلی و تضمین بهترین نرخ بهره مورگیج در مارکت
- بهترین زمان برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر و اخذ کمترین نرخ بهره
- هزینه محضر هدیه ما به شما برای انتقال مورگیج از موسسات مالی دیگر
- برای پرداخت پناستی انتقال در کنار شما خواهیم بود
- پروموشن کش یک پنج درصدی بانک CIBC

Email: mehrdad.moradkhani@CIBC.com
Toll-free: +1-866-262-1037
Cell: 514-834-8053
mehrdad.cibc



Top 100 in Canada 2020

هیس! بابا خواب است
گفتوگوی پاشا جوادی با خاطره خدایی

گفتوگوی هفته



عباس کیارستمی و خاطره خدایی
در یکی از سفرها

هیس! بابا خواب است

گفت‌وگوی پاشا جوادی با خاطره خدایی

جریان سفرها چه بود؟ فکر می‌کنم مجموعه‌ی زیادی از سفرهاست.

بله ده سال سفر! جریان سفرها از این قرار بود که ساعت شش صبح جلوی خانه کیارستمی قرار داشتیم، حمیده یا هرکس دیگری که قرار بود رانندگی کند می‌آمد. هدف از سفرها در واقع عکاسی آقای کیارستمی بود و ما فقط همراهی می‌کردیم و هیچ مقصد خاصی هم نداشت. در کل قرار نبود به جای به خصوصی برسیم، فقط قرار بود در جاده باشیم و مدام منظره جدید ببینیم.

فیلم گرفتن از این جریان به چه صورت بود؟

فیلم گرفتن به این صورت بود که من و حمیده اصلاً دوربین‌هایمان روشن بود. او که بیشتر رانندگی می‌کرد، تنها شرطمان این بود که دوربینمان مزاحم آقای کیارستمی نشود. من هم که روی این موارد بسیار حساسم و خیلی مواظب بودم که تکان اضافی نخورم. حمیده کمی جسورتر بود، جرئتش را داشت. گاهی هم تذکر می‌گرفت ولی مشکلی نداشت، ولی من نهایت احتیاط را می‌کردم چون درک می‌کردم چه می‌گوید. خودش هم می‌گفت وقتی که طرف متوجه می‌شود داری از او فیلم یا عکس می‌گیری داستان را از حالت مستند خارج می‌کنی. ولی در کل هدف خاصی را دنبال نمی‌کردیم و در همان لحظه نمی‌دانستیم با ما مستند کردن این لحظه‌ها چه می‌خواهیم بکنیم.

پاشا جوادی: تو همیشه پر از ایده‌های تازه هستی و شاید یکی از مشکلاتت این باشد که کدام را انتخاب کنی. چه شد که «هیس! بابا خواب است» را انتخاب کردی؟

خاطره خدایی: حمیده، آقای کیارستمی و پدرم هر سه پشت سر هم فوت شدند که من اسمش را فوت‌های زنجیره‌ای گذاشتم. بعد از آن دو سال بسیار تاریک را گذراندم. تا به این نتیجه رسیدم که راه‌حل می‌تواند فیلم ساختن باشد. رفتن سراغ فیلمهایی که از آقای کیارستمی داشتیم سخت بود،

خیلی از دوستانی که در تشکرها اسمشان آمده تنها کاری که کردند این بود که آمدند کنار من نشستند تا من جرأت کنم فقط راش‌ها را نگاه کنم (البته که همین کارشان بسیار باارزش بوده). با نگاه کردن به آن‌ها به این نتیجه رسیدم که می‌خواهم خروجی آن پکیجی باشد که زکات این سال‌های پای درس استاد نشستن باشد. آقای کیارستمی می‌گفت «تو در یک کارگاه دائمی هستی».

همین‌طور که می‌بینید فیلم با تصویری شروع می‌شود که باقی داستان حول آن می‌چرخد. فکر کردم اگر بخواهیم برویم دنبال کیارستمی و خلاصه بگم چی بود چی بگم و به «هایکو» رسیدم.

یکشنبه ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ «کافه لیت» میزبان یک نشست و گفت‌وگوی سینمایی بود.

پاشا جوادی مجری این برنامه آنلاین و خاطره خدایی کارگردان فیلم «هیس! بابا خواب است»، میهمان نشست بود.

فیلم درباره هایکو و عباس کیارستمی ساخته شده است.

فیلم «هیس! بابا خواب است» در سایت هاشور www.Hashure.com در دسترس است.

درباره خاطره خدایی: «خاطره خدایی» دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد رشته مطالعات فیلم و سبک و زیبایی‌شناسی در سینمای عباس کیارستمی و نگارگری ایرانی از دانشگاه کنکوردیا است.

بعد از آن در دانشگاه پاریس ۸، در رشته فیلم و در مورد تأثیر کانون پرورش‌ی کودکان و نوجوانان روی سینمای هنری ایران ادامه داد اما به گفته خودش فیلم‌سازی را با عباس کیارستمی شروع کرد. او شش فیلم کوتاه و دو فیلم بلند ساخته است.

پاشا: یک لحظه کنجکاو شدم بدانم این تذکری که در موردش صحبت کردی به چه صورت بود؟
مثلاً با تشریح می‌گفت: نگیر یا زود بگیر دیگه! یک هایکو هست که در فیلمم راجع به آن صحبت می‌شود که می‌گوید: «شش لبخند تصنعی، به ثبت رسید، در یک عکس یادگاری». واقعاً معتقد بود که چنین چیزی دیگر ارزش مستند ندارد، اگر قرار باشد از حالت طبیعی خارج شود.

مثل اینکه در فیلم قرار بود از بین یک تعداد هایکو بهترین‌ها و بدترین‌ها را انتخاب کنید؛ درست است؟

بله آن دموی کتاب «باد و برگ» آقای کیارستمی است و آنجا داریم از روی دموی کتاب انتخاب می‌کنیم که کدامشان برای چاپ برود.

چه شد که میان این همه هایکوهایی که در آنجا دوره می‌کردید قرعه به نام «هیس! بابا خواب است.» درآمد؟

این هایکو را که خواندم، گفتم که این خیلی جالب است و درونش حرف‌های زیادی دارد. پرسیدند می‌تواند اسم کتاب باشد؟ گفتم چرا که نه ولی... زمانی که راش‌ها را دیدم گفتم حالا که این اسم را داریم و حالا که آقای کیارستمی در جسم نیستند و حالا که با آن می‌شود خیلی حرف‌ها زد، فکر کردم که مناسب است برای اینکه این بازی را با آن بکنیم.

خیلی جاهای فیلم، می‌شود گفت بیشتر جاهای فیلم موسیقی ندارد. ولی در جایی که موسیقی وجود دارد موسیقی «ای ایران» است و در واقع بخش‌های زیادی هم موسیقی‌های اصیل ایرانی مثل بنان کار شده است!

بله اما این ترانه‌ها روی کار نیامده در واقع موسیقی است که در ماشین پخش می‌شود و همه ما داریم با آن می‌خوانیم. بنان خواننده موردعلاقه کیارستمی بود، دوستش داشت و زیاد گوش می‌دادیم. ولی راجع به سکوت باید برایتان بگویم که مشاور موزیک من پیمان یزدانیان بود همین‌جا از ایشان تشکر می‌کنم. چه در این پروژه و چه در پروژه‌های قبلی چیزهای زیادی از او یاد گرفتم.

در جایی پیمان به من گفت: «که سکوت نئی است که ما آن را می‌نویسیم و تو داری می‌گویی «هیس! باب خواب است.»، من حرفش را متوجه شدم و پذیرفتم. از این تصمیم راضی هستم و احساس می‌کردم کار شیک‌تر شده و به آن چیزی که در نظرم بود نزدیک‌تر شده است. از طرفی شاید در ذوق بیننده بزند چون دقیقاً در همان لحظه انتظار موسیقی دارد ولی سکوت محض است. برای من این هم بود که آقای کیارستمی در جسم نیستند و یک دقیقه در فیلم سکوت مطلق به احترام ایشان لازم است.

آیا آقای کیارستمی اصلاً آن موقع در شما می‌دید که فیلمی در ارتباط هایکو کار کنید، چون یادم است این پروژه هایکو و کیارستمی چیزی بود که تو خیلی قبل‌تر روی آن کار کرده بودی!

بله سال ۲۰۰۷ بود، چون در دانشگاه کونکور دیا باید در این مورد صحبت می‌کردم و موضوعی بود که خودم برای یکی از درس‌هایم انتخاب کرده بودم. آن سال‌ها من راجع به هایکو برای کیارستمی کار کرده بودم او هم در جریان بود. ولی هیچ‌وقت فکر نمی‌کردیم که این‌طور پیش برود؛ یعنی من فکر نمی‌کردم. ولی آقای کیارستمی همیشه پروژه‌های من را جلوتر می‌دانست و مثل همه استادها که مواردی را زودتر راجع به شاگردهایشان متوجه می‌شوند معتقد بود که «به فرمان خدا، هر زمان میوه خودش را می‌دهد» و باید صبر کنیم تا آن لحظه برسد.

حتی روزهای آخری قبل از اینکه به بیمارستان بروند یک‌بار با هیجان راجع به هایکوها با من حرف زدند. خیلی برای من عجیب بود و فکر می‌کردم چرا کیارستمی وقتی راجع به هایکو صحبت می‌کرد این‌قدر هیجان‌زده بود! یکی دو بار دیگر هم در آن روزها به یاد این برخورد ایشان افتادم ولی باز هم متوجه نشدم. تا اینکه وسط کار کردن این فیلم بودم یک‌دفعه پیش خودم گفتم: اوه ظاهراً او بهتر می‌دانست! همه‌چیز مثل اخلاق خود آقای کیارستمی در حد بازی بود و متوجه نمی‌شدیم که چه موقع شکل می‌گیرد و به این صورت ظاهر می‌شود.

فیلم با این مضمون شروع می‌شود که عباس کیارستمی شاعر بود. به هر حال بخش زیادی از متنی که راوی آن هستی شعر هست. این شاعر بودن آقای کیارستمی را چطور برای ما تفسیر می‌کنی؟

به نظر من عباس کیارستمی شاعر بود. به خاطر اینکه وقتی عکس می‌گرفت شاعر بود، وقتی نقاشی می‌کرد شاعر بود و وقتی زندگی می‌کرد یا پاستا برات درست می‌کرد شاعر بود. به خاطر اینکه این کیفیت شاعر بودن در کیارستمی وجود داشت. چون این عباس کیارستمی بود که گفت دوربین رو بگذار ببینیم این سایه چطور بالا می‌رود در صورتی که ما همه بی‌تفاوت از کنار آن سایه رد می‌شدیم.

فیلم‌هایش هم شاعرانه بود. به نظر من هر کاری که می‌کرد شاعرانه بود. جمله دوم هم گفته خودش بود: «گاهی مرتکب شعر می‌شوم.» صالح نجفی که مشاورم بود و یکی از کسانی بود که خیلی به پروژه کمک کرد و همین‌جا از او هم تشکر می‌کنم یک‌بار گفت که خیلی‌ها به تو اعتراض خواهند کرد راجع به جمله اول و اینکه آقای کیارستمی را به‌عنوان کسی شعر می‌نویسد نمی‌دانند. و با همدیگر که گپ زدیم به این نتیجه رسیدیم که یکجایی این جمله خودشان

را بیاورم؛ چه بهتر که همان ابتدای کار باشد.

داستان آشنایی تو با سینمای کیارستمی چیست؟ من در ابتدا هم گفتم ما می‌دانستیم که تیز فوق‌لیسانس تو روی سینمای کیارستمی بود، ولی قاعدتاً این شروع آشنایی تو با سینمای کیارستمی نبوده است.

در دهه بیست‌ونهم زندگی‌م، یکی از شعرهایش را خواندم و یک‌دفعه منقلب شدم. یادم است که تا دو روز با کسی صحبت نمی‌کردم. به خودم گفتم اگر سهراب را در زندگی‌ات ندیدی باید کیارستمی را ببینی. تصمیم گرفتم دوباره فیلم‌هایش را ببینم و نشستم همه فیلم‌ها را دیدم. یادم است از خوشحالی روی تخت غلط می‌زدم که پیدا کردم. پیدا کردم. سال‌های سال از این مسئله گذشت و رشته من از مهندسی کامپیوتر به فیلم تغییر کرد، همیشه می‌دانستم که اگر قرار باشد سینمای داستان‌گوی همیشگی باشد این رشته من نخواهد بود. ولی فکر اینکه عباس کیارستمی یک روزی صمیمی‌ترین دوست من شود را نمی‌کردم.

اما اینکه چطور با خودشان آشنا شدم! با خودش این‌گونه آشنا شدم که یک روز در مونترال زیر کرسی نشسته بودم و داشتم فکر می‌کردم چقدر پیتر پیتریست مناسب است برای داور جشنواره فجر شدن، یک ایمیل به امیر اسفندیاری زدم و پیتر را معرفی کردم. آن‌ها هم فوری استقبال کردند و قرار شد به ایران بیاییم. پیتر، کیارستمی را می‌شناخت و من از طریق او با آقای کیارستمی آشنا شدم.

من در این فیلم یک طنز خاصی در عباس کیارستمی دیدم که در بقیه فیلم‌هایش حس نکرده بودم. آیا این اشتباهی است که از فیلم تو گرفتم یا از فیلم‌هایش!

نه واقعاً همین‌طور است. بسیار آدم طنزنازی بود. مسئله همین تفاوت است؛ وقتی مصاحبه با او می‌کنی تا اینکه نزدیکش باشی و او را بشناسی! من تمام تلاش‌م این بود که بیننده با ما در ماشین هم‌سفر شود و کیارستمی را همان‌طور که هست و با همین طنزهایش بشناسد. در واقع آقای کیارستمی در زندگی معمولی هم همین‌طور بود؛ موجودی شوخ‌طبع. جمله‌هایی که در فیلم می‌شنویم: خدایا چقدر روزگار قشنگه، به‌به به‌به چقدر ما حالمون خوبه! همه این جملات مدام در طول روز از ایشان شنیده می‌شد.

تکه‌هایی از فیلم، کلاژی از مجموعه فیلم‌های آقای کیارستمی بود. این کلاژ را چطور جمع‌آوری کردید؟ چون به نظر من خیلی مشکل می‌شود یک مجموعه‌ی عظیمی از فیلم‌ها را کلاژ کرد!

این یک ژانر در سینما است که تو می‌توانی از تکه‌های فیلم‌های یک نفر دیگر یک فیلم بسازی.

چراغ را روشن کنم و منفی‌ها را هم بخونم.

دارم فکر می‌کنم که انتخاب کارهای منفی از آقای کیارستمی چه کار سختی می‌تواند باشد؟

بله واقعاً هم سخت بود. در فیلم هم می‌گوید: «که منفی‌هاش بیشتر به در من می‌خوره». مهم این نبود که انتخاب‌های منفی واقعاً بیشتر به درد آقای کیارستمی می‌خورد، مهم این بود که من این جمله را از زبان این استاد بزرگ به‌عنوان شاگرد بشنوم و این موضوع به من خیلی چیزها یاد داد.

چیزی که از هایکو به‌مثابه یک مفعول همیشه برای من جذاب بوده این است که انگار در ارتباط با یک مرشد است. مثلاً این را در پاسخ‌های خیلی غیرقابل‌انتظار صوفی‌ها می‌بینیم. وقتی که یک سؤال پیچیده‌ای می‌پرسیم و یک خط خیلی ساده در پاسخ می‌گیریم که انگار هیچ ربطی به سؤال ندارد. در حالی که اصل جواب شاید در همین خط بدون نتیجه‌گیری است. این موضوع را در روانکاوی هم داریم. روانکاو هم دقیقاً جایی نگاهت می‌دارد و موضوعی را مطرح می‌کند که هیچ ربطی به تداعی آزاد آن لحظه ندارد. آیا حس می‌کنی که در این هایکوها با کسی مثل عباس کیارستمی چنین حسی را دریافت کردی؟

قطعاً این‌طور بوده است. من هرچه این فیلم‌ها و راش‌ها را می‌بینم و هرچه بزرگ‌تر می‌شوم بیشتر برای آقای کیارستمی احترام قائل می‌شوم و متوجه می‌شوم برای اینکه ما با ارتباط برقرار کند سعی می‌کرد در سطحی باشد که بتوانیم ارتباط برقرار کنیم. ولی بسیار آدم متفاوتی بود و واقعاً استادی کرد. قطعاً این می‌تواند نوعی نگاه از یک استاد بزرگ باشد و هرکسی نمی‌تواند چنین نگاهی داشته باشد؛ توقع نداشتن، بی‌قضاوت بودن، در این لحظه زندگی کردن، دلت همان‌جایی باشد که هستی، چیزی خارج از این‌جایی که من هستم وجود ندارد، همه‌چیز درون تو است، تو مرکز همه‌چیز هستی، این‌ها همه از یک استاد بزرگ می‌آید که یک نگاه هایکووار دارد.

آقای کیارستمی یک مجموعه از شعرهای قدیمی و کلاسیک ایرانی هم دارند که در واقع به‌نوعی آن‌ها را هم هایکووار بیانشان کردند!

بله این لفظ هایکووار را خودم ساختم و آن را در فیلم هم قرار دادم. بله این خیلی جالب بود.

خیلی هم به خاطر این مجموعه نقد شدند! خیلی هم به این دلیل نقد شدند. در واقع نگاه آقای کیارستمی همان چیزی است که در فیلم توضیح دادم. اولین بار برای من توضیح دادند که این شعر سعدی را تصور کن «سرو بالای به صحرا می‌رود»

پاشا جوادی، یکی از بنیانگذاران کافه لیت. پاشا جوادی در ۱۸ اکتبر ۲۰۲۰ با خاطره خدایی درباره «هیس! بابا خواب است» گفت و گو کرد



سؤالی که وجود دارد این است که هایکو چه تفاوتی دارد؛ یعنی چه چیزی «هیس! بابا خواب است.» را به‌عنوان یک هایکو متفاوت می‌کند، با کسی که صریح و با غضب به بچه‌اش می‌گوید: هیس بابا خوابیده...؟!

این همان بحث همیشگی است که می‌گوید هر چیزی را برید داخل موزه آیا به هنر تبدیل می‌شود یا نه. اگر به ذهنت برسد که این جمله معمولی می‌تواند یک شعر باشد چرا که نه؟ برای همین می‌گوییم هایکو درک اتفاقات روزمره است. ظرافت و حس نگاه کردن به همان چیز معمولی است که در روز اتفاق می‌افتد و می‌شنوی و می‌بینی و حس می‌کنی؛ فقط همین؛

یعنی یک برش از زمان که رنگ و بو و حس و حال و هوایی برای تو می‌آورد که مختص خودت است. مثلاً وقتی می‌گوید در حیاط خلوت خانه‌ام یک چهارپایه شکسته! این یک تصویری برای تو می‌سازد که ممکن است تو را شاد کند یا غمگین یا تو را به زمان بچگی ببرد. هر اتفاقی معمولی در طول روز می‌تواند تبدیل به یک هایکو شود.

مثلاً از تو بترس نمی‌شود هیچ‌وقت یک هایکو درآورد؟

چرا اتفاقاً همین «هیس! بابا خواب است.» در شرایط امروز می‌تواند بهترین هایکو توییتری باشد چون واقعاً همین‌طور است. ولی حالت سنتی آن معمولاً راجع به طبیعت بوده و اینکه به‌صورت کلی در هایکو سعی می‌شود که قضاوت و حس، خیلی دخیل نباشد. مثلاً از یک چیز تعریف نمی‌کنیم یا صفتی روی چیزی نمی‌گذاریم. اصولاً آنچه هست را در اختیار تو قرار می‌دهند و بعد تو باید حس خودت را دریافت کنی. اگر بخواهیم کمی خلاصه بگوییم تفاوت هایکو چیست: نگاه بدون قضاوت به یک لحظه.

کنجاکو بودم ببینم آن بدترین‌های که قرار بود از کارهای کیارستمی انتخاب کنی چطور شد؟

اتفاقاً خیلی بامزه بود. آن روز تا شب که برگردیم من مدام از این داستان در رفتم. بارها از ایشان پافشاری و از من انکار. خلاصه ناچار شدم در تاریکی ماشین

این ایده‌ای بود که من و آقای کیارستمی بیشتر از هایکو راجع به آن صحبت کرده بودیم و قرار بود که من یک فیلم با فیلم‌های آقای کیارستمی بسازم. وقتی بار اول این پیشنهاد را با ایشان مطرح کردم خیلی استقبال کردند.

اینکه سختی این کار چطور برای من راحت شد! به خاطر همان مقاله‌ای بود که سال ۲۰۰۷ نوشته بودم. تحقیقاتی که این همه سال روی کارهای آقای کیارستمی انجام داده بودم. در واقع آن مقاله دوازده صفحه‌ای را به دو صفحه تقلیل دادم. همان متنی که الان در فیلم می‌خوانم و به جایش معادل تصویری گذاشتم.

صحبت سر عباس کیارستمی و فیلم هایکو است، سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که چرا هایکو؟

اول فیلم توضیح دادم که هایکو یک جور نگاه است بعد گفتم در واقع هایکو فقط نگاه کردن است. اگر الان مصاحبه‌های آقای کیارستمی را نگاه کنیم می‌بینیم آدمی است که در لحظه زندگی می‌کند. در هایکو است که بهتر از هر چیزی می‌توانی این تعریف را نشان دهی. هایکو یک نگاه، یک منش و یک کیش و آیین است. اینکه چطور می‌شود با مسائل عادی و روزمره حال کنی، زندگی کنی و اینکه همه آن حس خوب و خوشحالی را در همین لحظه می‌توانی داشته باشی. این دقیقاً یک نگاه هایکووار است. نگاهی که خیلی به فلسفه شرق دور و یک نگاه عارفانه نزدیک است.

این یک تصویر کامل است و هیچ نیازی به چیز دیگر ندارد. هر چیزی که من به آن اضافه کنم در واقع دارم حس تو را محدود می‌کنم، پس طبق این تعریف واقعاً هیچ نیازی به مصرع بعدش که می‌گوید: «قامتش بین به چه زیبا می‌رود» ندارد. بعد توضیحشان این بود که نسل‌های آینده حوصله قصیده و غزل را ندارند و به خاطر همین هم مدام دارند از داستان دور می‌شوند. بهتر است یک شاه‌بیت را به‌عنوان عصاره آن در اختیارشان قرار دهیم که شاید نوش جان کنند و عصاره‌ای از آن را بگیرند.

قبل از همه صحبت‌ها اینکه آقای کیارستمی به هیچ‌کس و هیچ‌چیز فکر نمی‌کرد به غیر از بازی‌ای که در آن بود و لذتش را می‌برد. می‌دانست که این در واقع راهنمایش است برای اینکه کار درست را انجام می‌دهد یا غلط؛ یعنی آنچه در قلبت شعف ایجاد می‌کند کار درست است و آن چیزی که به تو تحمیل می‌شود اشتباه است، پس راهنمای تو در دلت است. داستان از اینجا نشاءت می‌گیرد که او این کار را انجام داد چون به دلش شعف می‌داد پس یقیناً کار درست را انجام می‌داد؛ که به نظر من هم کارشان درست بوده چون خیلی جاها این کتاب‌ها را می‌بینم و چیزی که هدفش بود به نظرم توی دست جوان‌ها و روی میز جوان‌ها می‌بینم در صورتی که هرگز نمی‌توانی دیوان کامل کسی را آنجا ببینی.

دوباره به موضوع فیلم برگردیم. فیلم چطور تمام شد؟ در کجا احساس کردی که دیگر باید تمامش کنی؟

آقای کیارستمی همیشه در آخر کار می‌گفتند: «ولش کن! بهتر از این بشه می‌گن کار ما نیست...» حقیقت این است که تو با هر اثری که سازنده آنی می‌توانی تا همیشه کلنجار بروی و بهترش کنی. من هم با این شعار تمامش کردم.

با توجه به اینکه فیلم راجع به هایکو و عباس کیارستمی بود، من به‌شخصه منتظر بودم که به‌نوعی به عباس کیارستمی تقدیم شود و بعد دیدم که نه! فیلم به حمیده رضوی تقدیم شد! دوست داشتیم بدانم که این تصمیم از کجا آمد؟

راستش من تصمیم داشتم همه‌مان را حذف کنم و فقط آقای کیارستمی حضور داشته باشند. حمیده خودش آمد و توی فیلم نشست و این‌طوری من تمام مدت ساخت این فیلم به یادش بودم و در صفحه آخر تیتراژ نوشتم به یاد حمیده رضوی؛ و البته جمله به جمله و فریم به فریم این فیلم نوای تقدیر و تشکر از استادی است که بزرگوارانه دست

مرا گرفت و پایه‌ها برد و خیلی چیزها به من یاد داد. نه فقط فیلم ساختن، بلکه همین نگاه به زندگی.

درواقع به‌نوعی می‌گویی فیلم تماماً عباس کیارستمی بوده پس تصمیم گرفتی که آن را به حمیده رضوی تقدیم کنی. ولی اینکه چرا حمیده رضوی بوده را نگفتی؟

حمیده رضوی کسی بود که در فیلم هم حضور دارد کسی که پشت ماشین نشسته، کسی که دوربین دستش هست، کسی که آفریود دوست دارد، دوستی که به دلیل همین آفریود بازی فوت کرده. در تیکه‌ای از فیلم هم آقای کیارستمی خیلی واضح می‌گوید: حمیده یواش! احتیاط کن، ارزشش رو نداره.

درواقع حمیده کسی بود که به این سفرها انرژی می‌داد و سفرها را زیباتر می‌کرد. در فیلم هم دیدید. می‌گفتیم و می‌خندیدیم. در حالی که ما خیلی جدی داشتیم کارمان را می‌کردیم. جاهایی که یک‌دفعه داستان با شیطنت یک‌شکل دیگری به خود می‌گرفت اگر دیده باشید، قهقهه می‌زدیم. مثلاً من می‌خواندم «نه خواندن می‌دانست، نه نوشتن، اما چیزی می‌گفت که نخوانده بودم، نه کس نوشته بود» حمیده می‌گوید: به ما که رسید شایعه شد؟ بعد من می‌گویم: چرا صف رو به هم می‌زنی؟ و همگی می‌خندیم.

حمیده وجودی پرنرنگ، نازنین و پرانرژی که کنارمان بود و خودش در فیلم نشست و چون همه لحظه‌های ساخت فیلم را در یادش بودم این بود که جمله آخر برای او شد.

هم در خود فیلم در مورد چیزهای که از عباس کیارستمی یاد گرفتید خیلی صحبت کردید و هم آخر فیلم را به همین ترتیب تمام کردید؛ یعنی در لحظه زندگی کردن. خودت را پیش و پس از این دوره ده ساله که هم‌هانش هم نمی‌شود گفت که خاطره پیش یا پس از کیارستمی بوده چون در این مدت اتفاقات دیگری هم افتاده، در جاهای دیگری زندگی کردید. ولی در نهایت آن بخشی از آموزه‌های عباس کیارستمی که شاید تأثیر بیشتری بر روی تو داشته کدام بوده است؟

این شعر را نوشته بودند و من چسبانده بودم رو در یخچال «جمله بی‌قراریات از طلب قرار توست، طالب بی‌قرار شو تا که قرار آیدت» این یعنی تلاش زیادی نکن، با آرامش کارت را انجام بده و بسپار. آقای کیارستمی به من یاد داد که خوشبختی و خوشحالی دو چیز متفاوت است و خوشحالی امروز را خیلی مدیون این استاد بزرگ هستم به این دلیل که از ایشان یاد گرفتم اگر می‌خواهی

خوشحال و سالم بمانی قضاوت نکن. خیلی چیزها از آقای کیارستمی یاد گرفتم. اولین فیلم کوتاها را با فیلمنامه ایشان ساختم؛ که اصلاً خودش سر صحنه آمد و این‌جوری شد که اولین دوربین فیلم‌برداری را خریدم؛ داشتم رانندگی می‌کردم یک‌دفعه شخصی زنگ زد و گفت خانم خدایی؟ گفتیم: بفرمایید! گفت: این پول را به حساب بریزید و بیاید این دوربین را ببرید، آقای کیارستمی گفتند یک دوربین برای شما کنار بگذارم! و وقتی داستان را با آقای کیارستمی در جریان گذاشتم گفت «بله فکر کردم تا دوربین دستت نباشد راه نمی‌افتی.» در نتیجه دوربین به این صورت آمد توی بغلم، با او نجاری کردم. پاسا درست کردن را از او یاد گرفتم.

ولی مهم‌ترین چیز آن نوع نگاه و آن نوع برخورد استاد به این بزرگی با شاگردش، آن وقت گذاشتنش برای من، اینکه احساس کردم که ارزشش را دارم پس من یک جنمی دارم که این آدم برای من وقت می‌گذارد، پس در جوابش نباید بی‌عاطفه باشم. بعد از این ۳ سال من این‌جوری درآمدم از آن سیاه‌چاله؛ احساس کردم این بی‌عاطفگی است که با این همه وقتی که برای من گذاشته شده الان بروم توی تاریکی و هیچ بازدهی نداشته باشم؛ و این‌ها همه چیزهایی بوده که از عباس کیارستمی یاد گرفتم.

کار بعدی تان چه هست؟

جالب است که من به‌اندازه ۵ سال کار نیمه‌تمام با آقای کیارستمی توی کامپیوتر دارم. ولی در حال حاضر دارم روی یک انیمیشن کار می‌کنم. این اولین کار انیمیشن من است و با آن خیلی خوشحال و راضی هستم. چیزی که آقای کیارستمی می‌خواست اتمام آن ۵ سال کار نیمه‌تمام نبود، بلکه این بود که من یاد بگیرم با این بازی خوشحال باشم و واقعاً کمال تشکر را بابت این آموزش از او دارم.

سؤال مخاطبان: به نظر تان زمان فیلم طولانی نیست؟

خیر به نظر من طولانی نیست. کسی که سینمای کیارستمی را بشناسد می‌فهمد که همه صحبت این نوع سینما در مورد صبوری است و من هم خواستم سینمای کیارستمی را ارائه کنم. وقتی با کیارستمی زندگی می‌کنی، وقتی می‌گویی هایکو، وقتی می‌گویی فقط نگاه کن، این تبدیل به ریتم تو می‌شود و در واقع از آن لذت می‌بری. ولی وقتی بیننده فیلم تند امروز هستی، همان فیلم‌هایی که روی صدلی می‌خکوبت می‌کند، بله این زمان کش می‌آید و حوصله‌ات سر می‌رود.

متخصص و مشاور در امور املاک
مسکونی، تجاری و مسکونی در آمدزا در حوزه مونترال بزرگ

ارزیابی و مشاوره رایگان در امر خرید و فروش ملک
همراه با تیمی مجرب در امور بازرسی فنی، امور حقوقی و تهیه وام

امیر نعیمی

Cell: (514) 944-1348
Tel: (514) 683-8686
amir.naimi@ramier.ca

دارالترجمه رسمی فرهنگ
BUREAU DE TRADUCTION FARHANG
FARHANG TRANSLATION OFFICE

شعبه کانادا
2000, MCGILL COLLEGE
6TH FLOOR, MONTREAL
QUEBEC, CANADA, H3A 3H3
R.DAVOUDI@FARHANG.CA
001 514 691 4383

شعبه ایران
تهران، کاکر شمالی، تپاطح
بلوار کشاورز نبش کوچه کپش
پلاک ۱۷۲، طبقه ۴، واحد ۷
H.DAVOUDI@FARHANG.CA
+98 21 6642 1511
6694 8154

دفتر ترجمه رسمی
فیروزه مسیحا

ترجمه و تایید اسناد و مدارک
بدون نیاز به
مراجعه حضوری

عضو رسمی انجمن مترجمان کبک (OTTIAQ) و اناریو (ATIO)
کارشناس ارشد مترجمی زبان و دانشجوی دکتری زبانشناسی

438-920-9305
firoozehmasiha@yahoo.com

- ترجمه و تایید اسناد و مدارک
- ترجمه شفاهی در جلسات رسمی اداری و دادگاهی
- تایید امضا اشخاص و کپی برابر اصل
- تهیه و تنظیم دعوت نامه و انگیزه نامه
- ترجمه مهرهای گذرنامه جهت تمدید کارت (PR) و درخواست شهروندی کانادا
- ارائه خدمات ترجمه حتی در روزهای تعطیل و آخر هفته
- تخفیف ویژه برای دانشجویان و تازه واردین عزیز

LOADEX TRANSPORT INC.
شرکت حمل و نقل بین المللی

خدمات حمل و نقل هوایی، دریایی و زمینی
ایران، سراسر کانادا، آمریکا و سایر نقاط جهان
سرویس کامل حمل برای واردات و صادرات کالاها
نرخهای ویژه برای اضافه بار هوایی مسافران

www.loadextransport.com | info@loadextransport.com
Tel: 514-234-3399
Fax: 514-685-3168

سرویس هوایی به شیراز، تبریز، تهران، اصفهان، کرمانشاه و مشهد

پادکست چکاوک هفته



تو، من و معلولیت



رادیو همرز

- ۱ گفت‌وگو با باغزاله میراخوری، دانشجوی دکتری در پایه تکنیک مونترال: زندگی با معلولیت به روایت اول شخص
- ۲ از فرشید سادات شریفی، پژوهشگر ادبیات: امانت‌داری شکفت‌انگیز، خاطره‌ای از شرکت حمل و نقل عمومی مونترال
- ۳ با شکیب نصرالله، پژوهشگر دانشگاه مک‌گیل: ما همه معلولیم
- ۴ درد دل‌های چند نابینا: بخش‌هایی از پادکست «رادیو همرز» درباره نابینایان
- ۵ از پریسا علیرضایی: بگویم «معلول» یا «فرد دارای معلولیت»؟ از خود فرد پرسیم!
- ۶ با مهشید سادات شریفی: خدمات بی‌ال‌اس‌سی CLSC و حفظ استقلال معلولان
- ۷ درباره آمادگی لادوک و کتاب تازه‌اش: معلولیت، از ریختن افتادن نیست
- ۸ از مریم ایرانی: نگاه متفاوت بومیان کانادا به افراد دارای معلولیت



مجله صوتی فارسی زبانان کانادا

پادکست هفته را می‌توانید از پلتفرم‌های زیر بشنوید

Hafteh.ca | info@hafteh.ca

رعایت اخلاق و شش سوال «هفته» از دو گروه رقیب در انتخابات کنگره ایرانیان کانادا

پاسخ‌های آرزو خدیر از «پویش همبستگی و صلح» به شش سوال هفته
پاسخ‌های سه کاندیدای «کارزار تغییر و بازسازی» به شش سوال هفته

خوانندگان؛ مشاهدات یک عضو سابق هیئت مدیره
کنگره ایرانیان کانادا درباره دعوی حقوقی

 Iranian
Canadian
Congress



ویژه انتخابات کنگره ایرانیان کانادا

رعایت اخلاق و شش سوال «هفته» از دو گ

نگاهی به شبکه‌های اجتماعی ایرانیان کانادا گویای یک فضای دوقطبی و تب‌آلود است. در روزهای اخیر و با نزدیک‌تر شدن تاریخ انتخابات و مجمع عمومی سالانه کنگره ایرانیان کانادا فضای باهمستان روزبه‌روز پر تنش‌تر می‌شود. برای چاره‌جویی جهت کاهش این تنش‌ها «هفته» سراغ کاندیداهای دو گروه درگیر در انتخابات،

آرزو خدیر از گروه «پویش همبستگی و صلح»



پاسخ‌های آرزو خدیر از «پویش همبستگی و صلح» به شش سوال هفته



مقابل را محکوم کنید؟ اگر حاضر هستید چه متنی پیشنهاد می‌کنید و اگر حاضر نیستید چرا؟
آرزو خدیر: طبیعتاً من از سوی شخص خودم قطعاً حاضر به صدور چنین بیانی‌های مشترکی هستم. حتی از این هم فراتر می‌روم حاضر شوری متشکل از اعضا هر دو گروه تشکیل شود جهت تدوین دقیق «آیین‌نامه‌ی انضباطی رفتار جمعی» مورد تأیید هر دو گروه که مفاد آن برای اعضا هر دو گروه لازم‌الاجراء باشد.

بعد از پیروزی احتمالی در انتخابات اولین تلاش شما برای نزدیک‌تر کردن طرفداران جناح رقیب به خودتان چه خواهد بود؟

آرزو خدیر: اولین تلاش من مطرح کردن پیشنهادم در هیئت مدیره مبنی بر درخواست همکاری از فعالین جناح مقابل خواهد بود. برای مثال درخواست مشارکت در تدوین آیین‌نامه رفتاری و انضباطی، درخواست ارائه‌ی کتبی و دقیق مواردی که تصور می‌کنند در اساسنامه باید اصلاح شود تا بستر مشارکت حداکثری هر چه بیشتر فراهم شود. گروه مقابل در پلتفرم خود التزام خود را به نیازسنجی و نظرسنجی‌های علمی را عنوان کرده و در گفته‌هایشان گفته‌اند که ابزارهایی برای انجام چنین نظرسنجی‌هایی با استفاده از پتانسیل‌های خودشان دارند، از آنها خواهیم خواست نتایج نیازسنجی‌های خود را در اختیار ما بگذارند و بطور کلی تلاش خواهیم کرد با تعریف پروژه‌های مشترک مشارکت طرف مقابل را جلب کنیم.

تا قبل از انتخابات سه توصیه مهم شما به طرفداران تان چیست؟

آرزو خدیر: توصیه‌های من به این ترتیب است:
• درک تفاوت مفهوم «مخالفت» و «دشمنی» و رفتار متناسب با درک این مفهوم (برای مثال پرهیز از سیاه‌نمایی‌های حداکثری)

• تکیه بر استدلال منطقی، اسناد و مدارک معتبر و موثق در مواجهه با هواداران طرف مقابل.

• تلاش برای یافتن نقاط مشترک در جناح مقابل و عدم پرهیز از تأیید آنها

می‌نشینم تا زمانی که فضایی مناسب فراهم شود، بر عکس این مشارکت ماست که نهایتاً فضا را مناسب می‌کند. بر همین اساس در هفته‌ی باقی‌مانده تلاش من روی تعیین پروژه‌های مشارکتی مانند تأمین واکسن و تشویق به مشارکت حداکثری خواهد بود.

به نظر شما چرا بسیاری از ایرانیان حس می‌کنند نوع عمل دو طرف شبیه به احزابی است که برای گرفتن لگام قدرت در سطح ملی وارد مبارزه انتخاباتی شده‌اند و ربطی به رفتار رقیبان در یک رقابت باهمستان (کامیونیتی) ندارد؟

آرزو خدیر: نمی‌دانم بر چه اساسی می‌گویند «بسیاری» از ایرانیان چنین حسی دارند. اما شاید این حس در میان بخشی از ایرانیان شایع باشد. به گمان من زمانی که حتی در یک نهاد کاملاً خدماتی تفاوتی اصولی در مورد این که اصولاً «خدمات» شامل چه اموری می‌شود بروز کند، خواه ناخواه چنین حسی به بعضی افراد منتقل می‌شود و این امری طبیعی‌ست. در حال حاضر هم با چنین وضعیتی روبرو هستیم که در آن گروهی برای مثال بر این باور است که خدمات ارائه شده، پیش از پرداختن به آنها یا اقدام برای ارائه‌ی آنها، باید از فیلتر «همسویی» (همسویی یا این یا آن حکومت) رد شود و تنها در این صورت است که آن نهاد می‌تواند راجع به آن خدمت فکر یا اقدام کند؛ و گروهی که معتقدند چنین پیش‌شرطی لازم نیست و جامعه بلوغ کافی برای تشخیص منافع خودش و پشتیبانی از آنها را دارد مستقل از درگیر شدن با دیدگاه‌های ویژه‌ی سیاسی.

آیا حاضر هستید (شما به عنوان یک کاندیدا یا اینکه به عنوان کل مجموعه‌تان) با طرف مقابل یک اطلاعیه مشترک صادر کنید و توهین‌ها و اتهامات غیرمستند طرفداران علیه کاندیداهای طرف

از فضای انتخاباتی موجود راضی هستید؟ چرا؟
آرزو خدیر: این که اصولاً فضایی برای انتخابات به وجود آمده نشانه‌ی پویایی و تحرک جامعه‌ی ماست که مدت‌ها در افسردگی به سر می‌برد. بنابراین از این جهت راضی و خوشنودم. طبیعتاً هم جامعه‌ی کوچک ما هم جامعه‌ی بزرگ ایرانی در ابتدای آزمون روش‌های دموکراتیک، افزایش میزان بردباری و تحمل‌مان و خروج از سیاه و سفید دیدن همه چیز هستیم. بروز برخوردهای ناشایست، انگ‌های بی‌مدرک و غیرمستند، صحبت‌های طعنه‌آمیز گاهی همراه با توهین و فحاشی همه از اموری بودند که جزئی از این فضای انتخاباتی بودند و مانند هر شخص دیگری از مشاهده‌ی آنها متأثر شدم. اما نهایتاً باید از جایی آغاز کرد و اشکالات را در عمل رفع کنیم و تمرین دموکراسی کنیم.

بسیاری از مردم عادی که با آنها صحبت کردیم (که بعضاً در نشست‌های اطلاع‌رسانی طرفین شرکت کرده بودند) از فضای موجود ناراضی هستند. آیا این نارضایتی به حق است؟ اگر چنین است در یک هفته باقی‌مانده تا پایان انتخابات چه می‌کنید تا فضا را تغییر دهید؟

آرزو خدیر: همانگونه که در پاسخ پرسش قبلی شما مطرح کردم، نارضایتی آنها کاملاً به حق است. اما این نارضایتی نباید مانع از مشارکت شود و اگر نه این نارضایتی ادامه خواهد یافت. اگر تعداد افراد ناراضی از برخوردهای احساسی و تخریب‌های شخصیتی برای مثال در یک مشارکت عمومی افزایش یابد آن زمان است که آن جمع رفته رفته استانداردهایی را وضع خواهد کرد که مشارکت‌کنندگان را از توسل به این روش‌های ناپسند بپرهیزاند. نمی‌توان مشارکت را منوط به ایجاد یک فضای مودب و از هر حیث ایده‌آل کرد و گفت من کناری

گروه رقیب در انتخابات کنگره ایرانیان کانادا

«کارزار تغییر و بازسازی» و «پویش همبستگی و صلح» رفت. در این رابطه «هفته» شش سوال را به صورت کتبی به کاندیداهای دو طرف ارسال کرد. پاسخ‌های کتبی این عزیزان با یک ویرایش حداقلی در اینجا تقدیم می‌شود. از کاندیداهای گرامی برای وقتی که جهت پرداختن به سوالات هفته گذاشتند سپاسگزاریم.

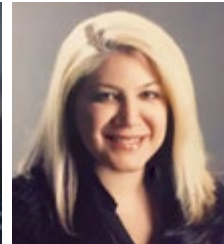


پاسخ‌های سه کاندیدای «کارزار تغییر و بازسازی» به شش سوال هفته

مهردخت هادی



تینا فرشادگهر



امیر خدییر



پرهیز کنند. و اگر نه همه ما در معرض فرهنگی هستیم که طبل‌زن آن Fox News بود و رقابت سیاسی در آمریکا را مسموم و تبدیل به نفرت و دشمنی کرد.

مهردخت هادی: جو فعلی انتخابات نتیجه فعالیت‌های هیئت مدیره کنگره در ۴ سال گذشته است. فعالیت‌های جانبدارانه هیئت مدیره فعلی حساسیت‌های زیادی را در میان گروه‌های مختلف برانگیخته است. به طوری که این رقابت انتخاباتی از یک سو از طرف بعضی از گروه‌ها و افراد مستقل جامعه حمل بر مبارزه با همسویان جمهوری اسلامی و یا نفوذ جمهوری اسلامی در میان افراد و سازمانهای اجتماعی کانادایی ایرانی می‌شود و از سوی دیگر، گروهی دیگر تلقی مبارزه با طرفداران جنگ و تحریم را دارند.

این شدت قطبی شدن فضا تماماً به دلیل سیاست‌گذاری‌های کنگره توسط مدیران آن در چهار سال گذشته است، که اساساً بدون توجه به اصول نیازسنجی علمی و پایه‌های ساختارسازی منافع مشترک جامعه ایرانی و ایجاد و تشویق به مشارکت جمعی بوده است. مسلماً در چنین جو برفروخته توقع مدارا و رواداری زهی خیال باطل می‌شود!

بخشی از طیف افراد همراه، حامی، و حمایت‌گران کارزار از این بخش برآشفته است. مسلماً کارزار تمام سعی خود را کرده که باوجود فشار گروه‌های تندروی هر دو طرف، گفتمان حرکت اجتماعی خود را حفظ کند. اما هیچ تسلط و نفوذ کاملی را روی تمام مخالفین هیئت مدیره فعلی ندارد.

از اشتباه نیستیم. طرفداران هر دو جریان هم نقشی، گاه بسیار سهمگین در این تشنج و اشکال‌ها دارند.

اما منشاء بروز بسیاری از بدگفتاری‌ها و بد کرداری‌ها در هر جمعی، از نحوه اداره اجتماعی مسولین و رهبران و صاحب‌قدرتان است. اینجا هم استثنا بر نمی‌دارد. رفتار کسانی که چند سال است در راس کار ICC هستند تأثیر اصلی و تعیین‌کننده در شکل‌گیری روابط و ایجاد فضای مسموم کنونی داشته است. این را به خوبی میتوان در فرهنگ بحث و گفت‌وگوی فعالین با نفوذ گروه «پویش» که از طرف هیئت مدیره کنونی هدایت می‌شود، مشاهده کرد. نمونه آخر آن نوشته‌ای از آقای علی چنگیزی است که شما اخیراً در مجله «هفته» چاپ کردید.

نوشته ایشان آمیخته‌ای است از اتهامات بی‌مدرك و بی‌پایه و توهین به کنشگران منتقد هیئت مدیره و دشمن‌سازی از کسانی مثل من که جرم‌مان مخالفت با استفاده ابزاری از ICC است. من جناب چنگیزی را ۴۰ سال است می‌شناسم. بروز این برخورد ناصحیح از طرف ایشان نتیجه این جو مسموم و پرتنش است که می‌تواند خیلی از ما را به سقوط در اخلاق گفتاری و رفتاری در اجتماع بکشاند.

البته لازم به تذکر است که برخی جریانات و افراد ناصدق، که لزوماً ربطی به این طرف و آن طرف این مجادله هم ندارند، تخصص دیرینه در جوسازی‌های بسیار مسموم و هدفمندی دارند. مطبوعات مسئول می‌باید با وظیفه‌شناسی از دامن زدن به این حاشیه‌پردازی‌های زشت و پخش لجن‌پراکنی‌های مخرب و خانمان‌سوز

از فضای انتخاباتی موجود راضی هستید؟ چرا؟

امیر خدییر: روشن است که دلیل وجودی «کارزار تغییر و بازسازی»، اعتراضی است به نگرش و شیوه کار مدیریت کنونی کنگره (ICC). ولی اعتراض ما به معنی سرکوب اندیشه آنان نیست. اگر رقابت اصالت دموکراتیک دارد، با سرکوب، با حذف و با تهمت‌زنی فاصله روشنی باید داشته باشد.

تلاش‌های دو سال گذشته اعضای کنگره برای نقد شیوه کار هیئت مدیره کنونی و تلاش برای بازگرداندن قانونمندی، پاسخگویی و شفافیت به کنگره، در اهداف «کارزار تغییر و بازسازی» تجلی یافته است. با این حال، این «کارزار» به دنبال حذف اندیشه و گرایش‌های هیئت مدیره و کاندیداهای آن نیست. ما مصرا نه تلاش می‌کنیم تا فضایی ایجاد کنیم که همه ایرانیان کانادا فارغ از جو مسموم و چنددستگی ایجاد شده، بتوانند در محیطی سالم، بدون هراس از تهمت، توهین و برچسب، فعالیت کنند و کنگره نیز چتری باشد جهت حفظ منافع مشترک همه ایرانیان کانادا.

اما رفتار ناهنجار مسوولین کنونی ICC، که ۳ نفر از آنها جزو لیست گروه «پویش همبستگی و صلح» هستند، فضای بسیار مسمومی را در این چند سال اخیر در پیرامون همه کارهای مربوط به کنگره دامن زده است. متأسفانه در تشنج و جنجالی که به پاست، چیزی که طبیعی است، خطاست!

همه این خطاها از ناحیه هیئت مدیره کنونی ICC نیست. ما هم که به آنها منتقدیم عاری

بخش بزرگی از طرفداران هیئت مدیره فعلی از طریق صفحات مجازی که مستقیماً تحت مدیریت بخشی از هیئت مدیره است به تولید برنامه‌های تخریبی در مورد کاندیدها پرداخته‌اند که با پرداخت هزینه مالی آگهی، به پخش اخبار و اطلاعات ناصحیح در مورد کاندیدها و افراد نزدیک به کمپین پرداخته‌اند.

مسئله وجود چنین فضای متشنجی بزرگترین ضربه را به پیکره این کارزار گفت‌وگوگر وارد کرده. به جرات می‌توان گفت اگر انرژی که صرف کنترل این فضای متشنج و هدایت آن به بحث‌های اصولی‌تر می‌شود صرف عضوگیری فعال کرده بود، هم اکنون تعداد اعضای کنگره از مرز ۵۰۰ نفر گذشته بود.

بسیاری از مردم عادی که با آنها صحبت کردیم (که بعضاً در نشست‌های اطلاع‌رسانی طرفین شرکت کرده بودند) از فضای موجود ناراضی هستند. آیا این ناراضی‌ها به حق است؟ اگر چنین است در یک هفته باقی‌مانده تا پایان انتخابات چه می‌کنید تا فضا را تغییر دهید؟

تینا فرشادگهر: گروه «کارزار» متشکل از افرادی است با اندیشه‌های گوناگون سیاسی ولی مداراجو. این مداراجویی برای دیدگاه استوار است که رشد دموکراسی در روابط اجتماعی، تقویت و استمرار جامعه مدنی نیازمند به فرهنگ تساهل و مداراست. رقابت مدنی دموکراتیک محدود به پذیرش ایده دموکراسی نیست بلکه رویکردی به کثرت‌پذیری در گفتار و رفتار و احساسات ملموس ما است. سعی ما اینست که گفتار و رفتار و احساسات ملموس ما همیشه روی این الگو باشد. طرفداران «کارزار» کوشش می‌کنند در این امر دقت و احتیاط کنند. گفتیم ما عاری از اشتباه نیستیم. اما کوشش جدی می‌کنیم دچار تندی و عصبانیت‌های مردود نبردهای انتخاباتی نشویم تا روش‌های تهمت‌زنی، حرمت شکنی و شخصیت‌کشی که همه از آن انزجار داریم، در میان ما بروز نکند.

مهردخت هادی: «کارزار» تمام تلاش خود را کرده و خواهد کرد که با تمرکز روی پیام اصلی لزوم تغییر و بازسازی و معرفی پایه‌های اصلی پلتفرم، مسیولیت اجتماعی در قبال خانواده‌های پرواز PS752، و نیازهای عمیق جامعه ما به سازمانی مانند کنگره، از دامن زدن به بحث‌های تخریبی جلوگیری کند، هر چند که هر جا لازم باشد با کلامی صادق و صریح برای بیان مواضع خود بیاستد.

به نظر شما چرا بسیاری از ایرانیان حس می‌کنند نوع عمل دو طرف شبیه به حزبی است که برای گرفتن لگام قدرت در سطح ملی وارد مبارزه انتخاباتی شده‌اند و ربطی به رفتار رقیبان در یک رقابت باهمستان (کامیونیتی) ندارد؟

تینا فرشادگهر: بروز رقابت در عقاید و اختلاف اصولی در هر نهاد دموکراتیک طبیعی و مطلوب است. ولی متأسفانه اختلافات ناشی از عملکرد و تصمیم‌های هیأت مدیره کنونی، کنگره ایرانیان را دچار بحرانی شدید نموده که از چارچوب اصولی و دموکراتیک خارج گشته است.

کنگره ایرانیان کانادا متعلق به همه ایرانیان کاناداست. طبق اساسنامه وظیفه اصلی ICC پیشبرد و دفاع از منافع عام جامعه ایرانی-کانادایی است. برای انجام این وظیفه که به خاطر تنوع بسیار زیاد گرایش‌ها درون جامعه ما کار دشواری است، مسؤلیت ICC باید از جانبداری‌های رایج سیاسی به نفع این گروه یا آن گروه، این دولت یا آن دولت چه در ایران چه در کانادا خودداری کنند. با این وجود در دوره‌های مختلف در گذشته، مواردی پیش آمده که بخشی از این وظیفه، یعنی «پرهیز از جانبداری» نقض شده و از اسم و امکانات کنگره در رابطه با اهداف حزبی و سیاسی استفاده شده است. بی‌شک در بسیاری از موارد، چه در قبل چه اکنون، این گرایش از سوی اعضای شرافتمند از هیئت مدیره صورت گرفته است که قصدی نداشتند جز خدمت به آنچه که فکر می‌کردند به نفع جامعه ایرانی است. اما با توجه به عمق اشکالاتی که گرایش‌ها و روش‌های کاری هیئت مدیره کنونی برای ICC و باهمستان ایرانی-کانادایی‌ها ایجاد کرده، باید صادقانه دنبال چاره بود.

بعد از پیروزی احتمالی در انتخابات اولین تلاش شما برای نزدیک‌تر کردن طرفداران جناح رقیب به خودتان چه خواهد بود؟

تینا فرشادگهر: بحران‌زدایی، ترویج فرهنگ مدارا و امانت‌داری از هویت و وظایف ICC احتیاج به شرکت بیشتر اعضا در تصمیم‌گیری‌ها دارد. این زمان خواهد برد. حوصله باید کرد. با میانه‌داری و پرهیز از جهت‌گیری‌های بحث‌برانگیز، باید آرامش و اعتماد را مجدداً به جامعه ایرانی-کانادایی برگرداند.

اما می‌توان با اطمینان گفت گروه انتخاباتی «پویش همبستگی و صلح» که ۳ تن از همان اعضای هیئت مدیره قبلی و حامیان پرچم آنها را به همراه دارد نمی‌تواند این وظیفه را انجام بدهد. گرایشی که هیچ انتقادی بر خود

را نمی‌پذیرد، و نخواستن یا نتوانسته با مدیریتی اصولی و احتیاط لازم در رعایت دموکراسی درونی و پذیرش گرایش‌ها دیگر و رسیدگی به انتقادات، از بروز این اختلافات شدید جلوگیری کند، محکوم به تکرار همان اشتباهات و ایجاد همان فضای متشنج است.

آیا حاضر هستید (شما به عنوان یک کاندیدا یا اینکه به عنوان کل مجموعه تان) با طرف مقابل یک اطلاعیه مشترک صادر کنید و توهین‌ها و اتهامات غیر مستند طرفداران علیه کاندیدهای طرف مقابل را محکوم کنید؟ اگر حاضر هستید چه متنی پیشنهاد می‌کنید و اگر حاضر نیستید چرا؟

مهردخت هادی: «کارزار» بدنبال حذف اندیشه و گرایش‌های هیئت مدیره و کاندیدهای آنها نیست. اما با توجه به عملکرد هیئت مدیره فعلی در بیش از دو سال گذشته، خصوصاً از ۱۴ سپتامبر گذشته تا کنون و اینکه سه تن از اعضای همین هیئت مدیره در میان کاندیدهای «پویش» قرار دارند، امکانی برای دادن یک بیانیه مشترک وجود ندارد. برای رد و مخالفت با توهین‌ها و اتهامات غیرمستند لازم به صدور بیانیه مشترک نیست، کلام و عمل مبتنی بر شفافیت و تنش‌زدایی، و مسؤلیت‌پذیری کفایت می‌کند.

تا قبل از انتخابات سه توصیه مهم شما به طرفداران تان چیست؟

امیر خدیو: کنگره می‌بایست با روشی دموکراتیک و با اعتدال در رفتار و گفتار، شرایطی فراهم آورد که مانند چند سالی که گذشت در مظان اتهام قرار نگیرد که به یک «لای» یا یک گرایش خاص سیاسی تبدیل شده است. تینا فرشادگهر: کنگره ایرانیان کانادا متعلق به همه ایرانیان کاناداست. رقابت مدنی، پذیرش ایده دموکراسی، کثرت‌پذیری در گفتار و رفتار. چون تنها در آن صورت می‌توانیم امیدوار باشیم این روش، فرهنگ تساهل و مدارا، مورد استقبال مخالفین و منتقدین ما هم باشد.

مهردخت هادی: نگذاریم که احساسات جریحه‌دار شده ما در این چند سال، امکان پیروزی جامعه ما در این انتخابات را به خطر بیندازد. یادمان باشد که هزارها نفر ساعت صرف ایجاد این موقعیت استثنایی در جامعه ما و نجات این سازمان مهم به نفع منافع جمعی ایرانیان کانادا شده است. این شانس بزرگ ما برای ایجاد موقعیت و قدرتمندسازی سازمانی‌ست که می‌تواند تضمین‌کننده ایجاد محیطی سالم، بدون هراس از تهمت، توهین و برچسب، برای فعالین دلسوز جامعه باشد.



مشاهدات یک عضو سابق هیئت مدیره کنگره ایرانیان کانادا درباره دعوای حقوقی

هومن شیرازی، کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی اطلاعات از دانشگاه اتاوا، از سال پایان ماه می ۲۰۱۷ تا ماه آگوست ۲۰۱۹ عضو هیئت مدیره کنگره ایرانیان کانادا بود. او سیر وقایع منتهی به دعوای حقوقی کنگره را در این نوشتار به بیان کرده است. / تحریریه هفته

ریاست هیئت مدیره با توجه به تمام اختلافات و درگیری‌ها در جلسات کاری هیئت مدیره که با ایشان داشتم، خوشحال بودم. شان و میزالت زن ایرانی که چهل سال است از هرگونه امکانات برای مدیریت در بالاترین سطوح در کشورمان ایران محروم هست روزنه امیدی برآیم بود. البته این مهم نهبی زد که حداقل روش برخورد را در هیئت مدیره تغییر دهم. تصمیم گرفتم از انتقادات تند و برنده فاصله بگیرم شاید در این شرایط محیطی فراهم شود که زنان بیشتری علاقمند به فعالیت اجتماعی در کنگره شوند. حال بماند که ایشان با توجه به اتفاقات پیش آمده فرصت مدیریت نکرد و به بدترین روش ممکن از ایشان استقبال گردید. هنوز چند روزی نگذشته بود که متوجه شدم که چهار نفر از فعالین اعضا کنگره ایرانیان کانادا ایمیلی مبنی بر درخواست لیست اعضا برای هیئت مدیره ارسال کردند و فکر می‌کنم تقریباً تک تک شما از اتفاقات بعدی آن آگاهی دارید و من در این نوشتار نمی‌خواهم به آنها بپردازم چرا که به صورت کامل از جزئیات آنها اطلاع ندارم. ای کاش این شرایط برای هر دو گروه فراهم شود و واقعیت‌ها بازگو شود ولی به عنوان عضو هیئت مدیره در آن تاریخ باید به سمع و نظرتان برسانم که من با تمام وجود تصمیم به حل مشکل بین دو طرف گرفتم چرا که صحنه درگیری باعث -بخت می‌دیدم. با دو وکیل معتبر و آگاه مشورت کردم و نتیجه را به اعضا انتقال

را نماینده انحصاری رای‌دهنده‌گانشان می‌دانند، انگاری که مخالفانشان حق حمایت و همراهی در مسائل کنگره را ندارند. متأسفانه برخلاف انتظام این چهار کاندیدا از حضور در انتخابات کنگره به خاطر تخلفات انتخاباتی که از نظرشان رقابت سالم را تحت‌الشعاع قرار می‌داد انصراف دادند در صورتی که من مطمئن بودم که حداقل دو نفر از آنها با توجه به جایگاهشان در کامیونیتی انتخاب می‌شوند. حال دوباره با هیئت مدیره‌ای یک دست‌تر از گذشته و جوان‌تر و کم تجربه‌تر مواجه بودم که انقلابی‌گری هم از آنها به مشام می‌رسید، انگار جامعه ایرانی از انقلابی‌گری مردمش خاطرات خوبی دارد که ما خودمان را جوانان انقلابی نام ببریم، اتفاقات سال ۵۷ و حضور آن جوانان انقلابی ایران مدرن و پیشرفته را به سال‌های قرون وسطایی برد که همه چیز در این چهل سال قدغن شد. شاید اگر حکومتی برخاسته از مردم و دموکراتیک بود هفت میلیون ایرانی آواره این ور آن ور دنیا نمی‌شدند و الان روزگار خوشی را در کنار خانواده‌شان در وطن عزیزشان می‌گذراندند. تقریباً ناامیدتر از همیشه بودم و خود را در انتهای راه می‌دیدم. به استعفا فکر می‌کردم ولی خود را هر باره شمامت می‌کردم که با استعفا کار حل نمی‌شود از طرفی با تغییرات جدید در ریاست هیئت مدیره و انتخاب یک بانوی ایرانی به عنوان

درد عجیبی تمام وجودم را فراگرفت و سردرد امانم را بریده بود این روزها استرس‌ها و فشارها به بی‌نهایت رسیده بود، جوجه اردک زشتی در این هیئت مدیره یک دست، اصلاً همخوانی و همفکری با سایر اعضا نداشتم و تصمیماتی که گرفته می‌شد از نظر من برخلاف مصالح کامیونیتی ایرانی-کانادایی بود. این لایحه آخر هم که دیگر آه از نهادم بریده بود. یکی از اعضا با کمک ریاست هیئت مدیره وقت مشغول تبدیل کردن استانی به کشوری کردن کنگره ایرانیان کانادا بود. متأسفانه اصلاً برای این لایحه پیشنهادی، کار کارشناسانه نشده بود یا حتی به سایر اعضا اطلاع‌رسانی نشده بود که نظرات خود را اطلاع‌رسانی کنند. از هر طریق ممکن اعتراض کردم ولی متأسفانه مثل تمامی پیشنهاداتم به آن توجهی نشد و توسط هیئت مدیره به تصویب رسید. از نظر من تصویب این لایحه یکی از بدترین اتفاقات این دوره در دقایق پایانی آن بود. روحیه ناامیدی تمام وجودم را گرفته بود و فقط امیدم به انتخابات پیش رو بود با صحبت‌هایی که با سایر اعضا داشتم. امیدوار بودم که کسانی با نگرش متفاوت از هیئت مدیره کنگره کنونی نیز به انتخابات وارد شوند و حداقل کنگره را از حالت یک دستی کنونی خارج کنند. تجربه من در این یکسال گذشته به من آموخته بود که برخی از اعضا هیئت مدیره کنونی مصالح حزبی و گروهی را بر مسائل کامیونیتی ترجیح می‌دهند و خود

دادم که این درخواست چهار نفر منطقی و درست است و ما باید این لیست را در اختیار قرار دهیم اما متأسفانه برداشت ریاست هیئت مدیره با توجه به مشاوره‌ای که گرفته بود متفاوت بود از طرف دیگر با سه تن از کسانی که در کمیونیتی ایرانی به خوشنامی و احترام در بین دو گروه شهره بودند تماس برقرار کردم که شاید این مشکل بصورت روش کدخدامنشی حل شود که متأسفانه با توجه به ابراز علاقه دو تن از ایشان برای همکاری این مهم هم با اعلام شکایت چهار نفر از اعضا به نتیجه نرسید. ناگفته نماند که وظیفه خود می‌دانستم که نمایندگان سیاسی ایرانی کانادایی مجلس فدرال و استانی را نیز نسبت به ابعاد این اختلاف مطلع سازم که به آنها اطلاع‌رسانی نیز نمودم.

در عین حال با توجه به اختلاف فکری که با سایر اعضا هیئت مدیره داشتم، وظیفه خود دیدم که وکیل کنگره ایرانیان را از این مهم آگاه کنم که من هم‌نظر سایر اعضا هیئت مدیره نیستم و او پیشنهاد داد باید وکیلی متفاوت داشته باشم.

از چند و چون دادگاه آگاه نبودم چرا که در حلقه اطلاع‌رسانی اعضا هیئت مدیره به خاطر اختلافات عدیده نبودم چند باری هم که به صورت مکتوب تقاضای لیست اعضای کنگره را نمودم این مهم چه در دوره قبلی و چه در دوره ریاست جدید میسر نگردید.

در طول مدت حضورم در هیئت مدیره سعی کردم صدای اقلیت خاموش باشم ولی کمکی به حل اختلافات نمی‌کرد چرا که تصمیمات از نظر من براساس منافع کل کمیونیتی نبود. از طرفی صدای خرد شدن و شکستن کمیونیتی را با تمام وجود حس می‌کردم. احساس خجالت و سرافکندی تمام وجودم را گرفته بود و شرمنده اعضا که نتوانسته بودم به عنوان عضوی از هیئت مدیره این مشکل را حل نمایم.

یکی دو ماهی از پروسه دادگاه می‌گذشت و من جسته و گریخته از سایر اعضا در جریان اتفاقات قرار می‌گرفتم. همواره دنبال روزنه‌ای بودم که اختلافات حل شود البته از طریق مسالمت‌آمیز. از یکی از اعضا کنگره متوجه شدم که برای رسیدن به تفاهم چهار عضو کنگره مفاد و ضرب‌الاجلی فراهم کرده بودند. بسیار خوشحال شدم و سعی کردم در شرایط مختلف هیئت مدیره را ترغیب نمایم که رسیدن به تفاهم بهتر از بررسی موضوع با قاضی و رای دادگاه است.

این مهم مصادف شد با استعفای رئیس سابق کنگره که این موضوع را از طریق تماس تلفنی قبل از اطلاع‌رسانی اجتماعی با من در میان گذاشته بود. درخواستش از من این بود با توجه به احترام متقابل که هر دو طرف نسبت به من دارند برای رسیدن به تفاهم بهتر است بمانم. ریسک بزرگی

بود ولی احساس کردم که باید بمانم و این تفاهم‌نامه امضا شود. رئیس قبلی هیئت مدیره به من قول داد که هر کمکی برای تفاهم از دست او بریاید دریغ نمی‌کند و انصافاً این کار را کرد.

در این مرحله بود که در جریان موقوف قرار گرفتم و رئیس وقت کنگره مرا در جریان متن تفاهم‌نامه قرارداد و قسمت‌هایی که مورد تفاهم اعضای هیئت مدیره نیست. از ارتباطم استفاده کردم و با دو نفر از چهار عضو کنگره تماس گرفتم و سعی به برطرف کردن سوتفاهم‌های متن نامه کردم.

نامه از نظر محتوای و اتفاقات مندرج از نظر من درست بود ولی متن آن بسیار تند بود با توجه به صحبتی که با دو تن از اعضا هیئت مدیره داشتم برخی مطالب مندرج را صحیح نمی‌دانستند که این نکات را هم گوشزد کردم. متأسفانه نام افراد هم در بالای این نامه ذکر شده بود که با توجه به تجربه بدی که از گذشته داشتم پیشنهاد دادم که اسامی افراد حذف شود چرا که شاید در آینده مورد سو استفاده برخی غرض‌ورزان در دو طرف شود.

حقیقتاً نام بردن از افراد موضوع را به درگیری شخصی رهنمون می‌کرد. این مهم بارها و بارها اتفاق افتاده بود. بعد از گفتگو با دو نفر از اعضا کنگره احساس خوبی داشتم، به شخصه با نظر من موافق بودند ولی از من درخواست کردند که این موضوع را با دو نفر دیگر اعضا در میان بگذارم در آن جمع چهار نفره من ارادت و احترام شخصی خاصی به کامنوش داشتم.

او تنها کسی بود که خواهرانه نگران من در این پروسه بود، او اولین کسی بود که به من نهيپ زد که دوازده سال کار داوطلبانه خود و حسن شهرت خود را مراقبت نمایم و با توجه به پیشینه کارهای فرهنگی‌ام در همین ابتدا از این مهم کنار بکشم. همیشه خود را مدیون دلسوزی‌های او می‌دانم. این تجربه چند ساله به من آموخته کسانی که دستی در هنر دارند و با فرهنگ و هنر و سینما مانوس هستند به جهان به صورت زیبایی نگاه می‌کنند.

خلاصه منتظر نتیجه مذاکرات آن چهار نفر ماندم ولی متأسفانه صبح روز بعد از طرف نایب رئیس وقت کنگره متوجه شدم که تغییرات اعمال نمی‌شود و نامه باید به همین شکل امضا و تایید شود. برای من تایید این نامه که برگرفته از نظر یک طرف دعواست و کوچک‌ترین نظر حتی من که همواره از موضع مخالفان هیئت مدیره دفاع می‌کنم اعتباری ندارد، تیر خلاصی بود بر ادامه فعالیت در کنگره ایرانیان کانادا.

چون در جریان ریز قضایا نیستم نمی‌توانم مطلبی بگویم که چرا اینقدر حساسیت در این پروسه حقوقی بالا بود، مگر می‌شود داوطلبانه مشغول کار برای کمیونیتی شوی و بعد درگیر شکایت و کار

حقوقی گردی، حتما باید کارد به استخوان رسیده باشد که کوچک‌ترین گذشتی در کار نباشد. شاید دعوا بسیار بزرگ‌تر از آن مرحله است که من فکر می‌کنم.

زمانی که بین دو گروه برای ایجاد پل مهر و دوستی قرار می‌گیری و درک می‌کنی که هر طرف ساز خود را کوک می‌کند و به توصیه‌های خیرخواهانه تو توجه نمی‌کند راهی برای ادامه همکاری باقی نمی‌ماند چرا که متوجه می‌شوی شاید اصلاً قرار نیست صلحی برقرار شود. وقتی در این برهه حساس قرار می‌گیری باید راه سوم که راه خود توست را انتخاب نمایی و حداقل استانداردها و اصول زندگی‌ات را زیر پا نگذاری پس با اطلاع به دو طرف قبل از ادامه تصویب و تایید این نامه استعفا نمودم.

لازم می‌دانم از کمک ریاست وقت هیئت مدیره برای شفاف‌سازی موضوع در جلسه‌های بعدی کنگره با توجه به تمام اختلافات تشکر و قدردانی نمایم. خوشحالم که پس از استعفایم از هیئت مدیره این تفاهم‌نامه توسط اعضا هیئت مدیره به تصویب رسید و کار به تفاهم رسید ولی متأسفانه موضوع و دعوا به طرق دیگری ادامه پیدا کرد.

البته از عجایب روزگار این است با توجه به اینکه استعفای من قبل از تصویب این تفاهم‌نامه بود، نام من بعنوان تاییدکنندگان این تفاهم‌نامه ذکر شده است که صحیح نیست و هرگز آن را تایید نمی‌کنم و از نظر حقوقی به اطلاع طرفین رسانده‌ام. شاید این تاوان مواضع مستقل من از هر دو گروه درگیر باشد.

در پایان همواره امیدوار بودم جامعه ایرانی خارج از کشور به آن بلوغی از بلندگی برسد که چشم خود را به روی حقایق نبندد و برای منافع ملی و استراژیک فارغ از مسائل حزبی و گروهی عمل کند. کنگره ایرانیان کانادا متعلق به همه ایرانیان کانادا است از همه گروه‌های اجتماعی و نهادهای هنری و سیاسی است. ای کاش زمانی فرا رسد که به جای توهین و افترا و تهمت‌های بی‌شمار به یکدیگر در برقرار کردن مهر محبت و دوستی و ایجاد پلی مستحکم بین یکدیگر قدم برداریم.

صرف هزینه نزدیک به یکصدوپنجاه هزار دلار طبق منابع غیررسمی از هر دو طرف در این دعوای حقوقی که برآستی و کلا برندگان اصلی این ماجرا هستند و بازندگان آن هر دو گروه شاکمی و متهم و همچنین کمیونیتی ایرانی کانادایی.

مطمئن هستم که اکثریت غریب به اتفاق شما با من همصدا هستید که بهتر بود این هزینه هنگفت را برای ایرانیان آواره در اردوگاه‌های پناهندگی در ترکیه و یونان صرف می‌کردیم و شاید در کمک به ساختن مدرسه و درمانگاهی در ایران عزیز. چشم‌ها را باید شست جور دیگر باید دید.



اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک زمستانی تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی، از ۴۹.۹۵ دلار Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی
- ۱۰ درصد تخفیف برای تعویض همزمان روغن و لاستیک و بازرسی رایگان

سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب



514-487-6262

5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.autoshemiran.com



Panneton & Panneton Moving & Storage

تخفیف ویژه برای
هموطنان عزیز
در نظر گرفته
خواهد شد

- ✓ جابجایی آسان اسباب منزل
- ✓ جابجایی وسایل و تجهیزات شرکتها و دفاتر کاری
- ✓ جابجایی بین شهری وسایل و تجهیزات
- ✓ جمع‌آوری و بسته‌بندی وسایل، قبل از جابجایی
- ✓ ۲۰۰ انبار در سائزهای مختلف برای نگهداری کوتاه مدت و بلند مدت وسایل مختلف



8660 Jeanne Mance,
Montreal (QC) H2P 2S6

514 939 0099

514 939 9939

info@pannetonpanneton.com

صرافی موندیال ایت

با هم نیرومندتریم



ارائه خدمات ارزی

- با سه دهه سابقه خالصانه، بی دریغ در خدمت شما هستیم.
- انتقال فوری ارز به ایران و برعکس با تضمین بهترین نرخ روز

قبل از هر تصمیمی با ما مشورت کنید.

یحیی هاشمی

(514) 989 2229

بیژن احمدی

(514) 937-5192

MondialElite Exchange

1855 Saint-Catherine St W, Montreal, H3H 1M4

Ben Reno تعمیرات و نوسازی ساختمان

مسکونی و تجاری



- نقاشی
- تکمیل زیرزمین
- نصب در و پنجره
- نصب کفپوش و پارکت
- تعمیرات و نوسازی حمام
- نرده چوبی و بالکن (Deck)
- کاشی کاری و سنگ کاری
- ساخت و نصب انواع دکوراسیون
- ترمیم و تعویض دیوارهای داخلی
- ساخت و نصب کابینت و تجهیزات آشپزخانه

RBQ License & Carpentry License

(514) 441 4295 facebook: Ben Reno

benrenovation4295@gmail.com

تردیدهای جدی درباره کارایی تستهای سریع کووید ۱۹

خشونت دیگر کافی است، همه ما باید در مقابل آن بایستیم

توبیت کوچکی که یک کارزار بزرگ به پا کرد
خشونت علیه زنان و پایان سکوت یک روزنامه‌نگار زن

خستگی آدرنال چیست؟

اولین گام بعد از دریافت شکایت
شخصی چیست؟

جامعه و حقوق

▶ برای استفاده موثر از تست‌های سریع کووید ۱۹، محققان بهداشت و درمان کبک در حال تهیه یک راهبرد مناسب هستند. یک بیمار که به یک مرکز غربالگری مراجعه می‌کند ممکن است ابتدا یک تست سریع و سپس یک تست آزمایشگاهی بدهد.



تردیدهای جدی درباره کارایی تست‌های سریع کووید ۱۹

این مسئله با توجه به میزان بالای شیوع بیماری، یک محدودیت و یک نقص بزرگ در روند غربالگری سریع و انبوه محسوب می‌شود. برای افزایش ظرفیت تجزیه و تحلیل نتایج تست‌ها، لازم است که چندین دستگاه در محل غربالگری به کار گرفته شود.

با این همه تست ID Now به مراتب بهتر از پانیبو است اما دولت فدرال فقط ۷۸ هزار عدد از این تست‌ها را در اختیار کبک قرار داده است. قرار است هفته‌های آینده از تست‌های ID Now به طور آزمایشی در کبک و لوی Lévis استفاده شود. گفته می‌شود در منطقه سگنه Saguenay نیز که وضعیت شیوع ویروس وخیم است، از همین تست‌ها استفاده خواهد شد.

بهداشت عمومی کانادا مجوز استفاده از هر دو تست را صادر کرده است با این حال آژانس فدرال در خصوص هر دو تست خواستار آن شده است که نتایج منفی، مفروض قلمداد شوند و با استفاده از یک روش دیگر در خصوص آنها اطمینان حاصل شود. به عبارت دیگر لازم است که در این موارد، از تست‌های آزمایشگاهی نیز که از دقت و اعتبار بیشتری برخوردار هستند، استفاده شود. برخی کارشناسان معتقدند با توجه به سرعت شیوع و فراوانی موارد ابتلا به کووید ۱۹، استفاده تنها از تست‌های سریع و اکتفا کردن به آنها حتی می‌تواند خطرناک هم باشد چرا که ممکن است خیلی از موارد آلوده به ویروس با این تست‌ها قابل شناسایی نباشد.

به رغم همه این مشکلات و محدودیتها، کارشناسان بهداشت کبک قصد ندارند این تست‌ها را بی‌استفاده رها کنند. در همین راستا یک کمیته کارشناسی تشکیل شده تا گروه‌ها و محیط‌های مناسب برای استفاده از این تست‌ها شناسایی شود. گفته می‌شود این تست‌ها با رعایت کامل احتیاط در مناطق دورافتاده، خانه‌های سالمندان، بیماران دارای علائم در اورژانس‌ها، پرسنل بهداشت و درمان، محیط‌های آموزشی یا محیط‌های کار که با شیوع خوسه‌ای کروناویروس مواجه هستند، به کار گرفته خواهد شد.

منبع: وب سایت شبکه خبری رادیو کانادا

▶ کبک ۷۸ هزار تست سریع ID Now که توسط شرکت آبوت Abbott تولید می‌شود، خریداری کرده است.

استفاده شود چرا که پس از گذشت یک هفته، پانیبو دیگر قادر نخواهد بود علائم بیماری را ردیابی کند و در اکثر موارد فقط می‌تواند بار ویروسی بالای موجود در بدن بیمار را تشخیص دهد.

اطلاعات کمی درباره تست‌های آنتی ژنیک مثل پانیبو در دسترس است با این حال می‌دانیم که استفاده از این تست‌ها در آمریکا چندان موفقیت‌آمیز نبوده است. در نوادا نتایج خیلی از این تست‌ها به اشتباه مثبت نشان داده شد و بر عکس، نتایج این تست بر روی برخی از پرسنل کاخ سفید به اشتباه منفی درآمد.

کبک همچنین مقادیری تست‌های سریع ID Now را نیز دریافت کرده است. گفته می‌شود حساسیت و قدرت ردیابی این تست بهتر از پانیبو است. طبق اسنادی که رادیو کانادا به آنها دست یافته، ID Now بین ۹ تا ۲۵ درصد بیماران مبتلا به کووید را شناسایی نکرده است. به همین علت توصیه می‌شود این تست نیز اساساً برای بیماران دارای علائم در اولین روزهای ابتلا به بیماری استفاده شود اما مشکل اصلی در خصوص این تست، روش استفاده از آن است.

با توجه به پیچیده بودن نحوه استفاده از تست ID Now، برای به کار گرفتن آن چندین اقدام احتیاطی باید رعایت شود. وسایل و سواب‌های مخصوصی برای استفاده صحیح از این تست لازم است. علاوه بر این، لازم است که این تست در همان مکانی که گرفته می‌شود و در عرض یک ساعت تجزیه و تحلیل شود. مشکل دیگری که وجود دارد این است که دستگاه مخصوص تجزیه و تحلیل نتیجه تست ID Now فقط می‌تواند نتایج ۴ تست را طی یک ساعت تجزیه و تحلیل کند و



به گزارش هفته، به نقل از رادیو کانادا، اگر استان کبک در استفاده از تست‌های سریع غربالگری کووید ۱۹ ارسالی دولت فدرال با تاخیر و تعلل عمل کرده، به این علت است که درباره کارایی آنها تردیدها و محدودیت‌هایی وجود دارد. برخی منابع آگاه به رادیو کانادا اعلام کردند حساسیت این تست‌ها در ردیابی کروناویروس جدید به اندازه‌ای نیست که بتوان روی نتیجه آنها بدون استناد به نتیجه یک آزمایش دیگر که در آزمایشگاه انجام شده است، حساب کرد. این منابع که از بیم سیاسی شدن موضوع ترجیح می‌دهند هویت خود را پنهان نگه دارند، معتقدند احتمال نتایج منفی اشتباه این تست‌ها به اندازه‌ای زیاد است که نمی‌توان صرفاً به آنها استناد کرد و برای شناسایی بیماران به تنهایی از آنها استفاده کرد.

این منابع در عین حال می‌گویند گر چه حساسیت و کارایی تست‌های سریع خیلی بالا نیست اما آن‌قدرها هم بی‌فایده نیستند. در شرایط فعلی بهتر است که از این تست‌ها در چارچوب‌هایی که توسط مسئولان بهداشت و درمان تعیین شده است، استفاده شود.

کارایی تست‌های سریع گاهی ۵۰ درصد بیشتر نیست

دولت فدرال دو نوع تست غربالگری سریع کووید ۱۹ به کبک ارسال کرده است اما در خصوص استفاده از این هر دو تست، محدودیتها و تردیدهای زیادی وجود دارد. تست پانیبو Panbio در مقادیر بالایی به کبک ارسال شده و مسئولان استان اعلام کرده اند که ۱.۲ میلیون از این تست‌ها را در اختیار دارند. گفته می‌شود تست پانیبو قادر نیست کد ژنتیکی ویروس را رمزگشایی کند بلکه فقط می‌تواند ملکول‌های موجود در سطح ویروس را رمزگشایی نماید. این نقیصه موجب شده است که پانیبو احتمالاً نتواند ۲۰ تا ۳۰ درصد از مبتلایان به کووید ۱۹ را شناسایی کند. برخی از مطالعات حتی نشان داده‌اند که تست سریع پانیبو از هر دو مورد آلوده به ویروس کرونا فقط یکی را به درستی تشخیص داده است.

برای افزایش کارایی، توصیه می‌شود که از تست پانیبو برای بیماران دارای علائم در هفت روز اول بیماری

نوشته: ملیا کاماتروس، روزنامه‌نگار و فعال علیه خشونت زنان در مونترال
ترجمه: مریم ایرانی



خشونت دیگر کافی است همه ما باید در مقابل آن بایستیم

بود و شناسایی و کمک به قربانیان خشونت تحت تاثیر فاصله اجتماعی و قرنطینه مشکل و غیرممکن بود.

- مشکلات و محدودیت‌های قبلی هم که در مسیر کمک به قربانیان خشونت وجود داشت به دلیل قرنطینه افزایش پیدا کرده بود.
- کارمندان پناهگاه‌های زنان هم تعدادشان کاهش پیدا کرد زیرا به دلیل کرونا می‌ترسیدند کار کنند.
- مسائل حقوقی و قانونی مانند حضانت مشترک و انتقال سرپرستی فرزندان هم به دلیل کرونا تحت تاثیر قرار گرفتند.
- همچنین زنان زیادی به دلیل اینکه نگران ابتلای خود و فرزندانشان به کرونا در پناهگاه‌ها بودند، آزار و اذیت‌ها را تحمل می‌کردند.

اقداماتی که در کبک در طی کرونا انجام شدند
در کبک در جریان موج اول، در مارس سال ۲۰۲۰، اداره بهداشت عمومی به همراه کمیته‌ای، پناهگاه‌های موقتی را در هتل‌ها ایجاد کردند تا افراد بتوانند در آن‌ها قرنطینه شده و بعداً به پناهگاه‌های اصلی منتقل شوند. سیستم قرنطینه بعداً لغو شد و برخی از پناهگاه‌ها مراحل آزمایش اولیه را برای زنان قبل از ورود به پناهگاه برقرار کردند. تا زمانی که نتایج آزمایشات این زنان معلوم شود آنان در خانه‌های امن دیگری ساکن می‌شدند و اگر نتیجه آزمایش منفی بود به پناهگاه اصلی منتقل می‌شدند. اگر هم جواب آزمایششان مثبت بود باید به محل دیگری می‌رفتند.

مجموعاً بیماری کرونا، شرایط سختی را برای زنانی که قربانی خشونت بودند ایجاد کرد. خشونت علیه زنان، مورد سواستفاده قرار گرفتن و آزار توسط همسر، شریک عاطفی و اعضای خانواده، پدیده‌ای است که در سکوت، ترس و شرم ایجاد می‌شود. خانواده، جامعه و شرایط دیگر ممکن است زنان را تحت فشار بگذارند که هرگز درباره خشونت‌های علیه آن‌ها صورت می‌گیرد، افشاگری نکنند. خشونت علیه زنان، نقض حقوق بشر، نقض حقوق انسانی و آزادی است. خشونت دیگر کافی است. همه ما باید در مقابل این خشونت بایستیم و نگذاریم بیش از این قربانی بگیرد.

آمارهای جهانی درباره خشونت زنان در دوره همه‌گیری:

- در ایتالیا، درخواست برای کمک به زنانی که قربانی خشونت شدند ۷۵ درصد افزایش داشته است.
- در یونان تماس با مراکز کمک به قربانیان خشونت ۴ برابر شده‌اند.
- در اسپانیا و پرتغال گزارش‌های زن‌آزاری افزایش پیدا کرده و ۱۵ نفر هم در بازه ماه مارس تا ژوئن ۲۰۲۰ کشته شده‌اند.
- در آلمان در هر ۴۵ دقیقه یک زن توسط شریک عاطفی‌اش مورد حمله قرار می‌گیرد.
- در فرانسه افزایش ۴۲ درصدی خشونت در دوره قرنطینه اول و ۱۵ درصدی در دوره دوم گزارش شده است.
- در انگلستان، از ماه مارس تا ژوئن در حدود ۱۸ درصد خشونت خانگی افزایش داشته است.
- در ترکیه ۲۳۴ زن از ابتدای سال ۲۰۲۰ تا به امروز به قتل رسیده‌اند.
- در بنگلادش خشونت و تجاوز به زنان در دوران کرونا در حدود ۴ برابر شده است.

در آمریکای شمالی

- در آمریکا در حدود ۱۰ میلیون مورد خشونت خانگی در ابتدای قرنطینه گزارش شده که در حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد افزایش نشان می‌دهد.
- در کانادا، سه زن در سه روز در ماه مارس و در طی اولین قرنطینه به قتل رسیدند. تماس با پناهگاه‌های زنان ۵۵ برابر شدند و عده‌ای از زنان هم به دلیل ترس قادر به تماس نبودند.

همه‌گیری کرونا چه تاثیری روی خشونت خانگی دارد؟

- دسترسی به خدمات حمایتی از زنان قربانی را محدود کرده است.
- کسانی که این سرویس‌ها را ارائه می‌کردند به دلیل اینکه خودشان با محدودیت مواجه شده بودند نمی‌توانستند مانند قبل کار کنند.
- به دلیل کرونا، دسترسی به خدمات پزشکی کم شده

۲۵ نوامبر روز جهانی منع خشونت علیه زنان است و آغاز رسمی ۱۶ روز فعالیت برای پایان دادن به خشونت مبتنی بر جنسیت است که در ۱۰ دسامبر پایان می‌یابد.

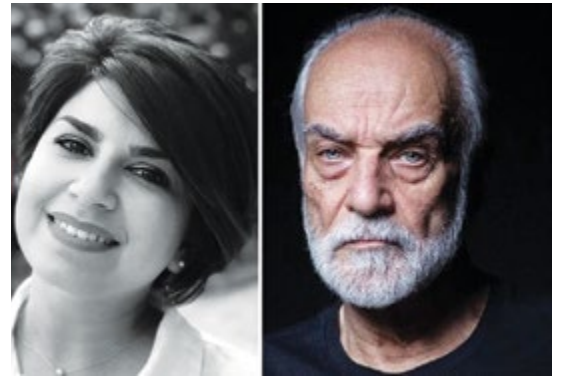
در این روز، بسیاری از تظاهرات و اعتراضات زنان و سایر گروه‌ها در سراسر جهان برگزار می‌شود تا ما هنوز بخاطر داشته باشیم که چنین اعمال خشونت آمیزی بر علیه زنان همچنان در حال وقوع است. خشونت علیه زنان یک مقوله کلی است که شامل موارد زیر است: ازدواج‌های اجباری، خشونت‌های ناموسی و ختنه دستگاه تناسلی. خشونت‌هایی که اعضای خانواده آنها در حق این زنان و دختران انجام داده‌اند. تجاوز جنسی هم یکی دیگر از مصادیق خشونت است و البته درگیری‌ها و نزاع‌های زناشویی.

طبق اعلام سازمان ملل، خشونت بر علیه زنان در زمان بحران کرونا افزایش بیشتری داشت. تخمین زده می‌شود که در این دوران، بیش از ۲۴۰ میلیون زن در سراسر جهان آسیب دیده‌اند. از هر سه زن در سراسر جهان یک نفر مورد آزار جسمی یا جنسی قرار گرفته است. و اینکه ۵۰ درصد از زنان کشته شده در سراسر جهان یعنی در طی این مدت در حدود ۴۳۰۰۰ نفر بودند که در یک خانواده کشته شده‌اند. این رقم به معنی کشته شدن در حدود روزانه ۱۱۷ زن است.

اما تعریف خشونت بر علیه زنان در فرهنگ لغت دنیای امروز که درگیر بحران یک بیماری همه‌گیر است چه تغییری می‌کند؟

در واقع بحران همه‌گیری کرونا، باعث دو برابر شدن قربانیان زن در برابر خشونت جنسی شده است. زنان بیشتری هستند که بر حفظ جان خود بی‌مناکند، زیرا در طی قرنطینه‌های اجباری حاصل از این همه‌گیری، مجبورند مدت طولانی‌تری در محاصره یک همسر متجاوز بمانند. بیشتر این زنان بیکار و ناتوان هستند. اگر مهاجر باشند زبان بلد نیستند، هیچ حمایتی ندارند و حتی در بهترین شرایط نمی‌توانند به خدمات دولتی مورد نیاز خود دسترسی پیدا کنند و این مساله را پیچیده‌تر می‌کند.

توییت کوچکی که یک کارزار بزرگ به پا کرد خشونت علیه زنان و پایان سکوت یک روزنامه‌نگار زن



به مناسبت ۲۵ نوامبر تا ۱۰ دسامبر، روزهای جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان در جهان

تجربه‌ام نوشتن تا شاید نقطه آغازی باشد بر طرح علنی اتفاق‌های مشابه.»

با رشد و قدرتمند شدن این کارزار، زنان بیشتری توانستند که از خود و تجاربشان بگویند و به دنبال این توییت کوچک، تغییرات بزرگ کم کم از راه رسیدند. ایندیندنت فارسی در اوایل ماه نوامبر گزارش داد که انجمن صنفی روزنامه‌نگاران تهران، کمیته‌ای را برای رسیدگی به خشونت علیه زنان اختصاص داده است، کاری که تا پیش از آن در ایران سابقه نداشت. در حدود ۱۰۰۰ ایرانی در تورنتو هم با امضای طوماری از جشنواره تیرگران خواستند تا با آیدین آغداشلو چند هنرمند دیگر که به آزار جنسی در این کارزار محکوم بودند، قطع همکاری کند. یکی از این هنرمندان همان کسی بود که آن شب من در آن هتل در تورنتو، قرار بود با او مصاحبه کنم.

بعنوان یک زن روزنامه‌نگار ایرانی که در طی این سال‌ها به طور مستقیم و یا از طریق شنیدن تجارب دیگران، با مساله خشونت بر علیه هم‌جنس‌م‌روبرو بوده‌ام، باید بگویم که من از این ماجرا بار دیگر آموختم که تغییر در وضعیت من و یا کسانی مانند من، با اقدامات خیلی بزرگ و یا عجیب شروع نمی‌شوند.

یک زن روزنامه‌نگار به من نشان داد که تنها با اشتراک یک تجربه شخصی می‌توان، زنان و مردان زیادی را تحت‌تاثیر قرار داد. تجربه‌های شخصی آدم‌ها و به ویژه روزنامه‌نگاران، بخش مهمی از هویت و کار و نگاه آنان به دنیا را شکل می‌دهند. تجاربی که چه به آن‌ها افتخار کنیم، چه از آن‌ها خجل باشیم، صادقانه و قابل درک‌اند و احساس مشترک عده زیادی در یک جامعه می‌توانند باشند. می‌توانند به کسانی که جسارت و قدرت یک روزنامه‌نگار را ندارند که آن‌ها را به قلم بکشند، دلگرمی بدهند که تنها نیستند. من بعنوان یک روزنامه‌نگار زن از این توییت کوچک سارا امت علی آموختم که صدای آنانی باشم که خشونت را حس می‌کنند، رنج آن را در طی سالیان بر دوش می‌کشند و همواره در تنهایی و سکوت، از حمل آن شرمگینند. من نخواهم گذاشت تا صدای آنان ناشنیده باقی بماند.

سکوتی مصلحت‌آمیز که ریشه در بارورهای عمیق و دیرینه مردسالاری یک جامعه سنتی و مذهبی دارد و زنان را مجبور می‌کند که برای حفظ موقعیت شغلی، اجتماعی و خانوادگی خود خاموشی گزینند. با این حال در سپتامبر ۲۰۲۰، بالاخره این سکوت دیرینه را توییت بسیار کوتاهی

از «سارا امت علی» روزنامه‌نگار سابق ایرانی شکست. او توییت کرد: «دیگر دلیلی بر حمل مصلحت‌اندیشانه این روایت نمی‌بینم.» توییت او درباره ماجرای یک ملاقات کاری با یک نقاش و هنرمند بسیار مشهور ایرانی، آیدین آغداشلو، بود که ۱۴ سال قبل در دفتر کار او اتفاق افتاده بود. روایتی از خشونت و آزار جنسی. امت علی به گفته خودش سال‌ها این آزار و رنج را با خود کشیده بود اما حالا نوبت افشاجاری بود. افشاجاری که او به خاطر دادن فرصتی به سایر همکاران و زنانی انجام داد که سال‌ها جسارت عنوان کردن آنچه بعنوان آزار و خشونت دیده بودند را نداشتند.

توییت کوچک امت علی، آغاز کارزاری بزرگ و غیرقابل توقف در ایران بود. کارزاری علیه هرگونه خشونت و آزار جنسی و جسمی که علیه زنان در همه این سال‌ها روا داشته شده بود. دهه روزنامه‌نگار زن دیگر به این کارزار پیوستند. به گزارش نیویورک تایمز در ماه اکتبر، در حدود ۴۵ زن در تماس‌های تلفنی اعلام کردند که توسط آغداشلو مورد آزار واقع شده‌اند و زنان دیگری هم که روزنامه‌نگار نبودند، شروع به افشای ماجراهای ناگفته و شکستن سکوت کردند. به ناگاه جنبشی مانند می‌تو در دنیای مجازی به راه افتاد که الهام بخش آن تجارب شخصی یک روزنامه‌نگار زن بود.

امت علی در یک مصاحبه اعلام کرد: «با خودم فکر کردم تو که در آمریکا زندگی می‌کنی و به مراتب از افرادی که داخل ایران هستند حاشیه امن بیشتری داری، چرا حرف نمی‌زنی؟ از خودم پرسیدم چرا منتظری یک نفر دیگر خطر، حاشیه‌ها و سختی‌هایی که طرح علنی چنین موضوعی دارد را به جان بخرد؟ در برابر این سؤال، پاسخی که برای خودم قانع‌کننده باشد، نداشتیم. به همین دلیل با وجود این که می‌دانستم تحت فشار و اضطراب زیادی خواهم بود، از

یک شب در تابستان سال ۲۰۱۷ در تورنتو بود. من در مقابل ساختمان یک هتل بزرگ ایستاده بودم تا با یک هنرمند ایرانی برای یک گزارش گفت‌وگویی بگیرم. این اولین بار بود که بعد از مهاجرت به کانادا دوباره تصمیم به کار در حرفه روزنامه‌نگاری گرفته بودم و خودم را از هر حیث رها و با اعتماد به نفس می‌دیدم. من و او با هم در لابی هتل برخورد کردیم و من درخواست مصاحبه را در میان گذاشتم.

«من با تو گفت‌وگو می‌کنم ولی قبلاً با هم باید برویم یک پارتی شبانه. امشب که بگذرد من همه سوالات را جواب می‌دهم.» لبخند زد. من آن لبخند را می‌شناختم. زبان بدنش را خوب می‌فهمیدم و وقتی دستش را بدون اراده من روی بازویم گذاشت از خودم پرسیدم که چرا باید در کانادا هم با چنین پدیده‌ای روبرو شوم. شوکه و بی‌حرکت برجای مانده بودم. این نخستین بار در مسیر حرفه‌ای زندگی‌ام نبود که با درخواستی با هدفی روشن که به ماهیت کار مربوط نبود روبرو می‌شدم اما در ایران نمی‌دانستم که همه این رفتارهایی که برایم روزگاری عادی بود، مصداق بارز خشونت بر علیه یک زن است.

طبق آمار رسمی یک نظرسنجی در ایران که در فوریه ۲۰۲۰ انجام شده است در حدود ۹۰ درصد روزنامه‌نگاران زن ایرانی با انواع خشونت علیه خودشان در حین کار مواجه می‌شوند. بیشتر این خشونت‌ها، آزارهای کلامی و یا لمس بدون اجازه بدن آن‌ها است. بنابراین، من تنها زن روزنامه‌نگاری نیستم که در آن موقعیت آن شب تابستانی بوده‌ام و و مجبور شدم از آن دیدار و گفت‌وگو، به ناچار چشم‌پوشم، تا خود را برهانم. اما آن شب هم آخرین باری نبود که با این خشونت خاموش روبرو می‌شدم. بارهای دیگری هم اتفاق افتاد که در موقعیت‌های کاری کسی با کلامش، حرف‌هایش و یا حرکت دستانش مرا مجبور کرد که کارم را یا متوقف کنم و یا از مسیر سخت‌تری جلو ببرم. با این حال من در همه این موقعیت‌ها سکوت کردم و ترجیح دادم تجربه‌های شخصی ام برای خودم باقی بماند و هر بار و در همه آن لحظات از خودم پرسیدم این سکوت مصلحت‌آمیز تا کی ادامه خواهد یافت.



خستگی آدرنال چیست؟

وقفه تنفسی در خواب (آپنه) یا بیماری فیبرومیالژیا (نارسایی آدرنال) باشند. آن‌ها برخی از درمان‌های موجود را خطرناک می‌دانند و معتقدند که مصرف بعضی از مکمل‌ها که بدن را به تولید بیشتر کورتیزول مجبور می‌کنند ممکن است باعث از کار افتادن غدد آدرنال بشوند.

در حال حاضر تنها درمان پیشنهاد شده برای سالم کردن این غدد تغییر سبک زندگی و داشتن یک رژیم غذایی سالم و کاهش میزان قند، کافئین و مواد غذایی فرآوری شده است. در عین حال مصرف مقادیر کافی منیزیم، ویتامین ث، ویتامین‌های ب۱۲، ۵ب، ۶ب و مواد غذایی پروبیوتیک و بعضی از مکمل‌های گیاهی برای تولید بیشتر کورتیزول لازم است.

متأسفانه در زندگی پرسرعت و ماشینی امروز فرصت استراحت و خارج شدن بدن از حالت «جنگ یا گریز» وجود ندارد و بسیاری از انسان‌ها به طور مداوم گرفتار ترس و نگرانی از مسائل روزمره زندگی هستند. در این حالت استرس مزمن می‌شود و تعادل طبیعی بدن را که برای سلامت اوبتیموم لازم است به هم می‌زند. این موضوع روند پیری را سرعت می‌بخشد و بدن را مستعد بیماری‌های مختلف می‌سازد.

بنابراین پیدا کردن راهی که بتواند بدن را به حالت آرامش برگردانده و سیستم عصبی پاراسمپاتیک را فعال کند بسیار مهم است. چند تکنیک ساده می‌تواند سبک زندگی شما را در جهت رسیدن به آرامش تغییر دهد.

۱. فعالیت‌های آرامش‌بخش مانند حرکات کششی، یوگا، مدیتیشن و تمرینات تنفسی را در برنامه روزانه خود بگنجانید.

۲. محل کار و زندگی خود را مرتب نگاه دارید و به محیط‌هایی آرامش‌بخش تبدیل کنید.

۳. برنامه زندگی خود را به طور روزانه یا هفتگی تنظیم کنید.

۴. اولویت‌های خود را مشخص کنید و در هر زمان روی یک کار متمرکز بشوید.

۵. اگر حس می‌کنید که بیشتر از ظرفیت خود تحت فشار قرار گرفته‌اید، حجم کارهای تان را کاهش دهید و وقت آزاد داشته باشید.

می‌افتد. میل جنسی کاهش می‌یابد و تولید اسپرم در مردان و چرخه عادت ماهانه در زنان مختل می‌شود.

در مرحله سوم، زمانی که بدن به مدت طولانی تحت تاثیر عوامل استرس زا قرار گرفته باشد ذخیره بدن برای واکنش‌های سریع تحلیل می‌رود و علائم خستگی مداوم و کمبود انرژی ظهور می‌کند. در این مرحله به نظر می‌رسد که بدن توان پاسخ‌گویی به نیازهای روزمره را از دست داده است. پزشکان ناتروپاتی (طبیعی درمانی) کمبود انرژی، احساس خستگی مداوم و تمایل به مصرف غذاهای پرنمک را نشانه عدم عملکرد خوب غدد آدرنال می‌دانند.

غدد آدرنال بخش کوچکی از کلیه‌ها هستند و مسئولیت تنظیم فشار خون و نحوه عملکرد قلب را به عهده دارند، همچنین وظیفه دارند که با آزاد کردن هورمون کورتیزول در مقابل استرس واکنش نشان دهند. البته مقدار مناسبی از هورمون کورتیزول برای داشتن حس خوب و انجام فعالیت‌های روزانه ضروری است، به طوری که با افزایش آن در ابتدای صبح، بدن بیدار و آماده فعالیت می‌شود و با کاهش آن در شب حس خواب‌آلودگی پیدا می‌کند.

نظریه «خستگی آدرنال» اولین بار توسط دکتر جیمز ویلسون در سال ۱۹۹۸ مطرح شد. براساس این نظریه، غدد آدرنال بدن را یک دوره طولانی استرس نمی‌توانند کورتیزول کافی را که برای داشتن انرژی روزانه و هشیاری مغز لازم است تولید کنند.

بنا به اظهارات دکتر ویلسون، «مردم شاید نشانه‌های فیزیکی بیماری را نداشته باشند، اما همچنان احساس خستگی بکنند و این خستگی با خوابیدن هم از میان نرود. این پدیده با استرس شدید همراه است و اغلب باعث بیماری‌های عفونی مثل سرماخوردگی، برونشیت و ذات‌الریه می‌شود.» به عقیده دکتر ویلسون، وقتی بدن تحت استرس قرار دارد، سیستم ایمنی با کاهش عملکرد خود به آن پاسخ می‌دهد.

هنوز تحقیقات علمی کافی در زمینه خستگی آدرنال انجام نشده و هیچ نوع آزمایش خون کاهش تولید غدد آدرنال را نشان نمی‌دهد، بنابراین بسیاری از پزشکان آن را به عنوان یک بیماری واقعی نمی‌پذیرند. به نظر آن‌ها نشانه‌های این بیماری خیلی کلی هستند و می‌توانند ناشی از افسردگی،

استرس یک واکنش طبیعی به اتفاقات هیجان‌انگیز زندگی و در عین حال یک تکنیک سخت‌افزاری است که به عنوان یک ابزار دفاعی در بدن انسان تعبیه شده است. سیستم عصبی سمپاتیک در پاسخ به عوامل تهدیدکننده زنگ خطری را به صدا در می‌آورد و فرمان «واکنش جنگ یا گریز» را صادر می‌کند تا فرد را به عکس‌العمل وادار کند. بدن انسان تفاوت بین جنگ واقعی یا نگرانی‌های ناشی از مشکلات روزمره و کاری را نمی‌داند و وقتی سیگنال‌های تولیدکننده استرس را از جهت مسائل مالی، کاری یا خانوادگی به طور مستمر دریافت می‌کند خسته شده و به مرور از پای درمی‌آید.

پاسخ بدن انسان به استرس را می‌توان در سه مرحله مشاهده کرد. در مرحله اول وقتی بدن وارد فاز ترس و اضطراب می‌شود سیستم عصبی سمپاتیک فعال شده و مغز به غدد آدرنال دستور می‌دهد که هورمون‌هایی مانند اپینفرین و کورتیزول ترشح کند و به کمک آن‌ها بدن را آگاه و برای رویارویی با خطر مجهز کند. با بالا رفتن سطح استرس، قلب شما تندتر می‌زند، فشار خون، قند خون و چربی‌های خون بالا می‌رود، مردمک چشم تنگ‌تر می‌شود و میزان تعریق و تنفس افزایش می‌یابد.

بعد از واکنش‌های اولیه به استرس، بدن باید به شرایط عادی برگردد و مدتی را در حالت استراحت و آرامش بگذراند. ولی اگر واکنش به استرس شدید باشد یا به طور دائم و پشت سر هم اتفاق بیفتد، بدن به مدت طولانی در حالت آماده‌باش می‌ماند و ناچار می‌شود خود را در مقابل عوامل ایجادکننده استرس مقاوم سازد و درجه تحمل خود را بالاتر ببرد. در این مرحله، آزاد شدن بیش از اندازه هورمون‌های استرس به طور گسترده‌تری بر روی بدن تاثیر می‌گذارد. سیستم ایمنی تحلیل می‌رود و بدن مستعد ابتلا به بیماری‌های مختلف می‌شود. اختلالات رفتاری مانند خشم، افسردگی، کمبود انرژی و بی‌خوابی، فشار خون، بالا رفتن ضربان قلب، کلسترول بالا و خطر حمله قلبی، اسپاسم معده، رفلاکس و تهوع بروز می‌کند، ذخیره چربی به خصوص در قسمت‌های میانی بدن افزایش می‌یابد، احساس گرسنگی و میل به غذا دچار اختلال می‌شود. پوکی استخوان، دردهای عضلانی و تخریب مفاصل اتفاق



اولین گام بعد از دریافت شکایت شخصی چیست؟



موعد مقرر در پروتکل پرونده ارائه داده نشود، دبیر دادگاه پرونده را برای قضاوت تنظیم می کند.

صدور حکم پیش فرض:

هنگامی که خواننده دفاعیه ارائه نکند و در دادگاه مشارکت نکند قضاوت «به صورت پیش فرض» در نظر گرفته می شود. در دادگاه های دعوی کوچک، به محض اتمام مهلت ۲۰ روزه از تاریخ درخواست، ممکن است حکم به صورت پیش فرض صادر شود. این مدت زمانی است که برای خواننده تعیین شده است تا یکی از گزینه های پیش رو را انتخاب کند. اگر خواننده در جلسه دادگاه حاضر نشود نیز ممکن است به صورت پیش فرض در جلسه دادرسی یا پس از رسیدگی به پرونده رای صادر شود.

تجدیدنظر در قضاوت:

اگر به دلیل معتبری خواننده نتوانسته در زمان تعیین شده از خود دفاع کند یا در جلسه دادرسی در جلسه تعیین شده حاضر شود، «تجدیدنظر در قضاوت» خواننده می شود. این تجدیدنظر در قضاوت با فرجام خواهی متفاوت است و نمی توان حکم را بر مبنای اشتباه قانونی توسط قاضی کنار گذاشت. درخواست تجدیدنظر قضاوت بایستی با سوگند با استفاده از درخواست ابطال فرم قضاوت صورت گیرد. طرف بازنده ۳۰ روز از تاریخی که از حکم مطلع می شود فرصت دارد تا درخواست خود را به دفتر بار ارائه دهد. هیچ درخواستی بعد از گذشت ۶ ماه از تاریخ صدور حکم دریافت نمی شود.

درخواست تجدیدنظر پس از ثبت توسط قاضی بررسی می شود و او تصمیم می گیرد آیا تجدیدنظر قابل قبول است یا اینکه دادرسی جدید برای رسیدگی به پرونده لازم است.

توجه: متن فوق اطلاعات عمومی در خصوص موضوع مقاله است و در صورت بروز مشکل حقوقی، خواننده می بایست از وکیل خود، مشاوره حقوقی دریافت نماید. نگارنده مقاله و مجله «هفته» هیچ مسئولیتی در مورد ابعاد حقوقی این متن نخواهند داشت.

برای اطلاعات بیشتر یا برقراری ارتباط می توانید به وبسایت دفتر حقوقی Riahi Legal مراجعه و سوالات خویش را از وکیل دادگستری کبک، خانم نیوشا ریاحی بپرسید. www.riahilegal.com

توسط وکیل نمایندگی نشده است به خود خواهان ابلاغ می گردد. اگر نام دو یا چند خواننده در احضاریه آورده شده است، خواهان موظف است پاسخ های دریافتی و نام و کلاهی خواننده ها را به تمامی طرفین اطلاع دهد.

موارد قابل ذکر در پاسخ:

در نامه پاسخ بایستی اطلاعات مربوط به دادگاه، شعبه دادگاه، شماره پرونده، نام خواهان و نام خواننده ذکر شود. اگر خواننده وکیل دارد در نامه بیان می شود که وکیل خواننده کیست و اطلاعات وکیل شامل نام، آدرس، شماره تماس و ایمیل در نامه ذکر می شود و سپس به دادگاه و به وکیل طرف مقابل ارسال گردد. در محتوای نامه ی پاسخی که از طرف شما و یا وکیلتان ارسال می شود، شما بایستی مشخص کنید که کدام یک از گزینه های پیش رو را انتخاب می کنید:

گزینه های شما برای پاسخ عبارتند از: مذاکره برای حل و فصل، دفاع از خودتان در دادخواست، ایجاد پروتکل با خواهان، پیشنهاد میانجیگری و یا کنفرانس حل و فصل. بعد از آماده شدن پاسخ، می توانید دو کپی از آن تهیه نمایید. یکی از آن کپی ها را به خواهان و یا وکیل خواهان (یعنی کسی که علیه شما ادعایی مطرح کرده است) به آدرس قید شده در دادخواست ارسال نمایید. بعد از آن اصل پاسخ به همراه کپی دیگری که دارید به دفتر دادگاه ارسال نمایید.

عدم ارائه پاسخ:

همانگونه که در ابتدای این مقاله عنوان شد، شما نباید ادعای دریافت شده را نادیده بگیرید. نادیده گرفتن دادخواست دریافتی و عدم اقدام برای پاسخ به آن، به منزله آن است که شما حقایق ادعا شده در دادخواست را قبول دارید.

در صورت عدم پاسخ به پرونده، روند رسیدگی به پرونده همچنان ادامه خواهد داشت و ممکن است بدون اینکه شما فرصتی برای دفاع از خود داشته باشید، حکم علیه شما صادر شود و مجبور شوید که هزینه های حقوقی آن را بپردازید. معمولاً در قسمت های پایانی احضاریه ضمانت اجرای عدم پاسخ در موعد مقرر قید می گردد که باید به آن ها توجه شود. به موجب ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی مدنی، اگر خواننده به احضاریه پاسخ ندهد و دفاعیه در

در مقاله هفته گذشته درباره اولین مرحله از مراحل قانونی دعاوی مدنی که شامل ارائه «دادخواست اولیه» است، صحبت کردیم و خاطر نشان کردیم که با فرستادن دادخواست اولیه و احضاریه به خواننده پروسه قانونی دعاوی مدنی آغاز می شود. مرحله بعدی این فرآیند، ارائه پاسخ توسط خواننده است. در این مقاله، سعی می شود که به این مرحله از مراحل قانونی دعاوی مدنی پرداخته شود.

«پاسخ» به درخواست اولیه

در حقوق مدنی کانادا، پاسخ اولین قدم توسط خواننده است که معمولاً پس از ابلاغ دادخواست مدنی توسط خواهان به او، در مدت زمانی مشخص برداشته می شود. اگر شما به عنوان خواننده پرونده دادخواستی دریافت کرده اید، نباید آن را نادیده بگیرید و بسیار مهم است که آن را با دقت بخوانید.

این دادخواست آنچه را از شما خواسته شده بیان می کند و احضاریه ضمیمه آن است. به موجب ماده ۱۴۵ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان، خواننده را به وسیله احضاریه ای که به دادخواست متصل شده احضار می کند. احضاریه شامل لیستی از پیوست ها در حمایت از دادخواست است و به خواننده اطلاع می دهد که آن ها در صورت نیاز موجود هستند. در احضاریه دستورالعمل هایی نوشته شده که بطور خاص نشان می دهد چه مدت زمان لازم دارید تا پاسخ خود را کتبا ارسال کنید. دقت کنید احضاریه نیازی به حضور شخصی شما در دادگاه ندارد و مستلزم آن است که مدرکی تحت عنوان «پاسخ» نزد دبیر دادگاه ثبت کنید و مبلغ آن را به عنوان هزینه تشکیل پرونده پرداخت کنید. ارسال پاسخ و ثبت آن در دادگاه، این اطمینان را به شما می دهد که هرگونه پرونده یا سندی توسط طرف مقابل ارسال شده را دریافت می کنید.

اگر شما به عنوان خواننده قصد دفاع از خودتان را دارید، از زمانیکه مامور ابلاغیه «دادخواست اولیه» و احضاریه را به دست شما می دهد، ۱۵ روز مهلت دارید که پاسختان را ارسال کنید یا از وکیلتان بخواهید که از طرف شما این کار را انجام دهد. اگر نامه پاسخ را خودتان پر می کنید نام و اطلاعات خودتان و اگر وکیل دارید نام و اطلاعات وکیل در نامه قید می شود.

پاسخ به احضاریه که شامل اطلاعات تماس خواننده یا وکیل او است به وکیل خواهان ابلاغ می شود و اگر خواهان

به یاد مولانا در محفل خزانی نوای نیستان
دا راډیو کابل افغانستان دی.
دا راډیو افغانستان کابل دی.

آریان



نوای نیستان

۱۵ نوامبر ۲۰۲۰
از ۲ تا ۴

ZOOM &
Facebook

به یاد مولانا در محفل خزانگی نوای نیستان

برنامه یادی از مولانا جلال الدین بلخی، روز یکشنبه، ۱۵ نوامبر سال ۲۰۲۰ از ساعت ۱۴ تا ۱۶ توسط گروه فرهنگی «نوای نیستان»، روز پلاتفرم زوم برگزار شد.

سخن گوینان این برنامه جناب داکتر کمال سید، حمیرا مقدر، عنایت پوپل، حمیرا جباری، غلام دستگیر نایل، عزیزه عنایت، پرستو مهدوی، لطفی هروی و حسیب فضل بودند.

به گفته جناب حسیب فضل؛ از مولانا گفتیم، خواندیم و یاد کردیم.

همچنان جناب داوود فاضلی یک پارچه آهنگ که شعرش از مولانا و بندش (کمپوز) از خودش بود تقدیم نمود.

سخنرانی جناب داکتر کمال سید در برنامه آن روز:

باز دوستان و دوستداران نوای نیستان آهنگ آسمان گردی دارند. این بار گردهم آیی مجازی از ورای زوم در گرمی داشت، یاد گرانقدر مولانا برگزار شده است. در مورد زندگی نامه مولانا، پیرامون چگونگی فهم کلام او و در وصف اشعارش آگاهان صاحب نظر همه بارها زیبا و گوارا نوشته اند.

من در مورد مولانا برداشتم را از دید فن خودم پیشکش می کنم. فن من همان است که در مضمونی زیر نام حماسه نگاری تشریح کرده ام که چنین خلاصه می شود: علاقه مندی من به آن گوشه روانشناسی بر مبنای روانکاوی ست که در مجاورت بسیار نزدیک بخش فرهنگی انسان شناسی قرار دارد. درین فن سیر ارتقائی و تساعدی دانش یک شخص با پیداوار فکری اش تحلیل می شود. ازین دید راهی را که مولانا پیموده سه مرحله دارد.

مرحله اول پیدایش طفل ناز پروردی به نام جلال الدین در یک کانون فهم و دانش است: پدرش استاد بها، استاد مدرسه صوفیه بلخ بود و در عین زمان یک عارف صاحب نظر راه پیموده شناخته شده است. مادرش هم دختر یکی از استادان مدرسه و برخوردار از فهم و دانش بوده و بارها به فرزند خردسالش از آداب و از راه و رسم بزرگان سخن گفته است. گویا جلال الدین خردسال در گهواره دانش بزرگ شده. در جوانی در سفری به معیت پدر به سوریه رفت و با استادان مدرسه پارسی گوینان سوری (سوریه) که

پدرش را می شناختند آشنا شد. درین زمان با دختر یکی از استادان این مدرسه ازدواج کرد. همسرش یک عرب دختر خوش چهره بود و به زبان فارسی آشنایی کافی داشت از شروع با مولانا فارسی حرف می زد. ازین وصلت پسری به دنیا آمد که بالایش نام پدر مولانا را گذاشتند و وی را بها ولد نامیدند. جلال الدین دیگر به پختگی رسیده، از زحمت کشی و فهم و دانشی که داشت استاد مدرسه قونیه قبول شد. درین مدرسه یک درس خاص را که آمیخته با تصوف و ادبیات بود ایجاد کرد و مولوی مدرسه شناخته شد. این است مرحله اول زندگی مولانا.

مرحله دوم زندگی مولانا، شناسائی با مولانای شاعر است. در این مورد هم فن من گفتنی ها دارد، به دستور آن گفته و نوشته ام که شعر یک هنر است و مثل هر هنر، بیان ارتقا یافته انگیزه ها است. در روانشناسی این ارتقاگزینی انگیزه ها را تصاعد یا اعتلا یا سوبلیمسیون می گویند. انسان انگیزه ها را با وجودی که طبیعی و انسانی اند که ازین رو، باید معصومانه می بود، به شکلی که احساس می کند بیان کرده نمی تواند، این

نتوانستن به خاطر رعایت دستور ملامتگر جامعه است که به خاطر ممانعت مبنی به صلاح یا تبو، انسان دست باز ندارد. شاعر است که این احساس را در بیانش به زیبایی پیچانیده می‌گوید گویا گفته‌ها و ناگفتنی‌ها را به خوب‌ترین شیوه گفته است، این هنر والای شاعر است و مولانا از تاج‌داران این گروه است، که در گفت و نگفت درهم آمیزی می‌کند و قراری که در مضمونم در مورد سبک هندی گفته بودم، مولانا هم از حیطة و معنی سنتی کلام، فرا روی‌ها دارد او هم زیبایی چهره را گاهی نمک، گاهی شعله گفته و زمانی هم شمع گفته است. مولانای شاعر در مثنوی روشن‌گر راه و رسم صوفیان است و بیشتر الهام شریعتی دارد و اما در بیان عارفانه‌اش، در غزل‌هایش (در دیوان شمس تبریزی)، به راحتی در جذب و چسپ حلاجیست (منصور حلاج) در یک مضمونم نوشته بودم که منصور در اشتیاق جذباتی، در بیخودی از خود، خداوند را با همه خداوندی‌اش در خودی خود مدغم پنداشته و پندارش را بلند گفته است به حدی که تحمل شنیدن این پندارش در گوش هم‌زمان‌هایش دشوار افتاد. مولانا این احساس را بارها به راحتی بیان کرده چنانچه گفته است: (در غزل ۱۹۲ دیوان غزلیات شمس تبریزی)

آنچه دل جویای آن بوده است، با دل بوده است

و آنچه جان تحصیل آن می‌کرده حاصل بوده است

مولانا در فرا روی‌های خود گاهی سخن را از ورای شمس به یزدان می‌کشاند و شمس را آن دَر کُشوده می‌شمارد که از ورای آن، در دید جولانگاه لایزال در لامکان سَر می‌زند. گاهی هم ساده‌تر ازین همه می‌گوید: شمس من و خدای من.

مرحله سوم زندگی مولانا، شرح زمانی است که مولانا زیر نگاه خانمان سوز شمس آتش گرفته است. در شناخت مولانای آتش گرفته، شناسائی شمس حتمی می‌شود.

من دلائل بی‌شمار دارم که شمس هم دانش و هم جذب و چسپ چمامی دارد. در مورد چمان‌ها، در یک مضمونم زیر عنوان کیش چمانی و هم در یک مضمون دیگر زیر عنوان علاج‌گران آسیای میانه با الهام از نوشته‌های میرسی الیاد و هم از تماس‌های مستقیم با صوفی‌ها و بخشی‌های شمال افغانستان (در وطن ما چمان را بخشی می‌گویند) شرح طولانی نوشته‌ام که چنین خلاصه می‌شود:

قرار تحقیق می‌رسی ایلیاد چمان‌ها در شمال آسیای میانه (در سرزمین یاقوت‌ها) کیش چمانی را که متکی به اندیشه چمانی بود رایج ساختند و تمریناتی را به راه انداختند تا به کمک آن به نیروی باطنی انسان راه‌یابی کنند. این‌ها کاشفین روح انسان‌اند که چمان‌ها به آن روان گفته‌اند. این‌ها مراحل شی پرستی و آفتاب پرستی را گذشتانده بودند وارد فکر یکتا پرستی شده بودند. دانش چمانی زمانی که به آسیای میانه به دیار جنوبی‌تر، بین بلخ و بخارا رسید به صاحب نظران این دیار فکر نو آموخت، این‌ها که تا هنوز کیش آفتاب پرستی و پیشه جادوگری داشتند به یکتا پرستی راه یافتند و گفتند که انسان باید بجای آفتاب، آن را بپرستد که به آفتاب هم نور و هم گرمی داده است. جادوگران را در کارشان تقبیح کردند و به آن‌ها شیوه‌های علاج‌گری و تمرینات چمانی را در راه تماس با روح انسان تعلیم دادند و فن علاج‌گری را ترویج نمودند. چمان علاج‌گر از نیاز مند می‌شنود و خودش حق ندارد چیزی بگوید زیرا در اندیشه چمانی آمده که چیزی گفتن از یک چیزی گفتن است اما با هیچ نگفتن همه چیزها گفته شده است.

قرار این اندیشه سکوت علاج‌گر، دلیل علاج نیازمند است. فروید زمانی که تعلیمش را به نام علم روانکاوی تشریح نمود گفت که در کشفیات‌اش از علاج‌گران مشرق زمین الهام گرفته است. علاج فرویدی هم مبنی به همین بیان نیازمند و در سکوت شنیدن علاج‌گر است. فروید تأکید کرده که بین علاج‌گر که در زبان فرویدی آنالیست گفته می‌شود و نیازمند گوینده، یک رابطه خاص و عمیق برقرار می‌شود که فروید به آن ترانسفر گفته است و من آن را در درس‌هایم گاهی ارج، گاهی ارادت و گاهی هم اخلاص گفته‌ام و همه صبغه جذباتی دارد.

در اندیشه چمانی آمده که هرگاه یک کلمه به یک شی اصابت کند از حیطة معنی می‌افتد و اما هرگاه در ساحه احساس و بالاتر از احساس بماند در حیطة معناست. مثلاً گوارا، فرحت و غیره که در حدود احساس اند گاهی هم بالاتر، با درک همین مطلب شمس در شرح خط سومش می‌گوید: آن خطاط سه خط نوشتی، یکی را هم خود خواندی هم غیر او، (این همان خط حیطة لفظی ست که یکی مینویسد و دیگری می‌خواند) یک خط دوم نوشتی که خود خواندی لا غیر (این خط حاوی

یاد داشت‌های محرمانه شخصی ست که تنها خود شخص چون می‌داند می‌خواند) شمس ادامه می‌دهد و می‌گوید: یک خط سوم نوشتی که نه خود خواند نه غیر او، آن خط سوم منم. (گویا درین جا اشاره به بالاتر از معنی ست). مولانا به مجردی که با شمس با این همه دانش و با این همه وزن وزینش روبرو شد خود را در نیازمندی دریافت و با دو دست خالی به پیش مثل دو‌عاگویان در طلب افتاد.

چی چیز سبب نیازمندی مولاناست؟ در شرح زندگی‌نامه مولانا گفته شد که مولانا کمبودی نداشت از گرمی آغوش یک خانواده آسوده گرفته تا استقبال شایان جامعه در برابر استعدادهای علمی‌اش در مدرسه و توانمندی هنری‌اش در شعر و بیان. در روانشناسی گفته شده که نبودن کمبود باعث ایجاد مشکل می‌شود. رومن رولان که معاصر فروید بود نوشته؛ که انسان در هر کجایی که هست احساس یک کمبود را در خود دارد فروید ازین فکرش در تأیید بود، من این مطلب را در شرح خودی در مضمونی نوشته‌ام. در انسان‌شناسی آمده که کمبود زمینه‌ساز شیرازه تلاش است.

در روانشناسی تحلیلی قرار نظر ژک لکان که در روانکاوی نوآوری‌ها دارد همین کمبود زمینه‌ساز آرزو پنداشته شده و در نقشی که دارد جبران ناپذیرش گفته است زیرا در نبودنش کمبود، کمبودی خواهد کرد و ازین درک سازمان روانی در مخالفت می‌افتد. در حماسه‌ها هم پیرامون این مطلب گفتنی‌ها دارم: در یکی از داستان‌های هزار و یک شب گفته‌اند که یک شاهزاده از بس هر چی داشت، گاهی در دیار دور در لباس گدایان به گدائی می‌رفت. در داستان‌های بغداد هم آمده که سلطانی تخت و تاج را چند روزی به یک معاون وفادار می‌سپرد و خودش در دیار دور کجکول به گردن با گدایان می‌زیست. (بدین منوال به خود شرائط کمبود را ایجاد می‌کردند).

مولانایی که هیچ کمبود نداشت روزگار آن سلطانی را بیاد می‌آورد که در گنج و کنار روان و ناآگاهی‌های روانش از نبودن کمبود خود را محتاج یافته بود و از قضا شمس چون گنج قانونی رو بروی این سلطان گدا شده، قرار گرفت همه غزل‌های ناب دیوان شمس تبریزی نگاشته مولانا، دست طلب گدائی این سلطان است به پیشگاه گنجینه‌وار شمس.

کمال سید، بروسارد ۱۵ نوامبر سال ۲۰۲۰

د راډيو کابل پخوانی لارود سپيکر



دا راډيو افغانستان دی. دا راډيو افغانستان کابل دی.

د لاری د ښاریانو تر غوړو ورسیري، راډیو کابل د خپلو ځانگړو اصولو په چوکاټ کې فعالیت درلود. نوموړی اصولو په ۱۳۳۲ کال د یوه قانون په شکل چاپ سویوه، د دی اوسلو یوه ماده داسی وه، چه هیچ څوک نه سی کولای چه بیله رسمی اجازي پرته راډیو درلودل بیا رغول او واردولو چاری پرځای کړی یعنی د حکومت څخه باید رسمی اجازه پانه تر لاسه کړی.

د اوصول نامې یوه بله ماده وایی چه د راډیو اوریدلو د پاره کولای سی چه د یوی افغانی په بدل کی سند تر لاسه کی او دبیرودلو او پلورلو په وخت کی باید مسؤولو ځانگو ته خبر ورکړی. د خراغ داره راډیوگانو محصول د میاشتی دوی افغانی او د هوټلونو او رستورانونو محصول پنځه افغانی وې. دغه محصول په ولایتونوکی تر پنځوسو افغانیو رسیدی خو د ولسوالیو اوسیدونکی معاف وه. دغه اوصولو ته نه پابندی جزا هم درلودل په ځانگړی توگه هغه څوک چه د راډیو د بیا رغونی چاری به یی تر سره کولې دغه ښاریان مجبور وه چه خپل ځان د راډیو په تخنیکي مدیریت کی راجستر او اجازه نامه ترلاسه کی. بهرنی وگړی د دی چارو څخه منع سویوه په هغه وخت کی دغه چاری د پوست او تلگرام د وزارت په چوکاټ کی تر سره کیدی. د راډیو کابل خپرونی د هغه لومړیو شیبو څخه د خبرونو سربیره ادبی او ټولنیزې خپرونی هم درلودی اکثرأ د دغه خپرونو لیکوالان دغه ښاغلی وه؛ رشید لطیفی، خلیل الله خلیلی، گل پاچا

دوهم ځل په ۱۳۱۷ یعنی تر لس کلن ځنډ ورسنه د ظاهرشاه په امر د آواز د خپرولو یوه دستگاه د یو ملیون اوسوه زرو افغانیو په لگښت د پل باغ عمومی په ساحه کی نصب او په کار پیل وکړ.

خپرونی او آواز د لیرو چاری په ۱۳۲۰ کی په پوره توگه پرانستل سولی. خپرونی ټوله په ژوندی بڼه خپریدې. د سهار لمخی د یوه ساعت د پاره او مازدیگر د اوو بجوڅخه د دوه نیم ساعتو د پاره فعالیت درلود.

ویل کیږی چه د دری ژبی لومړنی ویاند؛ گويا اعتمادی او میرمن رقیه ابوبکر وه او د پښتو ژبی ویاند؛ عبدالجبار او میرمن مستوره وه. دا لومړنی گامونه وه چه د اولس ږغ د راډیو د لاری د کابل د اوسیدونکو تر غوړو رسیدی. د میرمن ابوبکر دا زړه ورتیا نورو افغانی پیغلو او میرمنو ته لار پرانستل څو. په دغه ډگر کی دوی هم وځلیرې. د خدای بخښلی عبدالاحمد جاوید د خولې چه په هغه وخت کی د راډیو مسوول وو، وایی چه د میرمن

ابوبکر څخه وړاندی دیوه اعلان د خپرولو د پاره د یوی ترکی میرمنی چه خاوند یی یو افغان وو د هغی د ږغ څخه استفاده سویده او کله هم د یوی وروکی نجلۍ مسعوده جلال په آواز کی اعلانونه خپریدل.

ډاکټر جاوید څرگندوی چه د میرمن ابوبکر د آواز د ثبت کولو د پاره د هغې کور ته د آواز د ثبت آله یا لارود سپیکرسره ورتللو تر څو د دی په ږغ کی د «ښځه او ټولنه» خپرونه ثبت او بیا د راډیو کابل

څه د پاسه ۹۵ کاله مو د راډیو د څپو څخه دغه آشنا آواز اوریدلی دی. راډیو کابل د لومړی ځل لپاره زموږ د منور پاچا امیرامان الله خان په وخت کی نصب او په کار پیل وکړ.

متأسفانه د کورنی کرکچنو حالاتو په وجه دغه تازه نفسونه په سینه کی قید سول ترڅو کاله ځنډ ورسنه په ۱۳۲۰ لمریز کال بیا ځلی دا ږغ واوریدل سو.

راډیو په خپل وخت کی بی ساری رول د هیواد پرحالاتو بی تاثیر ندی پاته سوکی د سیاسی ناوړین

تر منعکس کولو نیولی بیا د ټولنیزو پېښو تغییر او تبدیل پوری یې اغیزناک اثر درلودلی دی.

لمړی ځل په ۱۳۰۴ لمریزکال امان الله خان د مهندس عطاءالله خان په نوم یو شخص د راډیو د تخنیکي امورو د زده کړی د پاره د آلمان هیواد ته ولیرې چه تر یوه کال زده کړی ورسنه یی د آواز د لیرو یو دوه سوه واټه دستگاه کابل ته راوړل. د افغان او آلمانی متخصصونو په مرسته نوموړې دستگاه د (لندن کیوټی) په نامه په انگر کی ودرول. په ۲۶۰ منځنی څپه د راډیو کابل آواز خپور سو چه یوازی د کابل د اوسیدونکو د پاره د اوریدلو توان یی درلود. د لندن کیوټی هغه ماڼی په خپل وخت کی د پوره بر مدرنودنکې او په عصری توگه رغول سویوه. پل هارتل ته نژدې د کابل د رود پر غاړه د انگریزی معماری پر بنیاد جوړه سویوه نوموړې راډیو چه بخت ورسره پاری و نه کړل په ۱۳۰۷ کال کی یی آواز په هغه دنکه ځوانی کی څپه کړل سو.



الفت، عبدالروف بېنوا، عبدالرحمن پژواک او علی احمد کهزاد. چاری د هغه وخت د مطبوعاتو د مستقل رئیس صلاح الدین سلجوقی له لوری سمبالیدي ورو ورو د راډیو کابل خپرونی ډیری سوې، تر څو چه په ۱۳۴۲ کی د هنر او ادبیاتو څانگه پرانستل سوه چه داسی همیشنی تل پاتی خپرونی یی وړاندی کړی چه د هیریدو نه دی

دغه خپرونو زموږ د هیواد والو په منځ کی ډیر مینه وال درلودل دهغو خپرونو ځنی یی په لاندی ډول یاد وو :

د شومه دم انگازې، راډیوی مجله، د راډیو ډرام، د هر چمن سمنی، د راډیو نمایش، د ادبیاتو او هنر د اتلانو پیژندنه، اولسی فرهنگ، لوریه مرغلری، د ادب نری، د شپې په اوردو کی، پرله پسې داستانونه، پرونی هنداره او د کتاب نری اونور. د یادولو وړ ده چه د د راډیو د ډیرو خوندورو خپرونو څخه بوهم د موسیقی برخه وه چه د موسیقی د هنر مینان یی دغه ډگر ته راوبلل تر څو خپل آواز او هنر دخپلو خلکو تر غوږو ورسوی البته دثبت دستگاه موجوده نه وه او ټوله خپرونی په ژوندی بڼه نشر کیدې ډاکتر جاوید څرگندی چه د کریم شوقی آواز دخلکو ډیر خوش وو. استاد غلام حسین، استاد قاسم افغان، استاد نتو، استاد قربانعلی، استاد عبدالغفور برېننا هغه لومړنی هنرمندان وه چه د دوی آواز دلومړی ځل لپاره د راډیو په څپو کی خپور سو. په اولو کی ډیرو هیواد والو راډیو نه درلودل خو د راډیو کابل د لوری په لویو څلور لارو او دگنی گونی په ساحو کی لوی لوی د لوریغ یا لاوډسپیکرونه درول سویوه تر څو خپلی خپرونی او خپرونه تر خلگو پوری ورسوی د کابل ریغ خپرونی په ځانگړی توگه موسیقی زموږ د اولس د پاره په زړه پور یوه چیری چه به لاوډسپیکرونه ولاړ وه خلک به په بیلابیلو وختونو

کی راتلل تر څو معلومات ولری او د موسیقی څخه خوند واخلي. دغه لور ریغی چه زما لیر را په یادیری دزیره کابل دننه د پل باغ عمومی په ساحه کی چمن حضوری او د شاه دوشمشیری یعنی انصاری لیسی پرکنج او نورو عامه ځایونو کی نصب سویوه چه د انصاری لیسې پابه دا اوس هم پر ځای پاته ده.

د شلمی او دیرشمی لسیزی په ورځو کی دبنځو آواز د راډیو څخه اوریدل لوی عیب وو نو له دکی سببه مېرمنو زړه نه بڼه کاوه چه د راډیو څخه یی اوز خپور سی. د استاد عبدالغفور برېننا چه د راډیو خپرونو مسؤول وو په مرسته د یو وړې نجلی د فرشتې په نوم د هغې آواز خپور سو چه دا لومړی ریغ وو که څه هم ډیرو خلگو ته په زړه پوری وو خو متأسفانه د تعصبی مشکلاتو له کبله دکی ونه سواکی کرای چه خپل هنر ته ادامه ورکړی.

دوهمه هنرمنده پیغله «سامعه میرزاد» د شهلا په نوم د راډیو کابل څخه خپل آوازخپور کړ. شهلا د یوه روڼ اند شخصیت فاروق اعتمادی خور وه د هغی دنگی ځوانی څخه دی د موسیقی سره مینه درلودل کله کله چه به د بڼونځی څخه په تښته بریالی سوه ځان به یی راډیو کابل ته رساوه نوموړې خپله لیونی مینه د دغه هنر سره داسی بیانوی چه وایی یوه ورځ هوا ډیره سیره وه نومی سواکی کولای چه تر دیواله واوړم نو می دخپلی خورلنی سره و دروازه وان ته منتو ور رانیوی څو هغه لگیا سو او د دروازې دلاری و تښتیدم کله چه د راډیو څخه راستنه سوم ناوخته و پلار می چه و راډیو ته زما له تگه خبر سویوو ډیره کلکه پی ووهلم.

شهلا ورسته د میرمن رقیه په مرسته برعلاوه تر سندرو ویلو د راډیو د خپرونو ځنی موزیکالو او ادبی خپرونو ویانده هم وه چه د مهدی ظفر په مرسته تر سره کیدې. تر شهلا ورسته آزاده، ناهید او عالم ټابه چه په سترگو رنده وه په سندرو پیل وکړ په ۱۳۲۹ کال کی خدیجه دمیرمن پروینی په نامه ډیر اوریدونکی پیدا کړل. د بنځینه هنرمندانو آواز به د هغوی په کورونو کی ثبت کیدی بیا به د راډیو په امواجو کی نشریده. تر څو لمړی ځل په ۱۳۳۰ کال کی میرمن پروینه چادری پر سر راډیو ته راغلل لومړی سندره چه کمپوز د استاد غلام حسین او شعر د ابراهیم خلیل وو خپره سوه دا سندره چه د «من گل

میرمن رقیه ایوبکر، د راډیو کابل لومړنی ویانده

فروشم» وه تر اوسه پوری هم اوریدونکی لری. په ۱۳۳۴ لمریز کال د راډیو د پاره نوی تعمیر آباد سو چه د وزیر اکبرخان ساحه یعنی انصاری واټ کی پروت وو. د نوی د دستگاه په نصب کولو سره یی خپلی خپرونی نشرولی په لنډه څه تر همسایه ملکونوی آواز رساوه. په دغه وخت کی د راډیوکابل نوم په راډیو افغانستان واوښت. د نوی دستگاه په نصب کولو سره راډیو افغانستان پرمختیا وموندل څرنگه چه د باندی تر هیواد هم اوریدل کیدل. نو په ځینو زیوالو ژبو لکه اردو، انگیسی، عربی، فرانسوی، آلمانی او روسی ژبو هم خپرونی شروع کړې کله کله به ناشناس د اردو ژبی خبرونو ویاند وو. په څلویښتمه او پنځوسمه لسیزه کی ځنی خبریالان او ویاندوی د بڼی زده کړی د پاره و بهرنی هیوادونو ته و لیږدول سو.

د راډیو افغانستان د خپرونو تر څنگ د باختر اژانس اداره د اطلاعاتو او خپرونو د خپولو د پاره تاسیس سوه پوڅه چه زما د وړکتوب د وخته را په زړه کېږی د راډیو افغانستان دشپې د اتوجود خبرو ورسته به په لنډه توگه د ورولیک خبرونه په نامه خپریدل ترڅو ولایتونه او اړوندیاد اړی و کولای سی مهم خبرونه د راډیو د څپو څخه په لاس راوړی او هیوادوالو ته یی د لوستلو د پاره وړاندی کی (ممکنه ده چه د آواز د ثبت کولو امکانات لرو).

د مرحوم سردار داوود خان په ورستی کال یعنی ۱۳۵۶ د ډیر پرمخ تللی رنگه (پال سستم) د تلویزیون د نشراتو او خپرونو د پاره د جاپان په مرسته یوه ډیره پیاوړی دستگاه د راډیو ترڅنگ د «آریانا افغانستان ملی راډیو تلویزیون» په نامه ودرول سوه خو په ډیره خواشیننی سره چه د ده تر شهادت ورسته په ۱۳۵۷ کال د ترکی له خوا پرانستل سوه چه همدا اوس د افغانستان ملی راډیو تلویزیون نومیرک.



ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609

bakshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت

حسین ترکیپور، مددکار اجتماعی

www.psyna Quebec.com 514-846-8872

حسابداری

برای امور حسابداری خود با ما تماس بگیرید

514-549-1344 حجت رستمی

آموزش زبان فارسی

آموزگار با ۳ دهه سابقه تدریس و ۲۰ سال سابقه تدریس در پایه اول

514-984-1361 مهرنوش معانی mehrkids.com

استخدام

به یک خانم نیازمندیم تا شبها در کنار مادر

سالخورده ما بماند. 514-924-5055

اجاره بلند مدت آپارتمان

۴ خواب کاملا بازسازی شده

دسترس آسان به مترو کادیلاک و کلیه مراکز خرید

مبلغ اجاره: ۱۹۵۰ دلار 514-662-7826

آموزش و تدریس
همراه با برگزاری آزمونهای بزرگ و جشنواره‌ها در ایران و کب مرکز تدریس

نستعلیق ۱۲ جلسه بزرگسالان ۲۰۰ دلار دانش آموزان ۱۷۰ دلار
تحریری ۱۲ جلسه بزرگسالان ۱۵۰ دلار دانش آموزان ۱۲۰ دلار

مهری نصاری

۵۱۴-۵۵۴-۴۸۹۲

تدریس زبان فرانسه

شهره شاکری

کلینیک بیند زبانی و تدریس فرانسه | دانشگاه تهر

تدریس زبان فرانسه / کلیه سطوح

آمادگی برای آزمون های TFI, TEFaQ, OQLF

مکالمه زبان فرانسه از طریق اسکایپ

آمادگی برای مصاحبه های کاری و تهیه رزومه

ترجمه همزمان و ترجمه کلیه متون و مدارک

Tel: 514 895 7997

Email: shakeri.sharareh@gmail.com



استاد شیدا قره چه داغی

اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
جهت آماده شدن برای امتحان های
دانشکده ها یا مدارس عالی
موسیقی و کنسرت



514 484 8748

sheida.g@hotmail.com

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی

مقدماتی

ردیف



saberjalilzadeh@yahoo.ca

514-549-4697

صرافی افرا
 کار تخوان ایران
 با مدیریت افرا مصطفایی

انجام خدمات ارزی به ایران و بر عکس (استرالیا و ترکیه و ارمنستان)
 تضمین امنیت وجوه حواله های شما با مجوز رسمی از دولت کانادا

جذب مترو اتواتر
514-576-3830
 4055 Ste Catherine O #124 Westmount QC, H3Z 3J8

فروشگاه مواد پروتئینی سن لوران

هر روز به جز دوشنبه ها مرغوب ترین گوشت و مرغ و ماهی،
 انواع برنج، چای، عرقی ها، سبزی خشک و ...

(514) 369-3474 Marché de poisson et viande 5780 Sherbrooke West, Montreal QC, H4A 1X1

مهری صدوقی
 مشاور مجرب شما با ۲۰ سال سابقه

T.A.M Travel
 Mary Sadoughi
 پرواز به ایران و
 تمام نقاط دنیا با بهترین نرخ

T: 514-940-1642/940-1643
 maryagency@gmail.com
 1134 St-Catherine O # 900
 Montreal, Qc, H3B 1H4

C: 514-834-2166 ACTA ATAC IATA

صرافی آشنا

خرید و فروش ارزهای رایج و حوالجات ارزی
 امکان خرید با دستگاه کارت خوان عضو شبکه شتاب

ASHANA EXCHANGE
 Office: 514 - 560 - 7085
 Cell: 514 - 462 - 5185
 4055 Ste Catherine O # 194 H3Z 3J8

مرکز آموزش زبان انگلیسی رکسانا

حضوری (مونترال)، آنلاین (سرتاسر کانادا و آمریکا)
 دوره های فشرده آیلتس، تافل و مکالمه

www.roxana-olc.com

مرتضی طاهری
+1 (514) 585-0189

SHARIF EXCHANGE
صرافی شریف

توجه: انتقال ارز به ایران و بر عکس نداریم
www.sharifexchange.ca
Tel: (514) 223-6408 261 Côte-Vertu Ville Saint-Laurent, QC

خاطره تحویل داری یکتا
 مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
 در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
 گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

هر روز هر روز

مونترال <> تورنتو <> مونترال

مسافر، بار و بسته با نرخهای باور نکردنی

Montreal: 514-887-0432
Toronto: 647-822-2529

پر سپولیس
صرافی
پر سپولیس

سریع آسان قابل اطمینان

514-225-3455 & 438-357-7000
@PersepolisSaraf | 5774 rue Sherbrooke Ouest, Montreal H4A 1X1

کلیه خدمات عکاسی و فیلمبرداری حرفه ای در استودیو
 فقط با وقت قبلی

STUDIO PHOTOBOOK
(514) 984-8944
7352 Rue St. Hubert, Montreal H2R 2N3

VANTAGE
LE GROUPE HYPOTHÉCAIRE ET FINANCIER
514 995 3041

آتوسا تنگستانی فر

همراه با شما در خرید آگاهانه همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

هدیه من به شما پرداخت اولین تسط دو هفته گانه وام بانکی شما

8250 boul. Décarie, Suite 150, Montreal, QC H4P 2P5
atosa.tfar@gmail.com

SOROOR SADR **سرور صدر**

خدمات حسابداری و دفترداری

- ◀ امور دفترداری و حسابداری
- ◀ تهیه و تنظیم اظهارنامه مالیاتی
- ◀ تأسیس و ثبت شرکتها

ACCOUNTING AND BOOKKEEPING SERVICES
WITH APPOINTMENT
Gestion Financière Loyale
5263, boul Cavendish, Montreal, Quebec, H4V 2R6

514.777.3604 loyale.accounting@gmail.com

Artistic Men Haircut
by Sirous

متخصص
مدلهای هنری
برای آقایان

514-240 1493

★★★★★
Five Star I.P.M Inc.
صرافی پنج ستاره

منوچهر قربانپان

تبدیل و انتقال سریع ارز به ایران و
بالعکس با کمترین هزینه

514 585 2345 | 514 846 0221
4010 Saint-Catherine St West, H3Z 1P2

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و اشخاص
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفترداری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd. Montreal, QC H4B 2L9
http://elanaccounting.ca
info@elanaccounting.ca

Impression • Reprographie • Enseigns • Accessoires et fournitures de bureau
Printing • Reprographies • Signs • Office supplies

اولین تعاونی چاپ در کانادا

کارکنان و کارمندان شاغل در چاپخانه صاحبان آن میشوند!

printing.coop
Printing cooperative

همه کارهای چاپی
طراحی و ساخت تابلو
در زیر یک سقف

با ۲۵ سال تجربه چاپ و تبلیغات
ومدیریت مهندس مهدی افضلی

قیمت مخصوص برای موسسات و سازمانهای اجتماعی

با سه شعبه در خدمت شما

9166 Rue Lojeunesse Montréal, QC H2M 1S2 514-544-8043 1-877-384-8043	Printing.coop Papineau 4506 Avenue Papineau Montreal QC H2H 1V1 514-439-9255	Printing.coop Parc 5137 Avenue du Parc Montreal QC H2V 4G3 514-903-8043
---	---	--

imprimeur.coop
Imprimerie Cooperative

آشپزی: نرگسی کدو

سخن ستارگان: صفحه‌ای برای تفنن

سرگرمی: طنز و حکایت

خانواده و سرگرمی

1			5	4		3	
5			6			4	8
				7		9	5
		1	4	6		9	3
	3		7	9		4	
4	7		1	3	8		
3	6		2				
9	2			5			6
	1		9	8			4

▲ نرمال

7			1				6
			6		1		7
3				2			9
2	9	7				8	6
			2		6		
6		5				3	4
9			6				3
1		2		4			
	6			2			1

▲ متوسط

	9	7		4			3	8
			9		1			
1	4			7				
		9				6	7	
		3				2		
4	5					9		
				1			9	3
			3		4			
8	3			9		7	4	

▲ سخت

			5		3			7
	5		4	1				
	8					6	5	
8	4					2		
			2					
		9					7	1
	3	5					9	
				9	5		2	
4			7		1			

▲ خیلی سخت

توضیح: خانه‌های جدول زیر را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

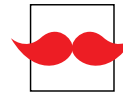
مهسا عباسپور

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE



«ترگسی کدو» یک غذای ایرانی است که بخاطر استفاده از کدو در دستور آن و کم کالری بودن آن، یک غذای رژیمی محسوب می‌شود. کدو دارای ارزش غذایی بسیار بالایی است و دارای خواص ضد پیری و در پایین آوردن چربی خون نیز بسیار موثر است.



آشپزی هفته

RECIPE OF THE WEEK

ترگسی کدو

طرز تهیه

کدوها را بشویید و بعد از خشک کردن با پوست بصورت حلقه‌ای برش دهید و در روغن سرخ کنید. کف یک تابه دیگر را کمی با روغن چرب کنید و یک ردیف از کدوها را بچینید. روی آن کمی پیاز داغ ریخته و لا به لاین کار را تا انتها ادامه می‌دهیم. تابه را بر روی حرارت کم قرار می‌دهیم تا ۱۰ دقیقه بپزد. تخم‌مرغها را در ظرفی شکسته و با آرد، شیر، نمک و فلفل مخلوط کنید تا کاملا یکدست شود. سپس آن را بر روی کدوها ریخته و درب تابه را بگذارید تا تخم‌مرغ خودش را بگیرد. نوش جان

نکته ۱: در صورت تمایل می‌توانید به جای شیر به همان میزان از خامه استفاده کنید.

نکته مثبت هفته

ایمان داشته باش به فردایی که بعد از یک‌شب تاریک می‌آید!

مواد لازم

۱. آرد سفید
 ۲. کدو سبز
 ۳. شیر
 ۴. تخم‌مرغ
 ۵. پیاز داغ
 ۶. نمک و فلفل
- ۱ قاشق غذاخوری
۳ عدد
یک چهارم پیمانه
۳ عدد
۵ قاشق غذاخوری
به میزان لازم



سخن ستارگان (برای تقن)

فال شما برای ۱۰ تا ۱۶ دسامبر / ۲۰ تا ۲۶ آذر

ترجمه:
خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

امسال برای چهار برج از برج‌های دوازده‌گانه بسیار سخت بوده و شما یکی از آنها هستید (فروردین، تیر، مهر و البته دی). برای متولدین تیر فعالیت‌های نجومی غیرمعمول اتفاق افتاده و همچنان در مقابل برج شما در حال انجام است. بلند پروازی‌هایتان برای رسیدن به آرزوها، پست و بلندی بسیاری داشته است. به طوری که باید بگویم تابستان امسال کاملا آماده عمل بودید، اما اکنون با وجود تلاش بسیار به نتیجه نمی‌رسید. این ماه این شرایط تغییر می‌کند!



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

پیوستگی حضور غیرمعمول سیاره مشتری، پلوتون و زحل سال ۲۰۲۰ را برای شما پرچالش کرده است. در مورد متولدین مرداد این شرایط بر کار و سلامت‌تان تاثیر گذاشته است. به عبارتی آنچه را که تاکنون به آن توجه نداشته‌اید باید مورد دقت و بررسی قرار دهید. آنچه در این سال به کمک شما آمده سفر غیرمعمول مریخ به موقعیت فروردین است که انرژی و اعتماد به نفس‌تان را بسیار بالا برده و باعث موفقیت شما در کار غیرمعمول مشکلات شده است.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

امسال به دلیل صف کشیدن سیارات در موقعیت دی ماه تعادل همه بر هم ریخته است. در مورد شما نیاز به بهبود یا اصلاح روابط با بچه‌ها و مسائل در مورد ورزش، تفریح و میهمان‌نوازی احساس می‌شود. بسیاری از شما مجبور شده‌اید تعادلی را بین کار و تفریح در زندگی ایجاد کنید. عشق و عاشقی هم از این تاثیر مستثنی نیست. متأسفانه اوج گرفته و دردناک است. خوشبختانه برخی اثرات خوب و مثبت هم وجود دارد.



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

امسال اتفاقات غیرطبیعی نجومی در مقابله با حضور خورشید در موقعیت شما قرار گرفته‌اند و زندگی را برایتان سخت کرده‌اند. این مسئله بیشتر بر اهداف بلند مدت، موقعیت شما در جامعه و شهرت عمومی‌تان اثر گذاشته. ممکن است مجبور شده باشید از خود دفاع کنید. البته با حضور مریخ در موقعیت شما در شش ماه گذشته نعمتی از کائنات داشته‌اید و از انرژی و اعتماد به نفس بالایی برخوردار بوده‌اید. نگران نباشید به زودی شرایط به حالت عادی برمی‌گردد.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

اتفاقات غیرمعمول نجومی در موقعیت متولدین ماه دی برنامه‌های سفر و آموزش و تحصیل شما را متوقف کرده‌اند. خوشبختانه این چالش‌ها به دلیل آنکه ژوپیتر خوش یمن همچنان در موقعیت شماسست، آرام‌تر می‌شوند. به سفر می‌روید، اما شاید نه جایی که از ابتدا می‌خواستید و آموزش را شروع می‌کنید، اما شاید نه بر اساس انتخاب اول خود. این بدان دلیل است که چالش‌های رخ داده در موقعیت دی ماه شما را هم به نوعی حمایت کرده‌اند.



متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

امسال پیوستگی حضور سه سیاره پلوتون، مشتری و زحل در خانه پول شما، نظراتان را به بدهی‌ها و اموال مشترک با دیگران جلب کرده است. به عبارت دیگر به اهمیت رهایی از بدهی پی می‌برید. یا مسائل مربوط به ارثیه و اموال مشترک طوری به نظراتان می‌آیند که متوجه می‌شوید چطور بهتر می‌توان آنها را کنترل کرد و در دست گرفت. برای برخی از شما دیر شده اما برای برخی دیگر زنگ بیدارباش خواهد بود.



PhotoMahnaz



عکاسی عروسی، تولد، بارداری، کودک، خانواده و ... در آتلیه مخصوص و یا محل مورد نظر شما با قیمت‌های ویژه و مناسب

www.PhotoMahnaz.com

PhotoMahnaz: ۰۱۴-۶۶۰-۸۲۶۰



متولدین مهر (۲۳ سپتامبر – ۲۲ اکتبر)



شما یکی از چهار برجی هستید که امسال برایشان سال سختی بوده است (فروردین، تیر، مهر و دی). سختی‌ها خصوصا برای کسانی است که در فاصله دوازدهم تا پانزدهم ماه به دنیا آمده‌اند. مسائل بیش از همه بر خانه و خانواده تاثیر می‌گذارد. مواردی هم مربوط به روابط شما یا انرژی در خانواده است. علاوه بر آن حضور مریخ در مقابل برج شما در شش ماه آخر سال، باعث ایجاد استرس در دوستی‌های نزدیک است. عجب زمانی!

متولدین دی (۲۲ دسامبر – ۱۹ ژانویه)



از میان چهار برجی که امسال با بیشترین سختی‌ها مواجه بوده‌اند (فروردین، تیر، مهر و دی)، شما برنده هستید. برخی اتفاقاتی که برای شما رخ داده، سال‌ها اتفاق نیفتاده بود. به همین جهت زندگی شما زیر و رو شده است. البته باید گفت در میان مشکلات موارد با نتیجه قابل پیش بینی را دوست دارید و به امنیت و برنامه‌های آینده ارزش می‌دهید. خوشبختانه عموما محکم هستید و می‌دانید سختی‌ها شخصیت افراد را می‌سازند.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر – ۲۱ نوامبر)



برخی چالش‌های بزرگی که امسال رخ داده‌اند روتین روزمره شما و ارتباطات روزانه‌تان را تحت تاثیر قرار داده‌اند. در مواردی سوء تعبیر داشته و گاهی هم عصبانی شده‌اید. تصمیم گرفته‌اید تا ته مسئله را دنبال کرده و حقیقت را بیابید. به همین جهت خوشنامی خود را هم کمی از بین برده‌اید! علاوه بر آن از ماه سپتامبر، با عقب‌نشینی مریخ اعتماد به نفس خود را در کار هم به جدال کشانده‌اید. نگران نباشید! شرایط این ماه خوب می‌شود.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه – ۱۸ فوریه)



امسال برای شما پرچالش بوده است و بیشتر این چالش‌ها پنهان یا به عبارتی چالش‌های بخش تاریک روح هستند. مسائلی اتفاق افتاده و یا همچنان اتفاق می‌افتند که باعث می‌شوند دوباره به ارزش‌های خود فکر کنید و تصمیم بگیرید چه چیزهایی را باید ادامه داده و کدامیک را باید رها کنید. فراموش نکنید اگر بخواهید برای خودداری از امری اجتناب‌ناپذیر کاری را ادامه دهید، بهای گزاف‌تری برای آن پرداخت خواهید کرد.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر – ۲۱ دسامبر)



پیوستگی حضور سه سیاره پلوتون، مشتری و زحل بر درآمد، اموال منقول و دارایی شما اثر گذاشته است. بسیاری از شما درآمد و کار خود را از دست داده‌اید و عده‌ای دیگر هم دارایی خود را. خوشبختانه حضور مریخ به مدت شش ماه در موقعیت فروردین انرژی شما را بالا برده است. نکته مهم آنست که از میان سه سیاره زحل نماینده ثروت و توسعه است. این بدان معناست که شرایط شما موقت بوده و در سال ۲۰۲۱ همه چیز خوب خواهد شد.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه – ۲۰ مارس)



شاید بتوان گفت پیوستگی سه سیاره مشتری، پلوتون و زحل بیشترین تاثیر را بر دوستی‌ها و روابط گروهی شما داشته است. بسیاری از شما به طور ناگهانی روابط با دوستان را رها کرده و یا خود را از کلوب یا گروهی که عضو آن هستید جدا می‌کنید و به گروه دیگری می‌پیوندید. به هر صورت عملکرد شما بر اهداف‌تان و همچنین تعبیر شما از امید و روپاهایی که می‌خواهید در آینده به حقیقت بپیوندند، تاثیر می‌گذارد.



مشاور رسمی املاک مسکونی

مشاوره تخصصی املاک درآمدزا

دسترسی به پیش فروش VIP

جهت سرمایه‌گذاری دریافت وام تضمینی



خانه های ویلایی و کاندو و تانهاوس

برای مشاوره رایگان با ما تماس بگیرید 514 730 3909

AGENCE IMMOBILIERE
GRUPE IMMOBILIERE LONDONO
REALTY GROUP INC

HIGH ROLLER
2018, 2019, 2020

A Donation partner of
DANS LARUE

Broker of the
year 2019

73 | JOURNAL HAFTEH
NO.612 DEC.10.2020

WWW.HAFTEH.CA

شعر هفته

در دسترس نبود
ولیکن فلان دوست

رنگین تر از بهار گل افشان بهار دوست
ماهر تر است از خلبان ساریان دوست
با کاروان اگر چه سفر نیست این زمان
از بنز بهتر است سفر با زیان دوست
از خواب من قطار شتر می گذشت و من
ملحق شدم به سلسله کاروان دوست
از ساریان دوست برایم خبر بیار
«ای پیک پی خجسته که داری نشان دوست»
انگار تازگی خبر تازه ای نبود
غیر از همان عوض شدن ناگهان دوست
دشمن دوباره دوست شد و دوست، دشمن
است
با دوستان دشمن و با دشمنان دوست
در هرج و مرج دشمنی و دوستی بگو
«آن کیست در جهان که بگیرد مکان دوست؟»
گفتم شکایتی کنم از دوست نزد دوست
با دوستان خوش سخن و مهربان دوست
گفتند آن شکایت خود با فلان بگو
هست آن فلان معاون و گوش و زبان دوست
من در پی فلان به ادارات سر زدم
در دسترس نبود ولیکن فلان دوست

منبع: (دکتر بازی، اسماعیل امینی. مشهد؛
سپیده باوران، ۱۳۹۴. قسمتی از شعر «در دسترس
نبود ولیکن فلان دوست»)

آدم

حکایت
هفته

بابای همه ی بشر. وقتی کسی می گوید در فلان جا «بابای آدم» را درمی آورند دقیقاً معلوم نیست مراد و مقصودش چیست چون آدم دیگر بابا نداشته. بچه اش خیلی خوب است. چرا که قرن هاست همه اصرار دارند بقیه مثل بچه ی آدم رفتار کنند. با تعریفی که مردم به دست می دهند بچه ی آدم نه راه می رفته، نه شلوغ می کرده، نه بازی می کرده؛ نه در مهمانی شیرینی می خورده، نه مسواک آخر شبش یادش می رفته و ... و مثل بچه ی آدم زندگی می کرده است.

چنان که متواتر آمده آدم بودن با فعل امر آدم باش از اساسی ترین دغدغه ها و مباحث مطروحه در حوزه ی زیستی انسان بوده است. آدم باش به معنی اخلاص و ادق کلام یعنی اونجوری که من میگم یا همان طور که من می خواهم باش.

اسم مصدرش با پسوند «یت» هم مورد توجه بوده است قدر مسلم بنا به تأکیدات فراوان این مقوله ی آدمیت ربطی به لباس زیبا نداشته اما اینکه به چی ربط داشته در طول تاریخ و عرض کرده ی زمین جغرافیا خیلی معلوم نیست.

آدم اساساً دچار سرگشتگی و حیرانی بوده. در همین باب، شاید هم در بابی دیگر، شاعری گفته «آدم رو عشقشون پا می ذارن، آدمآ آدمو تنها می ذارن» که بیانگر آدم تو آدم بودن فضاست و گویا بعدها این اصطلاح «آدم تو آدم» به جانداران دیگری تغییر یافته است.

با افزودن حروف ی. ز. ا. د. هم زیاد مورد استفاده قرار می گیرد. این ها که آمد مثل م. ر. مخفف اختلاس گران اقتصادی نیست. اساساً در کشور ما هر کسی چندین میلیارد اختلاس می کند در اولین اقدام بدل به جدول کلمات متقاطع می شود و نامش به صورت حروف مقطعه درمی آید اما در مورد فوق الذکر مقصود شکل «آدمیزاد» از مشتقات آدم بود. چنان که شاعری دیگر جایی آورده «آدمیزاده اگر در طرب آید نه عجب» قطع به یقین آدمیزاده را با توجه به حضور مستمر گشت ارشاد خیلی هم در طرب نباید بهتر است. مخصوصاً اگر طرب از سوی آدمیزاده به ترقصی خفیف و عقب رفتن پوشش سر به صورت توأمان منجر شود.

جانداری که روی دو پا راه می رفت سابقاً. در حال حاضر توی ماشین به پیاده روی مبادرت می ورزد. گاهی اوقات به شیوه های استفاده ی مورد استفاده قرار می گیرد. به این شکل: آدمی؟ این مورد حین رانندگی کاربرد دارد و مفهوم درستش این نیست که راننده ی دیگر واقعاً در آدم بودن و نبودن شما سوالی دارد. او یقین پیدا کرده شما آدم نیستی و با این طرح سوال به شکل ظریفی ابلاغ ناسزا می کند.

منبع: (کتاب طنز پس کوچه، ابراهیم رها. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۹۵)

لطیفه های
هفته

www.hafteh.ca

* غمگینم مثل همه اونایی که ۱۲ سال درس خوندن تا بیان دانشگاه مختلط ... ولی همه کلاسشون مجازیه!
* تعرفه های کارمزد بانک جوری بالا رفته که از جلو عابر بانک رد شدم و نگاه نکردم دیدم پیامک اومده: ... تحویل نمی گیری؟!
* علی الحساب ۳ تومن از حسابت کسر می کنم ادب بشی!
* فکر کنم این ستاد مبارزه با کرونا همون اعضای تیم مدیریت بحران هستن ... چون هر کاری می کنن وضعیت خراب تر میشه ... یه دو دقیقه کاری نکنید شاید کرونا خودش رفت!
* خارجی: شما چطور اختلاس می کنید؟ ایرانی: این پروژه رفاهی و عمرانی رو می بینی؟ ... خارجی: نه من که چیزی نمی بینم! ... ایرانی: آ قربون دهنتم، همین چهل میلیارد خرج برداشته!
* بچه بودیم می نشستیم دور هم کلاغ پر بازی می کردیم ... ماشین پر، خونه پر، پول پر و ... ما فکر کردیم داریم بازی می کنیم...
* نگو اینا داشتن از بچگی آروم آروم حالیمون می کردن بزرگ بشی از اینا خبری نیست!
* دیدی وقتی داری با جارو خاک رو می ریزی تو خاک انداز یه خطی از خاک جلوی خاک انداز میمونه و مجبوری یه قدم * بری اونور تر دوباره جارو بزنی؟ ... من یه بار سر همین قضیه نزدیک بود از مرز خارج بشم گرفتیم ... آخر هم اون یه خط رفت تو خاک انداز.

نکته هفته

پاییز فصلی است که می آموزد «تغییر» می تواند زیبا باشد.

نقل قول هفته

الوین تافلر: دگرگونی ها تنها یک چیز بایسته برای زندگی نیست، خود زندگی است.

ضرب المثل هفته

پارسی: از پس هر گریه، آخر خنده ایست.
افغانی: اگر طلا ناب و خالص است چرا از آتش بترسد!

نیازمندی‌ها فقط با ۱۰ دلار در ماه! نام و شماره تلفن موسسه خود را در اینجا آگهی کنید.

مد و لباس	۸۴۲-۵۶۰۸
HPadar	۸۴۲-۵۶۰۸
مراکز مذهبی	
انجمن بهایی	۸۴۹-۰۷۵۳
موسسه خوبی	۳۴۱-۲۲۳۵
کلیسای ایرانی	۲۶۱-۶۸۸۶
کلیسای فارسی- کشیش	۹۹۹-۵۱۶۸
مشاور املاک	
مهدی انصاری	۵۸۸-۰۶۰۹
آنوسا تنگستانی فر	۹۹۵-۳۰۴۱
مینو اسلامی	۹۶۷-۵۷۴۳
نادر خاکسار	۹۶۹-۲۴۹۲
شهره شمیران	۲۹۰-۲۲۱۰
سحر صمدایی	۶۲۵-۲۵۲۵
فیروز همتیان	۸۲۷-۶۳۶۴
آرزو گتمیری	۵۶۱-۳۵۶۱
کاظم پرتوثرانی	۹۷۱-۷۴۰۷
آرش شکور	۷۳۰-۳۹۰۹
محمد اجزای	۹۲۴-۵۰۵۵
مشاور خانواده	
لاله رهبین	۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴
مشاور تحصیلی	
مشاور مهاجرت	
معصومه علی محمدی	۲۸۹-۹۰۴۴
علی مختاری	۹۰۳-۴۷۲۶
سهیل ملاحمدی	۷۴۸-۰۹۴۹
گنجی	www.GanjiCo.com
نان و شیرینی	
گندم	۸۳۶-۵۵۵۳
نان سنگک آذر	۶۳۴-۶۳۶۳
نوسازی و تعمیرات ساختمان	
شرکت بن	۴۴۱-۴۲۹۵
شرکت آماج	۹۴۲-۹۹۶۹
لوله کشی پتانسیل	۴۶۳-۳۰۱۴
لوله کشی پارس	۲۹۰-۲۹۵۹
بهنام	۴۴۱-۴۲۹۵
وام مسکن	
بهروز باباخانی	۶۰۶-۵۶۲۶
آنوسا تنگستانی فر	۹۹۵-۳۰۴۱
شیرین تیموری	۹۷۹-۹۸۰۹
مهرداد مرادخانی	۸۳۴-۸۰۵۳
مهد کودک	
سیما (دولتی)	۶۹۹-۸۳۷۳
وکیل/مهاجرت	
دیوید برگر	۹۶۱-۸۷۴۶

فریدون هرنیدیان	۹۳۳-۶۸۰۰
رسانه های گروهی	
بازار	۸۴۸-۹۵۹۹
پوشه	۵۷۵-۸۴۵۱
هفته	۷۸۷-۸۸۴۸
پرنیان	۹۰۳-۴۷۲۶
پیوند	۹۹۶-۹۶۹۲
رستوران- پیتزا - کیتترینگ	
فارس	
رستوران غذاهای دریایی	
362-Ave.-Fairmount W. / 514-270-8437	
پوشاپ (هندی)	۷۳۷-۴۵۲۷
آریا	۴۵۰-۸۱۲-۷۳۶۹
کباب سرا	
820 Ave. Atwater / 514-933-0933	
ساخت و ساز Builders	
علی خاقانی	۵۷۴-۵۷۴۳
سی.دی - ویدئو	
نپش دیجیتال	۲۲۳-۳۳۳۶
فرش و موکت	
قالی شویی و رفو	۷۳۹-۴۸۸۸
عکاسی و فیلمبرداری	
استودیو فتوبوک	۹۸۴-۸۹۴۴
فتو شاپ	۸۴۶-۰۲۲۱
فروشگاه ها	
سن لوران	۳۶۹-۳۴۷۴
بازار	۴۸۶-۱۶۱۷
EXO Fruits	۷۳۸-۱۳۸۴
متروبولیس (تعاونی رز)	۸۴۹-۲۲۴۲
کامپیوتر و خدمات	
بیژن جلالی	۲۵۸-۸۱۸۶
EvoWeb	۵۱۴-۶۴۹-۹۳۶۶
کتاب فروشی / کتابخانه	
کتابخانه نیما	۴۸۵-۳۶۵۲
نوروززمین	۷۸۷-۸۸۴۰
طراحی و گرافیک	
محضر رسمی	
مونا صالحی	۹۰۳-۸۵۶۰

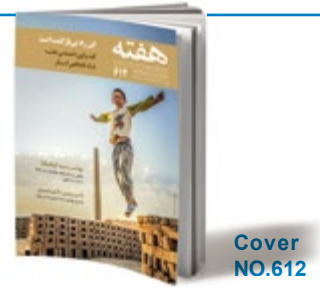
دکتر رضا یاوریان	۶۵۳-۳۰۵۰
بیمه عمر و سرمایه گذاری	
نیره امداد	۴۷۳-۵۳۹۵
علی پاکنژاد	۲۹۶-۹۰۷۱
عبدالله صفوی	۴۶۷-۸۴۹۱
متین تیره دست	۶۹۰-۶۱۸۱
بیمه (خودرو و خانه و سفر)	
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	
مهرداد ملکچمشیدی	۶۵۲-۷۶۷۷
پزشکی جابگزین	
ترجمه و دعوتنامه رسمی	
رضا داودی	۶۹۱-۴۳۸۳
شهریار بخشی	۶۲۴-۵۶۰۹
خاطره تحویل داری یکتا	۴۳۸-۳۹۰۰-۶۹۴
نوشادجمال	۵۷۵-۷۰۸۰
چاپ و کپی	
فتوکپی ان دی جی	۴۸۸-۵۳۳۳
حسابداری	
اردشیر معین افشاری	۴۵۸-۷۵۹۹
حسین خردبین	۲۴۲-۶۰۳۴
حجت رستمی	۵۴۹-۱۳۴۴
سرور صدر	۷۷۷-۳۶۰۴
مهدیه سلیمی	۸۸۶-۷۷۷۱
حمل و نقل	
المیک	۹۳۵-۳۳۰۰
قربان	۸۸۷-۰۴۳۲
Loadex Transport	۲۳۴-۳۳۹۹
خدمات ویزای توریستی	
خیاطی	
Tailleur Bijan	419-1039
2121 Rue Crescent #102, H3G 2C1	
خدمات در ایران	
دارالترجمه فرهنگ	۶۹۱-۴۳۸۳
دارو خانه	
کلنسیم ریاحی	۵۱۹-۳۰۶۰
فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰
فارماپری لاوال	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷
دندان پزشکی	
راضیه رضوی	۶۳۴-۷۲۸۱
شریف نائینی	۷۳۱-۱۴۴۳
علی شفیعی	۶۸۵-۶۲۲۲

اتومبیل (فروش)	
Auto Highlander	۹۹۰-۲۵۰۰
www.autohighlander.com	
1080 Victoria Avenue, Saint-Lambert, QC J4R 1P7	
اتو کاسپین	۵۷۵-۷۹۴۰
www.autocaspien.com	
اتومبیل (تعمیرگاه)	
اطلس	۴۸۴-۴۴۸۱
6000 saint jaque H4A 2E9	
شمیران	۴۸۷-۶۲۲۲
آرایشگاه - زیبایی - اسپا	
آمنه	۹۳۳-۰۷۶۳
3545 Côte-des-Neiges, H3H 1V1	
www.Amybeautysalon.com	
سوزان	۸۱۳-۴۹۴۷
رویا	۹۳۴-۳۳۷۴
فریبا	۴۸۷-۰۸۰۰
ارز	
آپادانا	۷۳۱۸-۸۳۹
پرسپولیس	۴۳۸-۳۵۷-۷۰۰۰
پنج ستاره	۸۴۶-۰۲۲۱
صرافی الیت	۹۸۹-۲۲۲۹
شریف	۲۲۳-۶۴۰۸
صرافی رویال	۸۳۶-۷۰۹۰
پاسیفیک	۲۸۹-۹۰۱۱
ExpertFX	۸۴۴-۴۴۹۲
الکتریکی - برق کار	
آراز الکتریک	۳۵۲-۶۸۸۳
آژانس های مسافرتی	
سلطان تراول	۴۸۴-۴۰۰۰
فرنان معتمدی	۸۴۲-۸۰۰۰ EXT: ۲۹۶
مهری صدوقی	۹۴۰-۱۶۴۲/۴۳
سعید هاشمی	۲۷۲-۹۹۹۹
آموزش	
پروین عبائی- فارسی	۶۷۵-۴۴۰۵
مدرسه فردوسی	۵۰۲-۴۳۷۸
مدرسه وست آیلند	۶۲۶-۵۵۲۰
مدرسه دهخدا	۲۵۸-۸۱۸۶
آموزشگاه (راندگی)	
آموزش (موسیقی)	
پیانو / فزاریان	۹۹۶-۱۶۲۰
استاد پیانیست قرچه داغی	۴۸۴-۸۷۴۸
آموزش (زبان)	

17: Histoire de couverture

Journée internationale des migrants et Politique d'immigration canadienne

par: Khosro Shemiranie, Farangis Shakiba



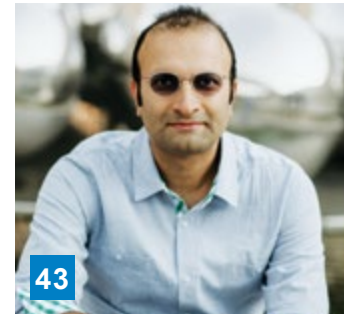
25 Immigration: Masoumeh Alimohammadi
**Commission parlementaire examinant le rendement du
ministre canadien de l'Immigration**

31 Littérature: Mehran Rad
Une recette du VIe siècle

43 Interview: Pasha Javadi
**Entretien avec une Khatereh Khodaei
à propos de son film documentaire, Haiku et Abbas
Kiarostami**

50 Communauté Khosro Shemiranie
**six questions pour 4 candidats, élection dans la
communauté iranienne**

60 Légal: Me Niousha Riahi
**Quelle est la première étape après avoir reçu une
plainte personnelle?**



Un magazine hebdomadaire
pour la communauté Afghane/
iranienne de Montréal
A weekly Magazine for the
Afghan/Iranian Community in
Montreal
10 desember 2020, numéro 612
10 Desember 2020, issue Nr. 612

(514)834-7254
• www.hafteh.ca
• info@hafteh.ca
• news@hafteh.ca
• ad@hafteh.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

Publication: Journal Hafteh / 4479777 Canada Inc

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie
Immigration: Masoumeh Alimohammadi
Littérature: F. Sadatsharifi
Cinema: Mostafa Azizi
Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi
Communauté afghane: Habib Osman, Nargis Karimi Hashimi
Actualité Communauté: Negin Parvarandeh
Économie: Behrad Ranjbari

Price: \$2.50
Annual subscription: \$120

Hafteh will not be published on
the following dates during 2020:

January 2nd
March 26th
July 9th
October 15th

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.

Canada



Les frais de l'abonnement
annuel: 120 dollars

بهار ایزدی

مشاور املاک مسکونی در **مونترال** بزرگ
خرید، فروش و پیش فروش

MIMMOBILIER BAHAR IZADI

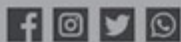
REAL ESTATE ADVISOR

For more information contact me >



514 651 48 26

bahari@mmontreal.com



انتخاب خوب هنر است. برای انتخاب هنرمندانه با من تماس بگیرید



مشاوره ، طراحی ، اجرا
گرافیک هفته

0-100

طراحی لوگو/ طراحی پکیج اداری/ پوستر/ کاتالوگ/ بروشور
تقویم و سررسید/ صفحه آرای کتاب و مجلات/ طراحی بسته بندی
محصولات/ طراحی تبلیغات

به ما بسپارید
از

طراحی تا چاپ

۵۱۴-۷۸۷-۸۸۴۸

۲۳۷-۸۸۷-۸۳۰۱



PERMONT

Entrepreneurs généraux - General contractors Inc.

تیم مدیریتی با بیش از ۳۰ سال سابقه اجرا در کانادا

سازنده سازه های شما با اعتماد و دوستی

طراحی و ساخت کلیه ساختمان های تجاری ، صنعتی و مسکونی
برآورد و مشاوره سرمایه گذاری در امور ساخت و ساز
استفاده بهینه از فناوری روز در طراحی و اجرای ساختمان



Tel: 514-738-0006 Fax: 514-738-0002 Info@permont.ca www.permont.ca
5473 Ave Royalmount #214 Montreal, QC, H4P 1J3

RBQ # 5639-5874-01



MARYAM RAMEZANLOO
Courtier hypothe caire

مریم رمضانلو
کارشناس وام مسکن

خدمات وام مسکن در زمان و مکان مورد نظر شما
ارائه بهترین نرخ بهره و وام
مطابق شرایط منحصر به فرد شما در کوتاه ترین زمان ممکن
mramezanloo@multi-prets.ca
438-926 5626
boulevard Taschereau, suite 212, Brossard, Québec, J4Z 1A6 ,6185

- تازه واردین
- تمدید وام
- خود اشتغالی
- سرمایه گذاری
- دسترسی به وام دهندگان خصوصی
- پرداخت بدهی
- ترمیم کردیت بد



SAMI FRUITS

میوه تره بار سامی

با شش شعبه بزرگ در خدمت شما

کیفیت: خوب قیمت ها: غیر قابل رقابت

D.D.O. (514) 421-6333
 3000 Rue du Marche, H9B 2Y3
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰
 جمعه: ۸:۱۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۰۰
 (دوشنبه و سهشنبه تعطیل)

Head Office
 1505 rue Legendre Ouest
 Montreal, QC H4N 1H6
 (514) 858-6363

Nord-est (514) 593-1333
 8200 19E Avenue, H1Z 4J8
 دو و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - سهشنبه: تعطیل

St. Laurent (514) 856-1333
 1320 boul. Jules-poitras, H4N
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰ - پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - شنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 یکشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۰۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

Laval (450) 978-1333
 1550 Blvd Daniel Johnson
 دوشنبه و چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه، شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰
 جمعه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - سهشنبه: تعطیل

Lasalle (514) 368-1333
 400 ave Lafleu, H8R 3H6
 چهارشنبه: ۸:۳۰ تا ۱۹:۳۰
 پنجشنبه: ۸:۳۰ تا ۲۰:۰۰ - جمعه: ۸:۰۰ تا ۲۰:۰۰
 شنبه و یکشنبه: ۸:۰۰ تا ۱۹:۳۰ - دو و سهشنبه: تعطیل

سامی، جایی که می توانید سبد خرید خود را پر از میوه کنید،

اما کیف پولتان را خالی نکنید.



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 années écoulées pour le bon service

- امکان دریافت وام و بورس
- مشاوره برای کاریابی ارائه می‌شود

Service de Placement Disponible

روایهای خود را واقعیت ببخشید

les cours en ligne sont disponibles en français et en anglais

دوره های آنلاین اوپرون آغاز شد

Programmes D.E.P 1800 heures:

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Dessin industriel
- Électricité

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- طراحی صنعتی
- برق کاری

- تئوری: به صورت آنلاین
- عملی: در موسسه و حضوری
- امتحانات: حضوری با رعایت پروتکل های بهداشتی






5460 Royalmount, Ville Mont-Royal ☺ De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010



Fengye College
www.cfycollege.com Since 2003

Canada Québec

هفت روز هفته در خدمت شما هستیم

Adult Vocational Paid Training

آموزش حرفه ای بزرگسالان با بورس ماهانه

“Starting a business”

امکان دریافت وام و بورس (در پروسه تقاضا به شما کمک می‌کنیم)

آموزش آنلاین



اعلام شروع کلاسهای ماه دسامبر (آنلاین) - ۹ صبح تا ۴ عصر

Sales Representation
نماینده‌گی فروش
(انگلیسی)
شنبه و یکشنبه از ۱۲ دسامبر - بعد از ظهر
دوشنبه و جمعه از ۱۴ دسامبر - صبح

Professional Sales
فروش حرفه ای
شنبه و یکشنبه از ۱۲ دسامبر - بعد از ظهر
دوشنبه و جمعه از ۱۴ دسامبر - صبح

Accounting
حسابداری
دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه از ۱۴ دسامبر - صبح

Starting a Business
استارت‌تینگ بیزینس ۱
(انگلیسی)
چهارشنبه از ۹ دسامبر
شنبه از ۱۲ دسامبر
یکشنبه از ۱۳ دسامبر
شنبه از ۱۲ دسامبر * سن نوران
یکشنبه از ۱۳ دسامبر * سن نوران

استارت‌تینگ بیزینس ۲
(انگلیسی)
شنبه از ۱۲ دسامبر
یکشنبه از ۱۳ دسامبر
شنبه از ۱۲ دسامبر * سن نوران
یکشنبه از ۱۳ دسامبر * سن نوران

Travel Sales
دوشنبه، سه‌شنبه، چهارشنبه از ۱۴ دسامبر - صبح

(514) 907-5073 | (514) 996-7628 | (514) 561-5788 | fycenter2014@gmail.com